

چگونگی مطالعه کتاب مقدس

سموئل ریدووت

How to Study the Bible

Samuel Ridout

فهرست

اصول اولیه

بخش اول. روشهای مطالعه

۱. مطالعه روزانه کلام
۲. حفظ نمودن آیات کتاب مقدس
۳. مطالعه تحلیلی
۴. نحوه نُت برداری در حین مطالعه کتاب مقدس
۵. مطالعه موضوعی
۶. مطالعه زندگینامه ای
۷. مطالعه نوعی (Typical)
۸. مطالعه دوره ای
۹. مطالعه مقایسه ای یا هارمونیک
۱۰. مطالعه جزئیات ریز و کوچک

(۱) مطالعه واژه

(۲) اسامی و کاربرد و اهمیت آنها

(۳) اعداد و اهمیت آنها

(۴) نقل قول ها و مأخذ

(۵) حفظ لیست کتابهای کتاب مقدس

بخش دوم. بخش عملی

ساختار و برنامه زمان بندی شده

بخش سوم . مسئولیتهای عمومی

دعا در ارتباط با مطالعه کتاب مقدس

۱. مسئولیتهای خارجی

۲. مطالعات روز یکشنبه و تعطیلات

۳. مزایای این روش سیستماتیک

بخش چهارم . موضوع اصلی کتاب مقدس

مسیح موضوع اصلی کتاب مقدس می باشد

بخش پنجم . کتب مفید به جهت مطالعه کلام

۱. کتابهای مرتبط با متن

۲. آیه یاب (کشف الآیات)

۳. دایره المعارف کتاب مقدس (قاموس)

۴. خلاصه کتاب مقدس

۵. عنوان بندی و موضوعات خاص

۶. تفاسیر

۷. نقاط برجسته در طول مطالعه

اصول اولیه

شاید به نظر بسیاری فراهم آوردن چنین کتابی بی فایده و غیر ضروری بنماید؛ یا عده ای بر این باور باشند که روح القدس آنچه را لازم باشد بر فردی که کلام را مطالعه می کند؛ مکشوف می نماید. و شاید برخی که در این حوزه تلاشهائی داشته اند از چنین اثری خرسند شوند؛ اما به هر ترتیب امید ما این است که کتاب حاضر برای آنانی که می خواهند در کلام خدا تجهیز یابند؛ مفید باشد.

اولاً، هیچ یک از روشهای مطالعه کلام که در این کتاب ارائه می شوند؛ لزوماً نمی توانند به خودی خود باعث تولد تازه و توبه و بازشگت روحانی شوند. ذهن طبیعی آدمی از حیات الهی به دور است و مطالعه هرچه بیشتر حتی در کلام خدا نمی تواند خصوصیت دشمنی با خدا را در انسان تغییر دهد. معلم کانون شادی نباید هرگز این اصل را فراموش نماید حتی اگر هر هفته سر کلاس شاگردانی حاضر شود که بچه ها از لحاظ هوش و استعداد ذهنی در سطح بالایی قرار گرفته باشند.

اگر خداوند آنها را به لحظه توبه و ایمان آوردن نکشانند که مبنای روحانی حیات آنها است. بنابراین همه تلاش ما با اشتیاق و علاقه و فرمان در این حوزه، باید با دعا به جهت نجات و تولد تازه مخاطبینی قرار گیرد که خدا آنان را در مشیت و پیش دانی خود برگزیده است، و این روشها باید با چنین روحیه ای به مخاطبین ارائه شود.

همچنین، این قاعده نسبت به همه کسانی که با کلام خدا روبرو می شوند و هیچ آگاهی و شناختی از بخشایش خدا در قبال گناهانشان ندارند؛ نیز صدق می نماید. در حالی که باید همه تلاش خود را برای مخاطبین کلام خدا به انجام رسانیم. اما باید به یاد آوریم که یک اصل بسیار ضروری می باشد و آن اینکه روند روز افزون نقدهای کتاب مقدس بر آمده از تحلیل عقلانی انسانی است که هنوز ایمان نیاورده است. بدون شک کلیساهای امروزی نیز آمیخته از افراد ایماندار و بی ایمانی است که باز این حقیقت روحانی را به یاد مان می آورد.

دوماً، هیچ روش مطالعه کلام نمی تواند جایگزین برکت هدایت روح القدس در فرد ایماندار قرار گیرد. «او شما را به جمیع راستی ها هدایت خواهد نمود»؛ این وعده نه تنها برای رسولان بلکه برای همه کلیسا و حتی رمز الهامی بودن کلام خدا محسوب می شد. در واقع روح به منزله منور کننده افکار و اندیشه مقدسین محسوب می شود تا آنها را در جهت ایمان و تقدیس سوق دهد.

کاملترین روش مطالعه کلام با استفاده از تنوع همه روشهای مطالعه ای بدون اتکا بر راهنمایی و روشنگری روح خدا که اعمال مسیح را بر ما آشکار می کند، عبث و بیفایده می باشد. چه مزیت با ارزشی است که نویسنده اصلی کلام خدا، با ما حاضر است تا ما را قدم به قدم در شناخت و معرفت خداوند کامل تر نماید، و فراتر از این نیز مطابق با نقشه خدا، به عنوان شخص سوم تثلیث اقدس در درون ما سکونت دارد! به این ترتیب وجود ما این قابلیت را یافته است که حقایقی را که او مکشوف می نماید درک نموده و آنها را در زندگی روزمره بکار گرفته و اطاعت نماید. «لیکن ما روح جهان را نیافته‌ایم، بلکه آن روح که از خداست تا آنچه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم» (اول قرن‌تیان باب دو آیه دوازده).

اگر اندکی شک و شبهه داریم که روح خدا در فرزندانش سکونت دارد تا آنها را از طریق کلام اصلاح و هدایت نماید، باید این مطالعه را کنار بگذاریم.

اجازه دهید در کنار همه سخنانی که در این میان می توان گفت: این اصل را بیاد آوریم که باید به روح القدس فضای لازم جهت فعالیت داده شود تا اعمال فیض خدا را در ما بوجود آورد. شراکت با روح در واقع به منزله شراکت با پدر و پسر می باشد. این اصل بر اساس کلام خدا بوده و این اشتباه بزرگی است اگر اعمال روح را در تضاد با کلام خدا دانست. کتاب مقدس چون ابزاری در دستان روح خدا است. هر حقیقتی را که او مکشوف نماید در کلام خدا نگاشته شده است و با مبانی کلام خدا توافق کامل دارد. هر مکاشفه ای خارج و دور از مبانی کلام نمی تواند از روح باشد.

در کلام خدا به طرق مختلف بیان شده است که خدمت روح القدس بر مبنای کلام خدا انجام می پذیرند. «تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید» (افسیان ۵: ۲۶)، در این آیه به وضوح نشان داده می شود که آب نشانه کلام خدا است که بوسیله روح خدا بکار گرفته می شود. تولد تازه بوسیله روح خدا و با استفاده از کلام تحقق می یابد.

همین آموزه ما را بر می انگیزد تا به کودکان و سایر سنین، کلام خدا را تعلیم دهیم. شاید چنین گفته شود که تا کسی از سر نو مولود نشود؛ قادر به درک کلام خدا نخواهد بود. بنابراین نباید خود را با تعلیم به بی ایمانان گرفتار نماییم. اما در حقیقت، هرگز نمی دانیم که روح القدس چه موقع کار خود را به انجام می رساند. در واقع وقتی ما با امانت دانش کلام خدا را با دیگران در میان می گذاریم؛ روح خدا کار خود را در آنان شروع می نماید. تعلیم کلام خدا به کودکانی که هنوز نمی دانیم ایمان در آنها شکل گرفته است؛ به مانند فراهم آوردن

چوب و کاغذ و کبریت است تا آتشی بوجود آورد. شنیدن متن اناجیل، حداقل کاری است که می توان انجام داد.

سوم، در ارتباط با آنچه که تاکنون گفته شد، خوب است بیاد آوریم که مطالعه کلام خدا باید در ارتباط روح خدا تحقق یابد که بواسطه آن خود خواهی و اتکا به حکمت جسمانی دیگر جایی ندارد. و درک می کنیم که برای فهم درست امور روحانی به خود خدا نیازمندیم. «زیرا که از کلام خدا و دعا تقدیس می شود» (اول تیموتائوس ۴: ۵). به همین دلیل است که وقتی کلام خدا به درستی درک و فهم شود، اغلب ضعف و جهالت ما را مکشوف می کند و در نهایت ما را به روحیه دعا سوق می دهد، همچنین موعظه کلام خدا ما را آماده می نماید تا کلام خدا را به انجام رسانیم. «و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد» (یعقوب ۱: ۵)

بهرحال بحث حاضر را در اینجا خاتمه می دهیم. البته کمی بعد در باب رابطه دعا با مطالعه کتاب مقدس خواهیم پرداخت، اما اکنون به موضوع اصلی باز می گردیم.

بخش اول. روشهای مطالعه

۱. مطالعه روزانه کلام

یکی از مهمترین ارکان زندگی مسیحی، مطالعه روزانه و مرتب کلام خدا می باشد؛ به نحوی که از پیدایش آغاز شده و به مکاشفه ختم می شود و شاید این مطالعه بارها ادامه یابد. در اکثر موارد با وجود اینکه عده ای حتی به وجود اینکه به زبانهای اصلی نگارش کلام آگاهی دارند و از دانش کتاب مقدسی خوبی برخوردارند، اما شواهدی از خود بروز می دهند که نشان می دهند نسبت به حقایق تاریخ نقل شده در کلام بی اطلاع می باشند. و حتی با روند کلی کلام خدا نا آشنا هستند. شاید به هیچ سخنی نتوان اهمیت دانش کلی کلام از ابتدا تا انتها، را بیان نمود. هیچ بخشی از دانش کتاب مقدس نمی تواند جای این اصل را بگیرد. بر چنین بنیاد محکمی است که سایر جزئیات علم کلام بنا نموده می شوند. و در غیر اینصورت همه دانش ما ناپیدار قلمداد نموده می شود.

راسکین دانشمند شهیر زبان انگلیسی گفته است که بخش مهم و با ارزش تحصیلات و مطالعات او مبتنی بر نوشتار کتاب مقدس بوده است. او از کودکی عادت نموده بود که به طور مرتب و روزانه کتاب مقدس را از انتها تا ابتدا مورد مطالعه قرار دهد و وقتی به اتمام رسید دوباره آنرا از ابتدا تا انتها مورد مطالعه قرار دهد. همیشه بیاد داشته باشید که علم کلام دانشی منفصل از هم نمی باشد. و مطلبی که فرا روی شما قرار دارد بر آن است تا میل و رغبت شما را در جهت مطالعه روزانه و منظم کلام، ارتقاء بخشد.

اگر بخواهم واضح و صریح گفته باشم؛ در هر خانه ای مسیحی، قرائت کلام خدا و دعا باید حد اقل روزی یک مرتبه برقرار باشد؛ صرف نظر از اینکه تا چه اندازه روز پُر مشغله و پُر استرسی را پشت سر گذاشته ایم. چه در صبح زود یا شب باید وقتی را برای این مهم اختصاص دهیم. تا خانواده به اتفاق هم جمع شوند و چه یک نفر و یا همه به نوبت بخشی را از کلام مورد مطالعه دقیق قرار دهند.

چنین اوقاتی باعث می شوند که حقایق با ارزش کلام حتی در ذهن کودکان نیز نقش ببندد. بهتر است که مطالعه از اناجیل شروع شده و بعد از پایان عهد جدید، به عهد عتیق مراجعه شود و از آنجا دوباره مطالعه آغاز شود. حتی می توان بخشهایی را انتخاب نمود که به جوانان و کودکان مرتبط تر بوده. با توجه به اینکه شاید بخشی از کلام به شکلی خصوصی مورد مطالعه قرار گیرد اما در مجموع کلام خداوند این شایستگی را دارد که به شکلی کلی مورد مطالعه قرار گیرد.

علاوه بر مطالعه خانوادگی کلام، مطالعه شخصی کلام نیز توصیه می شود؛ طوری که هر باب بطور روزانه مطالعه شود. در مطالعه فردی نیز توصیه می شود که از عهد جدید آغاز شده و بعد از پایان به عهد عتیق مراجعه شود. اگر قرار باشد که روزی یک باب قرائت شود، مطالعه کل کتاب مقدس مدت سه سال به طول خواهد انجامید. مطالعه موثر یک باب فقط ده دقیقه وقت خواهد برد و قطعاً حتی در زندگی با مشغله بسیار نیز این وقت را میتوان فراهم نمود.

در اینجا، قانونمندی و تعهد به سیستم بسیار مهم می نماید. هر کسی می تواند به مسئولیت و وظیفه خود در قبال تخصیص دادن زمانی خاص برای مطالعه کلام خدا، در زندگی روزمره کوشا باشد. ما مخلوقاتی هستیم که هر امری را عادت می نماییم. و وقتی قرار شد که عادت کنیم روزی یک یا دو باب را مورد مطالعه قرار دهیم، به سختی امری بتواند ما را از انجام نقشه مان باز بدارد. در اینجا نیز چون بسیاری از جنگهای روحانی دیگر، پیروزی در قلب ما تحقق می یابد؛ وقتی که ما در حضور خداوند دقیقاً تصمیم می گیریم که کلام خدا را مورد مطالعه قرار دهیم.

بهتر است که مطالعه ما شامل دوبخش باشد، عهد عتیق و عهد جدید. برای مثال می توانیم برای صبح گاهان از متی شروع نموده و در شامگاه از پیدایش شروع به خواندن نماییم. و هنگامی که هر کدام عهد عتیق یا عهد جدید به پایان رسید؛ دوباره از آغاز عهد آغاز نماییم. در طول حیات معمول آدمی که بالاخره اوقات فراغت نیز وجود دارد، دشوار نیست که مطالعه کل کتاب مقدس را به پایان رسانید.

کاملاً شبیه به عمل کرد قبلی، در واقع بخشی از آن است، فقط توصیه می شود، عمل خواندن کل کتاب را با یک بار نشستن و مطالعه نمودن به اتمام رسد. به عنوان مثال، انجیل مرقس می تواند در حکم یک مقاله در مجله ای، در یک زمان خاص مورد مطالعه قرار گیرد. گفته شده است که برای این نوع مطالعه کمی بیش از یک ساعت کافی است. بنابراین برای خواندن از طریق هر کدام از اناجیل دیگر و یا کتاب اعمال رسولان و رسالات زمان مطالعه کمی طولانی تر خواهد بود. در این روش ما ایده کلی خوبی از مطالب کتاب دریافت می کنیم، به مانند سفری است که به یک منطقه از کشوری به انجام می رسد و ما را قادر می سازد ما را به یک ایده نسبتاً صحیح از کل آن کشور سوق می دهد.

همین موضوع نیز در رابطه با عهد عتیق نیز مصداق دارد. حتی زندگی ابراهیم یا یوسف یا داود را نیز میتوان به همین صورت مورد مطالعه قرار داد. یعنی به صورتی اجمالی می توان زندگی مردان و زنان خدا را مطالعه نمود

تا دریافت که چه هدف روحانی را پیروی نموده اند و روح خدا آنان را چطور بکار گرفته است و چه حقایقی از زندگیشان به ثبت رسیده است.

همچنین زندگی هر نبی را نیز می توان یک بار بطور کلی مورد مطالعه کلی و اجمالی قرار داد تا دریافت نمود که روح خدا چه مقصودی را در زندگی و خدمت آنان به عمل آورده است. این نوع مطالعه کلی نباید حتماً به مطالعه باب به باب یا مطالعه روزانه تبدیل شود؛ بلکه خط حاکم برای مطالعه نمودن جنبه کلی و مقدمه ای بر زندگی نبی مورد نظر است.

وقتی کتاب مقدس به شکل فردی مورد مطالعه قرار می گیرد، اغلب این موضوع که از چه نوع کتاب مقدسی باید استفاده نمود؛ مطرح می باشد. بعد نیست که از دو نوع کتاب مقدس استفاده نمود یکی برای مطالعه شخصی که می توان نکات متعدد یا بعضی مفاهیم را در آن نوشت. و یکی جهت شرکت در جلسات که بهتر است بدون علامت گذاری و نوشتار باشد تا اگر قرار است جهت قرائت مورد استفاده قرار گیرد اشتباهی در خواندن آن رخ ندهد.

واعظ مشهوری می گوید می توان بر روی کتاب مقدس شخصی چیزهای را مبنی بر اطلاعات یا رجوع های نوشت، می توان خط کشی نمود اما بعد از یک سال کتاب مقدس پُر از نوشتار می شود و در سالهای آتی آنقدر پُر می شود که جایی برای هیچ چیز دیگری باقی نمی ماند.

گذشته از جزئیات، اگر می خواهید چیزی را در کتاب مقدس بنویسید. بهتر است نه با قلم بلکه با مداد بنویسید. جوهر پاک نمی شود و در اثر اشتباه کاغذ خراب خواهد شد. این نوشتار کوتاه می تواند در حاشیه کتاب یا در زیر آیه نوشته شود. برای مثال در آفرینش باب ۱ می توانیم زیر چهار کلمه آیه ۱ خطی بکشیم و چیزهایی رو بنویسیم: برای (در ابتدا) می توانیم بنویسیم قبل از اینکه کوه ها پدید آیند خداوند وجود داشت و همه عالم هستی را از نیستی ها آفرید. خدا همان است با همان عظمت و هیبت و شکوه. در کنار همین آیه می تواند رجوع به یوحنا ۱:۱ نیز نوشته شود. در ابتدا کلمه بود... چه باشکوه که خداوند جسم پوشید تا بر روی صلیب گناهان ما را بر خود کشد. یا می توان به امثال باب ۸ اشاره نمود و یا بخشهای دیگری از کلام را خاطر نشان نمود.

لازم نیست بیش از چند اشاره کوتاه را مذکور نمود. اگر چه هر کسی سیستم خاص خود را دارد اما بهتر است رجوع های مرتبط با کلام را نوشت.

همانطور که این فصل را مورد مطالعه قرار می دهیم. گاهی امکان دارد با آیه های به این شکل برخورد نماییم: «اما متوسط از یک نیست، اما خدا یک است»، «هر جا واسطه ای باشد وجود طرفین مسلم است، اما وعده تنها یک طرف دارد یعنی خدا» (غلاطیان : ۲۰، ترجمه شریف). همانطور که دیده می شود، این آیه کمی واضح نیست، شاید لازم باشد که توضیحات کمک کننده را در کنار آن بنویسید. این کار باعث می شود آنچه را که می خوانیم درک نماییم.

مابقی نوشتار های که بر روی صفحات کلام روی می دهند می توانند اختیاری باشند. اما توجه اصلی باید برای واضح نمودن معنی اصلی آیه باشد. توضیحات بیشتر خود بیانگر اهمیت موضوع می باشند؛ برای مثال شاید لازم باشد ترجمه بهتر واژه نامفهوم نوشته شود تا معنی آیه واضح تر شود. گاهی در اثر مطالعه بیشتر متوجه کاستی های ترجمه اصلی کلام می شویم که گویی بخشی از حقیقت واژه مورد نظر به خوبی مطرح نشده است. برای مثال در رومیان ۸: ۱ می توان پراگماتیسم باز نمود و اشاره به آیه چهارم را در آن گنجانند تا حقیقت کلام دقیقتر بیان شود. با این روش مفهوم آیه به شکل روشنتری بیان می شود. چرا که هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند نمی تواند بی ارتباط با آیه ۴ باشد.

به همین ترتیب باید راجع به متن کلام در کولسیان ۲: ۱۱ اتخاذ نمود. باید خاطر نشان نمود که مرگ و قیام مسیح بر صلیب نه تنها ثمره گناه بلکه ریشه و ماهیت آنرا نیز محکوم نموده است و آنرا بر صلیب خود از میان برداشته است.

به همین ترتیب، کلماتی یا عباراتی از متن مورد چشم پوشی قرار می گیرد. برای مثال در افسسیان ۶: ۹ چنین آمده است که: «و ای آقایان، با ایشان به همین نسق رفتار نمایید و از تهدید کردن احتراز کنید، چونکه می دانید که خود شما را هم آقای هست در آسمان و او را نظر به ظاهر نیست». که در این آیه اشاره آقا در آسمان به خداوند آقا و خادم است. در اول یوحنا ۲: ۲۳ نصف آیه بعد ها به آن اضافه شده، وقتی که متون جدیدتر عهد جدید کشف و مورد ترجمه قرار گرفته است. اینگونه مطالب باید با اشاراتی مشخص شوند.

نوشته ها و اشاراتی که میان خطوط آیات کتاب مقدس برای روشن شدن و یا یادآوری مطلبی نوشته می شود باید بسیار ظریف نوشته شوند چرا که در اثر نوشتار بسیار، فواصل کنار کتاب مقدس محدود است؛ به اتمام خواهد رسید. از اینرو باید توجه بسیار کرده شود.

اگرچه امکان تکرار در مطالعه وجود دارد، اما باید برای مطالعه درست و عمیق کتاب مقدس از برنامه ای دقیق پیروی نمود. البته فراتر از شریعت گرایی باید برای مطالعه کلام ضمن رعایت مطالعه با عشق و علاقه و آزادی، حتماً سیستمی را مد نظر قرار داد. مثلاً بد نیست که در آغاز روز چند سطری از کلام خدا را مطالعه نمود، تا ذهن تازه ما با مد نظر قرار دادن افکار خدا روز را آغاز نماید. اختصاص دادن ۵ تا ۱۵ دقیقه در آغاز هر روز می تواند شروع خوبی در مطالعه کلام باشد.

مطالعه صبحگاهی ما از اهمیت بسیاری برخوردار است چرا که بخشهای مهمی از آن در طول روز در ذهنمان باقی می ماند. و به نوعی به سوی آنچه که مطالعه نموده ایم متوجه شده، اعمالمان نیز به همان سو سوق داده می شوند. همچنین به هنگام سخن گفتن با دیگران کلام خدا از زبانمان جاری خواهد شد و کلاً به لحاظ روحانی نیز مسلح و مجهز در برابر حملات شیطان قرار خواهیم گرفت. نباید به شکلی شریعت گرانه و سختگیرانه با این قضیه برخورد نماییم. اگر در اثر کمبود وقت بخشهایی را از دست دادیم بهتر است روز بعد آنها جبران نماییم. در حضور خداوند باید آزاد و خوشحال باشیم؛ اما به زودی متوجه خواهیم شد که قرائت روزانه به مثابه تغذیه روحانی و روزانه ما، بدل خواهد شد که کمبود و یا از دست دادن آن را خودمان بهتر احساس خواهیم نمود.

کمی بعد برنامه ای جهت مطالعه کتابمقدس برای گروه مختلف مطالعه کلام از ۱۵ دقیقه تا دو ساعت در روز ارائه خواهد شد.

فصل دوم: حفظ نمودن کتاب مقدس

ما به موضوع مورد نظر خود از منتهای سادگی نگاه می کنیم و تصور می کنیم که بعضی از خوانندگان ما درجه اهمیتی را که ما به یک چنین موضوع بچه گانه ای مانند حفظ کردن (به خاطر سپردن) آیات می دهیم جدی نگیرند. با این وجود ما مطمئنیم که هیچکدام از خوانندگان ما این بخش کوتاه را بدون گذاردن تاثیر بر آنها از نقطه نظر اهمیت و لزوم این کار کرد که بایستی همراه مطالعه کتاب مقدس در طی طول عمر ادامه یابد به پایان نخواهند رساند.

فرض می کنیم که خواننده ما در یک خانه مسیحی بزرگ شده و امتیاز آموزش در یک مدرسه (کانون شادی) مطابق کتاب مقدس را داشته است. احتمالاً حداقل یک آیه کتاب مقدس هر یکشنبه به خاطر سپرده می شده است. ما کانون شادی هایی را می شناسیم که هنوز این کار را انجام می دهند. هر چند این موضوع برای بعضی از آنهايي که "مترفي تر" هستند مسئله ای از مد افتاده و کهنه پرستانه ای بنظر می رسد.

وقتی که یک شاگرد به سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی می رسد احتمالاً صد تا دویست آیه را که شامل حقایق اساسی در مورد گناه، داوری، نجات، محبت خدا، شخصیت، کار مسیح، لزوم ایمان و بسیاری حقایق دیگر هستند به خاطر سپرده است. اینها اسلحه و مهارت جنگی و آماده در دسترس برای مقابله با دشمن، و تکه های گوشت در وقت ضروری، و غذای نیرو بخش و تازه کننده برای مقدسین خسته و گناهکاران محتاج می باشد.

آیا شما تا بحال احساس کرده اید که دنبال یک کلام مناسب برای هشدار دادن به یک مسخره کننده بی خیال می باشید و یا اینکه موفق نشده اید که آیه دقیقی را که اطمینان خاطر به یک روح پر تشویش را بدهد پیدا کنید؟ چرا باید اینگونه باشد؟

چرا ما نباید در حافظه خود یک مخزن سرشار از بخش های پر بهای کلام خدا را برای استفاده فوری از آن داشته باشیم؟ ما همچنین قبلاً به ارزش والای پر کردن افکار جوانان با کلام خدا پرداخته ایم، تا وقتی که روح خدا آنها را متوجه شرایط واقعی شان میکند ابزار فراوان برای عمل کرد خود داشته باشند. البته این مسئله با بخاطر سپاری آیه ها عملی می شود.

این کار توسط خواننده مسیحی که از سنین جوانی گذشته است به آسانی تصدیق نمی شود. به ما خواهند گفت که اشخاص که در سنین بالای عمر هستند قادر به حفظ آنچه که می خواهند نیستند. در اینجاست که ما می خواهیم بطور مشخص و واضح به افراد مسن و جوان امتیازات این تمرین کمک کننده را اعلام کنیم. ما اعتقاد

نداریم که حافظه ما یا بهتر بگوئیم قدرت تمرکز ما آنقدر با اضافه شدن سن ما ضعیف می شود که ما فاقد توانایی برای به خاطر سپردن کلام خدا می شویم. این بسیار واضح است که هیچ چیزی مانند بی توجهی باعث ضعیب شدن قدرت نمی شود.

اگر به اعضای مشخصی از بدن ورزش داده نشود آنها به خاطر عدم استفاده از کار می افتند. پر کار ترین ماهیچه در تمام بدن ما احتمالاً قلب است که بدون وقفه در تمام بیست و چهار ساعت شبانه روز مشغول تپش است و احتمالاً لحظاتی خیلی کوتاه بین ضربان ها را که حدود هشتاد بار در دقیقه می باشد استراحت می کند.

ما هیچگاه علاقه خاص خود را در باره مسائل مفید نباید از دست بدهیم . هیچ چیز بیشتر از دیدن یک ابر بی تفاوتی یا خود خواهی بیمار گونه بر روی یک شخص مسن ترحم برانگیزتر نیست. پر درخشش ترین زندگیها متعلق به آنهایی است که تا لحظه آخر در تماس با آنچه یک شخصیت صحیح را می سازد باشند. ما شک نداریم که در مقابل تضعیف قدرت و کوتاه کردن عمر، عکس آن نیز حقیقت دارد.

چند نفر از اشخاص فعال در کار تجارت بعد از بدست آوردن قدرت ، بازنشسته شده اند تا سالهای آخر عمرشان را در استراحت مطلق بسر برند و آنقدر عاطل و باطل شده اند که با خوشحالی به کاری پرداخته اند تا فکرشان را مشغول سازد چون در غیر این صورت زندگیشان بخاطر احساس بی مصرف بودن برای خود و دیگران بسیار غمناک و کوتاه شده است.

حالا ، تمام این در مورد مطالعه کلام خدا که بخش بزرگی از آن شامل به حافظه سپاری آن می شود صدق می کند . اینطور گفته شده و احتمالاً این موضوع صحیح است که اگر هر روز یک آیه حفظ شود، بیست و پنج سال طول می کشد که تمام کتاب مقدس به خاطر سپرده شود. تصور کنید که چه ذخیره غنی به این ترتیب در ذهن کسی که از سن ده سالگی شروع به این کار کرده گذاشته می شود. هنگامی که او به سن سی و پنج سالگی برسد می تواند تمام کتاب مقدس را از حافظه خود باز گو کند .

البته بسیاری از مطالب ممکن است در طی آن زمان فراموش شود، ولی آنگونه که خواهیم دید قدمهایی می توان برداشت تا از این موضوع جلوگیری کند. به هر نسبت، آشنایی که با کلام خدا بدست می آید فرا تر از آن چیزی است که در یک شخص معمولی سی و پنج ساله وجود دارد. و حالا در شکوفائی عمر، با قوه تشخیصی که به بلوغ بیشتری رسیده است ، این شاگرد در آن سن می تواند یک باز نگری دقیق و سیستماتیک را با متون اصلاحی و نقل قول کامل در متون اصلی بنماید .

وقتی که شخص به سن پنجاه سالگی برسد ، ما بدون تردید می توانیم بگوئیم که کتاب مقدس عملا در حافظه او ذخیره می شود و یک باب آن با صدای بلند در تاریکی در کنار تختی در بیمارستان و یا هر جای دیگر می تواند خوانده شود. در چه مدت زمانی روزانه لازم است که به این نقطه ایده آل رسید؟ به ندرت بیشتر از پنج دقیقه . ولی ما به ایده آلهای نمی پردازیم، و در واقع حتی اینجا از کلام خدا اعلام می کنیم :

دانش کلام خدا هر قدر هم کامل باشد جدا از عملکرد یک ایمان زنده و قدرت روح القدس نه می تواند یک گناهکار را نجات بخشد و نه می تواند یک فرزند را تقدیس کند. در ضمن این خطر وجود دارد که بخاطر موفقیت در این زمینه ها غرور وارد زندگی شخص می شود . با وجود این ما نبایستی از این مسیر ساده و پر برکت عمل مسیحی بخاطر خطراتی که در کنار آن می باشد منحرف شویم و بنابراین ما به مطلب خود ادامه می دهیم.

بعضی از خوانندگان ما خواهند گفت : ما فکر نمی کنیم که یاد گیری تمام کتاب مقدس امر مطلوبی باشد. کتابهای تاریخی بسیاری در کتاب مقدس هست که ما لزومی به خاطر سپردن آنها نمی بینیم و کتابهای انبیاء نیز بدون لزوم حافظه ما را اشغال می کنند. در اینجا بهتر است گفته شود که اشغال حافظه یک تصور غلط است . هیچ چیزی در کلام خدا ذهن را که مخزن نگاه دارنده چیزهای بسیار است در واقع پر نمی کند. ذهن و حافظه با همین عمل کسب و نگهداری دانش پرورش داده می شود. ضمن احترام به قوانین ساده بهداشتی ، ذهن ما در معرض هیچ خطری از نقطه نظر پر شدن بیش از اندازه نیست. هر چند اقرار می کنیم که بیشتر ما احتمالا هیچگاه مبادرت به حفظ کردن تمام کتاب مقدس را نخواهیم کرد.

به همین دلیل ، ما یک دوره میانه تری را برنامه ریزی کرده و امیدواریم که در این روش افراطی بشمار نیائیم . چه کسی از ما دوست ندارد که تمام انجیل یوحنا را بداند تا قادر باشد که کلمات شخصی را که هیچ کسی ماندش سخن نگفته است تکرار کند تا آنها چند دقیقه ای وقتی که در بستر خود در شب دراز کشیده ایم در ذهن ما باشند و یا در صبح با ما صحبت کنند. همین طور رساله به رومیان را بویژه هشت باب اول که ضروری ترین چهارچوب را برای تمام واقعیت عادل شمرده شدن مسیحی را نشان می دهد ، در حالیکه غلاطیان کلا هزار و یک سوال برانگیخته در ذهن شخصی را که از شریعت آزاد نشده است جواب می دهد.

افسسیان نیز به همچنین . آیا ما قادریم بدون آشکار کردن این رساله در مورد جایگاه یک ایماندار در مسیح باشیم و یا همچنین بدون کولسیان که درباره کاملیت او که در شباهت خدای نادیده است صحبت می کند، و بدون فیلیپیان با تقاضای فراوان آن به عشق و محبت و یک زندگی ایده آل مسیحی است باشیم؟ ما قادر نیستیم

بدون هیچکدام از اینها باشیم، و در واقع آیا نمی باید اعلام کنیم که ما به اینها نه فقط در کتاب مقدس، بلکه در ذهن خود نیز احتیاج داریم؟

البته همین موضوع در مورد رساله به عبرانیان، رساله پطرس و اول یوحنا بدون اغراق صدق می کند. ما به راحتی می توانیم بگوئیم که یک مسیحی بهتر است حداقل دو سوم کتاب عهد جدید را از حفظ بداند.

در مورد عهد عتیق، باب های مشخصی مانند فصل اول پیدایش، فصل ۴۹ پیدایش، خروج ۱۲، خروج ۲۰، رومیان ۱۶، لایوان ۲۳، اعداد ۱۹، تثنیه ۸، تثنیه ۲۶، یوشع بن نون ۱، داوران ۵، روت ۱، اول سموئیل ۹، دوم سموئیل ۷ و ۲۳، دعای سلیمان در اول پادشاهان، کتاب غزل غزلهای سلیمان، اشعیا ۱، ۶، ۱۲، ۲۸، ۳۵، ۴۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۰، ولی همه ما قسمتهای مورد علاقه خود را داریم که بیشتر مشتاق هستیم که آنها را فرا گیریم و لازم نیست که آنها را در اینجا ذکر کنیم.

سوالی که اکنون پیش می آید این است که آیا امکان دارد که یک مسیحی معمولی با زندگی پر مشغله خود قادر باشد که یک دهم این کار را جامه عمل بپوشاند، جواب ما به این سوال این است. نه به یک باره. مهم ترین چیز اینست که ما شروع کرده و یک آیه را یاد بگیریم و به این طریق به آرامی پیش برویم. احتمالاً در آخر ماه متعجب خواهیم شد که چه مقدار در خاطر خود اندوخته ایم. بگذارید بعنوان مثال این کار را در سن بیست سالگی شروع کنیم. فرض می کنیم که شخص با عهد جدید و قدیم از طریق مطالعه روزانه چنانکه قبلاً به آن اشاره شد نسبتاً آشنا می باشد.

این شخص بعنوان مثال با رساله به غلاطیان شروع می کند. بسیاری از آیات از قبل برای او آشنا می باشند و اغلب سه تا چهار آیه را می تواند در عرض چند دقیقه یاد بگیرد. او در یک هفته مسلط به یک باب می شود. سپس در روز یکشنبه در زمان فراغت آنها را مرور می کند. احتمالاً چند نفری علاقه مند به این کار می باشند و با گوش دادن به یکدیگر علاقه آنها ترغیب شده و ذهن آنها روشن تر می گردد. البته بهتر است همیشه آنچه را یاد می گیریم با صدای بلند اول برای خودمان و بعد اگر امکان داشته باشد برای شخص دیگری تکرار کنیم با این کار ما متوجه خواهیم شد که کلمات بطور ثابت در حافظه ما نقش می بندند.

مطالعه روزانه خانوادگی وقت مناسبی برای اینکار است و ممکن است یک ساعت در روز یکشنبه (روز خداوند) با طیب خاطر (خرسندی) و بطور مفید با مرور کار هفتگی به این کار اختصاص یابد. به این ترتیب در یک ماه و یا شش هفته، تمام رساله یاد گرفته خواهد شد. این انتظار بیش از حدی نیست، ولی با وجود این بهتر است مدت آنرا چهار برابر بیشتر کنیم.

فرض کنیم که در شش ماه تا رساله به غلاطیان و در شش ماه دیگر رساله به افسسیان ، و در چهار ماه بعد رساله به فیلیپیان را یاد بگیریم. در انتهای دو سال ما با بیشتر رساله های کوچک کاملا آشنا شده و از اینکه اینقدر به راحتی به خاطر سپاری (از بر کردن) ادامه می دهیم . متعجب خواهیم شد که مرور متداوم ، آنچه را که یاد گرفته ایم را در ذهن ما تازه نگه می دارد.

ما اکنون به انجیل یوحنا روی آورده و احتمالاً متوجه می شویم که یک سال و شش ماه ، ما را عملاً قادر به باز گوئی تمام کتاب می نماید. شش ماه باقی مانده از سال می تواند به رساله به عبرانیان اختصاص داده شود به این ترتیب در مدت چهار سال یک شخص دارای هوش معمولی با مصرف ۵ تا ۱۰ دقیقه در روز می تواند تمام اینها را به خاطر سپرده و عادتاً را در خود شکل دهد که تا آخر عمر با او باقی بماند، تا آنجایی که به احتمال زیاد هنگامی که او به سن سی سالگی می رسد لیست طولانی از متن های عهد عتیق بطور محفوظ در خاطر او جای خواهند داشت .

ولی شاید شما با کشیدن یک آه بگوئید من یک شخص جوان بیست و یا حتی سی ساله نیستم من از سن پنجاه و یا بیشتر از آن گذشته ام ، و حافظه ام بطوری ضعیف شده که اغلب اوقات اسامی اشخاص و اتفاقات روزمره را فراموش می کنم . البته برای من مبادرت به چیز هایی که شما در موردشان صحبت می کنید بی فایده است . در واقع اینطور است . حافظه شما بعلت عدم استفاده طولانی از آن ضعیف شده است . حافظه شبیه اشخاص دوست دارد که مورد اعتماد واقع شود و اگر ما اعتماد خود را به آن از طریق آزمایش آن ثابت کنیم باعث پرورش آن خواهیم شد.

عدم استفاده طولانی همانطور که گفته شد ممکن است آنقدر آنرا ضعیف جلوه دهد که بنظر برسد فایده ایی از مبادرت به تمرین دادن آن نیست ، ولی اجازه دهید که یک آیه تنها مورد تمرین قرار گیرد. اولین آیه انجیل یوحنا را در نظر گرفته و یک روز را به یاد گیری آن اختصاص دهید و صبح روز بعد ببینید که آیا آنرا به خاطر دارید یا نه . اینطور به نظر می رسد که ما دوباره می خواهیم حروف الفبا را به شما یاد بدهیم . به احتمال زیاد تنها چند دقیقه کوتاه کافی می باشد ، آن چیزی که منظور ما است این است که مبادرت به انجام بیش از اندازه به یکباره نکنیم ، ولی کاری که می کنید این است که این کار را بطور کامل و تا حدی که برای شما امکان دارد مرتباً انجام دهید.

تداوم و سیستم دارای بیشترین اهمیت است . بیاد داشته باشید که پنج دقیقه در روز به معنی سی ساعت در یک سال میباشد ، و سی ساعت را نباید دست کم گرفت . افرادی که به سنین کهولت رسیده اند و مایل نیستند که با

حافظه اشخاص جوانتر و با هوش تر رقابت کنند می توانند که با سرعت کم خود پیش رفته و چند آیه را در هر هفته با نتایج ثمر بخش و راضی کننده یاد بگیرند . پس بگذارید که اگر این کار را تا بحال نکردیم شروع کنیم و آیاتی را از حفظ یاد بگیریم و با پشتکار بوسیله فیض خدا به این کار ضمن خواندن کتاب مقدس در طی عمر خود ادامه دهیم .

خداوند مبارک ما ، مطمئنا کلام خدا را در قلب خود پنهان داشت . و کلمات او را به اضافه روح او را داشت و هنگامی که در زمان روزه خود بوسیله تجربه کننده مورد حمله قرار گرفت توانست آنها را باز گو کند، ما می توانیم کاملا مطمئن باشیم او متن را از کلام خدا قرائت نکرد.پس در خاتمه ما پیشنهاد می کنیم که اشخاص مسن تر باب اول رساله به افسسیان را یاد گرفته و به خاطر بسپارند

این کار ممکن است مدت زمان قابل ملاحظه ای به طول انجامد، ولی آنها را تشویق می کند به کاری که دقیقی متمر ثمر و شاد را هر روزه ادامه دهند. در حالیکه ما در ترن یا اتوموبیل هستیم، احتمالا مشاهده می کنیم که سه چهارم مسافران در صبح مشغول خواندن روزنامه می باشند و احتمالا نیم ساعت از وقت خود را صرف آن می کنند . در موقع برگشت در بعد از ظهر ما متوجه همین مسئله می شویم . چه مقدار از کلام خدا در طول رفت و برگشت از کار می تواند به خاطر سپرده شود؟

فصل سوم: مطالعه تحلیلی

اکنون جریان عظیم و وسیعی را برای بکارگرفتن ذهن و قلب خود شروع کردیم که تمام وقتی را که می توانیم به آن بدهیم در بر می گیرد. فرض می کنیم که خوانندگان ما این موضوع را در فکر خود قرار داده و با تصمیم قبلی عهد عتیق و جدید را بطور مرتب و سیستماتیک بنحوی که درجه آشنایی آنها از کلام اضافه می گردد، مطالعه کتاب مقدس را آغاز می کنند.

همچنین امیدواریم که آنها روزانه یک یا دو آیه را به خاطر بسپارند. متون فراوان در دسترس است و بنابراین کار تجزیه و تحلیل بایستی شروع شود. ما به این موضوع نیز از دیدگاه و نقطه نظر ساده انگاری نزدیک می شویم. قبل از هر چیز، تجزیه و تحلیل مستلزم مطالعه دقیق تر و موشکافانه تر و توجه بیشتر به جزئیات است؛ بنابراین دقت بیشتر از معمول لازم است. در مورد مطالعه دقیق قبلاً صحبت کرده ایم که می تواند با به خاطر سپاری مرتبط باشد. فرض کنیم به عنوان مثال شروع به حفظ کردن رساله افسسیان کرده ایم.

اکنون زمان آن است که کوشش کنیم این رساله را بطور کامل تجزیه و تحلیل کنیم. بعنوان مثال اولین آیه را حفظ کرده ایم و می توانیم بدون اشتباه آنرا تکرار کنیم. ما اکنون هر عبارت و کلمه را در نظر گرفته و معنی و رابطه آنرا با بقیه جمله پیدا می کنیم.

پولس کسی که زمانی یک دشمن تند بود و هنگام تغییرش، مسیح به او در جلال ظاهر شد و هویت قومش را با خودش یکی دانست (چرا به من جفا می رسانی؟) موضوع این رساله را شکل می دهد. زمینه های بسیار دیگر البته بوسیله نام رساله فوراً پیشنهاد می شود. ما توجه خود را به زمینه ای که مشخصاً با رساله ما مرتبط است محدود می سازیم.

او "رسول مسیح" است. همان کسی که قبلاً به او جفا می رسانید او را بعنوان فرستاده مخصوص خود می فرستد. کسی که به او پخش این راز سپرده شده است. او یک رسول است. این کلمه چه چیز رامی رساند؟ دوازده رسول اناجیل را با پولس، رسول کلیسا مقایسه کنید.

دوازده شاگرد همانطور که تعداد آنها احتمالاً مشخص می سازد، می شود گفت که دارای یک موقعیت حاکمیت در رابطه با جهان می باشند، در حالیکه پولس، بعنوان کسی که در وقت موعد به میدان آمده است، شخص برگزیده ای می باشد که در ادوار گذشته به فرزندان انسان آنگونه که به رسولان مقدس و انبیاء توسط روح

آشکار شده بود؛ شناسانده نشده بود. پولس، رسول نه از جانب انسان و نه بوسیله انسان بلکه به واسطه عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید. (غلاطیان ۱:۱).

همچنین این موضوع توجه شود که این رسالت «توسط اراده خدا» می باشد و این مسئله را مطرح می کند خدمت پولس مستقیماً از یک منبع الهی دریافت شده بود. او یک رسول بود «نه از انسان، نه بوسیله انسان» (غلاطیان ۱:۱).

بنابراین در نیمه اول آیه، منبع یعنی اراده خدا، شخصی که نمایندگی از طرف او انجام می شود؛ خداوند ما عیسی مسیح است، وسیله؛ پولس رسول است. نیمه دوم آیه نشان می دهد که این رساله برای چه کسانی نوشته شده است: «مقدسین». توجه کنید که چگونه قوم خدا بطور کامل نسبت به موقعیت خود در مقابل عیسی مسیح "تقدیس شده و مقدس خوانده شده اند (اول قرنیتان ۲:۱). اطمینان خاطر دارند.

اینها "در افسس هستند" که خاطر نشان می سازد که محل مشخصی برای اجتماع آنها است ولی اتحادی که در کلیسای خدا که یک بدن است وجود دارد یاد آوری می کند، برای این که اجتماع محلی است که فقط یک موقعیت مخصوص را فراهم می سازد که نه فقط احتیاجات شخصی آنها را بر آورده می سازد بلکه برای کلیسای خدا در هر محل و هر زمان می باشد. به ایمانداران در عیسی مسیح توجه کنید "مقدسین" اول از همه سپس "ایماندار" این به آن معنی نیست که بعضی از مقدسین ایماندار نیستند.

کلام خدا بیان می سازد که ما به موقعیت خود جوابگو باشیم: هرچند با وجدان ما صحبت می کند که اگر ما به شناخت حقیقت خدا ادامه بدهیم، مانند این می باشد که فیض خدا را برای ایماندار بودن دریافت کرده ایم. هرچند این ایمان داشتن نتیجه شرایط شخصی نیست، بلکه "در عیسی مسیح" است. ما به او نه فقط بخاطر فیضی که ما را نجات داده است بلکه بخاطر آن چیزی که میوه های زندگی الهی را بوجود می آورد در پیوند هستیم. اکنون می توانیم بگوئیم که این آیه و یا این کار را یک نمونه ای است از آنچه که تجزیه و تحلیل فراهم می سازد.

این بطورکل شامل جدا سازی هر عبارت و کلمه از قرارگیری موضعی آن و پیدا کردن دقیق مکان و اهمیت آن در جمله می شود.

آن گونه که متوجه خواهیم شد، این موضوع ارزشمندترین کمک را به حفظ کردن انجام داده و بالعکس، به حافظه سپردن ما را قادر به متمرکز شدن بیشتر بر جزئیات می نماید. پس از اینکه هر آیه بدین گونه تجزیه و تحلیل شد، می توانیم آنرا بطوری که در بالا نشان داده شده است گرد آوری کنیم. بدین گونه آیه به آیه پیش رفته و متوجه می شویم که نه تنها هر آیه می تواند تجزیه و تحلیل کرده شود. بلکه آن می تواند بخشی از یک گروه و یا پاراگراف باشد. بدین اینگونه بطورمثال، دوآیه نخست افسسیان باهم بعنوان یک بخش در نظر گرفته می شود. اکنون می توانیم بگوئیم که این آیه را تشریح کرده و تشخیص داده ایم که آن شامل موضوعات زیر می باشد:

پولس - مقدسین

رسول - افسس

از طرف مسیح - امین

اراده خدا - درعیسی مسیح

این هشت موضوع طبیعتاً در دو گروه جای داده می شوند:

اول، آنهایی که در ارتباط با فرستنده رساله می باشند.

دوم آنهایی که در ارتباط با دریافت کننده رساله می باشند.

اولین گروه پولس را با خداوند عیسی مسیح و اراده خدا در رسالت او می پیوندد.

دومین گروه مقدسین را با تجمع محلی و موقعیت و شرایط آنها در عیسی مسیح می پیوندد. دو سؤال برای مطالعه بیشتر مورد توجه می باشد:

اول، رسول در عهد جدید چه کسی است، و چگونه دوازده شاگرد و پولس و رسولان برتر هستند؟ برای مثال مشاهده کنید، در اعمال رسولان ۱۴ : ۴ برنابا با پولس بعنوان رسول شراکت دارد، ولی همه ما بطور غریزی احساس می کنیم که بین آنها تفاوتی است. این موضوع می تواند برای مطالعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

دومین سؤال در مورد کلمه بندی " در افسس " می باشد. ماخذ و مدرک نسخه خطی در دفاع و یا علیه الحاق این کلمات به متن کتاب را ملاحظه کنید. اگر ممکن است خلاصه ای از دیدگاه های مختلف را در مورد این نکته مطالعه کنید .

آیه های ۹ تا ۱۲ یک گروه دیگر را که نشان می دهند که مقصود ابدی خدا برای قرار دادن تمام چیزها تحت ریاست مسیح می باشند؛ در حالیکه آیه های ۱۳ و ۱۴ از مهر روح القدس بعنوان شاهد برکات ما و کسی که در ما تا روز رهایی ساکن می باشد، صحبت می کند. باقیمانده این باب در یک گروه دیگر قرار گرفته که در آن ما دعای این رسول را برای مقدسین می توانیم ببینیم.

در تجزیه و تحلیل این دعا ، متوجه می شویم که آن از سه بخش تشکیل شده است : اول، اشتیاق او به اینکه ما امید دعوت خدا را بشناسیم (آیه ۱۸). دوم ، دولت میراث او را بشناسیم (آیه ۱۸) . سوم، عظمت قوتی را که در ما ساخته شده است بشناسیم .

این قوت عجیب که او آنرا به تفصیل بیشتر شرح می دهد، نشان می دهد که قدرتی به غیر از آن که در مسیح ، هنگامیکه او را از مردگان برخیزانیده بود وجود ندارد. آنگاه آن قوت ادامه یافته تا جایی که ما خداوندمان را بر جایگاه اعلا نشسته می بینیم ، در حالیکه تمام چیزها تحت ریاست اوست و کلیسایش به طوری که بدن به سر متصل است به او پیوند دارد. به این ترتیب ما هر آیه و عبارت را از باب آن جدا کرده و در یک گروه یا قسمت معین و بسیار مشخص قرار می دهیم.

احتمالا هنوز آماده تشخیص تناسب موجود بین این گروه ها و قسمت های مختلف نیستیم، ولی حداقل یک آگاهی خوب از مطالب موجود در باب و رابطه بخشهای مختلف آن باهم داریم. در نتیجه احتمالا یک هفته مطالعه، باب را حفظ کرده و نیز تجزیه و تحلیل نموده ایم و می توانیم به باب بعدی برویم . وقتی که تمام رساله به این ترتیب مطالعه شود، آیه به آیه و گروه به گروه، در موقعیتی خواهیم بود که این گروه ها را در قسمتهای مشخص تری جای داده و ببینیم که بخش های اصلی و در زیر آنها بخش های فرعی رساله کدام هستند.

تاثیر مطالعه به این صورت از هر جهت بسیار مفید می باشد و ما را قادر می سازد که در مورد هر قسمت تفکر و تمرکز کرده و آنرا در مطالبی که با راحتی در وجود روحانیمان جذب می شود خلاصه کنیم و درضمن ما را مجهز به کلیدی برای گشودن موضوع یا موضوعات بخصوصی که رساله بخاطر آنها نوشته شده می کند و ما را

قادرمی سازد که روشی را که روح القدس برای الهام بخشیدن به رسول برای نوشتن آن رساله بکار برده دنبال کنیم. چنانکه گفته شد ما بخش های اصلی رساله را پیدا خواهیم کرد.

توصیه می شود که به جای دنبال کردن نتایج مطالعات دیگران هر کس شخصاً به این ترتیبی که گفته شد مطالعه کند. تجزیه و تحلیل شخصی ما ، مارا قادر می سازد که چیزهایی را که دیگران یاد گرفته اند بهتر درک کنیم و به ما دانش شخصی را که در کلام خدا بسیار مهم است می دهد. ما نبایستی کور کورانه دنباله روی دیگران باشیم. هر چند می توانیم با قدر دانی از نتایج کار آنها استفاده کنیم.

هنگامیکه بدین ترتیب رساله را مطالعه می کنیم و متوجه محتویات آن می شویم ، ما آماده می شویم که ترتیب بندی نهایی را که توسط آن ، رساله در افکار ما بطور دائم گره می خورد انجام دهیم. در اینجا منابع دیگر به کمک می آیند و ما از مشاهده اینکه تا چه اندازه تجزیه و تحلیل شخصی ما با شاگردانی که قبل از ما بوده اند مطابقت می کند خوشنود می شویم و در همان ضمن ما را قادر می سازد که نسبت به روشن سازی بیشتر توانا بوده و از نتیجه کار آنها قدر دان باشیم.

اکنون می توان گفت که تمام رساله به افسسیان را در حالیکه هر آیه را تجزیه و تحلیل کرده و به خاطر سپرده ایم و اطلاع نسبتاً خوبی از محتویات و جریان فکری آن بطوری که در رئوس مطالب قرار داده شده است بدست آورده ایم. به همین طریق، می توانیم رساله های دیگر را آغاز کرده و قسمتی از اوقات روزانه را بطور مرتب، هر چندبه مدت چند دقیقه وقف این کار بکنیم.

پس از خلاصه کردن رئوس مطالب چند رساله و ادامه مرتب مطالعه کتابمقدس، ما در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که این تجزیه و تحلیل تمام عهد جدید را به اتمام خواهیم رساند. در حالی که آشنایی نسبتاً خوبی از محتویات آن داشته، کم و بیش نظر شخصی نسبت به مضمون کلی هر کتاب یا دسته ای از کتابها خواهیم داشت. البته، ما تمام عهد جدید را بطور دقیق به نحوی که رساله به افسسیان را تجزیه و تحلیل کرده ایم نخواهیم کرد، ولی همان عادتی که ما در مطالعه آن کتاب بوجود آورده ایم ما را در بکار گیری روشهای مشابه حتی برای مطالعه معمولی راهنمایی می کند. و بسیاری حقایق و افکاری که در غیر این صورت مورد توجه ما قرار نمی گرفتند در مطالعه روزانه ما روشن و واضح خواهند گردید. بنابراین، تجزیه و تحلیل و گروه بندی تمام کتابهای عهد جدید را شروع خواهیم کرد.

احتمالا بهتر است که رساله ها را برای اقدام اولیه خودمان ادامه بدهیم، به این ترتیب بطور طبیعی از افسسیان به کولسیان رفته که بسیار مشابه یکدیگر هستند و اگر بتوانیم ترکیبات و خصوصیات اصلی و مهم آن رساله را جمع آوری کنیم .

در ضمن بسیاری مشابهات با افسسیان را می بینیم، برتری خداوند ما عیسی مسیح هم در شخصیت وهم در کار اودر حالیکه جایگزین تمام چیزهایی که منکر او می باشند موضوع آن رساله می باشد. می توانیم بگوئیم افسسیان به ما کلیسای "در مسیح" را ارائه می دهد. در کولسیان ما مسیح را در کلیسا داریم .
به این ترتیب ، در افسسیان، ما بوسیله روح القدس به او پیوند خورده و همچنین حیات یافته و با او قیام کرده و در جایهای آسمانی با او نشانده شده ایم. در کولسیان ، مسیح بعنوان سر پر جلال و مقصود شایسته قومش معرفی شده است. و مقدسین بعنوان نجات یافته ولی هنوز بر روی زمین مشاهده می شوند و بعنوان " برخاسته با مسیح " معرفی می شوند. آنها بایستی چیزهایی را که در جائیکه او هست جستجو کرده و تمام چیزهایی که با این مغایرت دارد خوار شمرده و این موقعیت و رابطه را در روابط مختلف در زندگی روزانه بکار برند.

ولی بگذارید قدمهایمان را لحظه ای ردیابی کنیم و اشاره به روشی که خواننده می تواند این حقایق و حقایق دیگر را در کولسیان گرد آوری نماید بکنیم. ما یک فهرست از مهمترین ایده های هر باب را در ضمنی که آنرا مطالعه می کنیم درست می کنیم.

فصل یک .

۱ - مقدمه

۲ - دعا برای مقدسین

۳ - شکرگذاری برای دارائی های حاضر از قبیل:

• تفکر برای آسمان

• نجات از قدرت تاریکی

• رهایی

۴ - خداوند شخص جلال یافته

• الهویت او

• سر همه خلقت

• خالق همه خلقت

• سر و رُئس کلیسا در قیات و رستاخیز مردگان

۵- پُری سکونت در او

۶- مصالحه داده شده بوسیله مرگ عیسی مسیح

• در امور آسمان و زمین

• اشخاصی که قبلاً غریبه و بیگانه بودند

۷- این برکات مخصوص ایمانداران واقعی است نه متظاهرین

۹- پولس خادم انجیل

۱۰- همچنین خادم کلیسا و هر نوع خدمت

حال اگر همه این افکار را در یک گروه و در کنار هم بگذاریم به تم یا زمینه فکری باب اول می رسیم. عیسی در کاملیت شخصیت و اعمال خویش، مبنای همه برکاتی است که در زمان حال و در آینده برای همه خلقت به خصوص برای کلیسا ارزانی خواهد شد. در واقع او مبنای همه خدمتی است که به رسولان سپرده شد.

فصل دوم

به همین روش همه افکار خود راجع به فصل دوم را چنین می توانیم کنار هم بگذاریم و به تم یا زمینه فکری باب دوم می رسیم :

تجسم عیسی مسیح برای همه مردم کافی و لازم بود تا آنها همه شریعت گرایی و فلسفه خود را با او جایگزین نمایند.

برخاسته با مسیح ، تم یا زمینه فکری باب سوم است. روش زندگی انسان جدید در این باب مطرح می شود. اینک کهنه با همه اعمالش، در گذشته است. تم یا زمینه فکری این باب می تواند چنین باشد: « برخاسته با مسیح، و راه رفتن مطابق خلقت تازه».

فصل چهارم

فصل چهارم با ارائه زندگی عملی ادامه پیدا می کند و با درود ها و تهنیت های نویسنده پایان می یابد. تم یا زمینه فکری باب چهارم را میتوان چنین در نظر گرفت: «مسئولیت های عملی و محبت فداکارانه».

باید خاطر نشان نمود که ما در پی فراهم آوردن رؤس مطالب نهایی برای این رساله نیستیم. بعداً به این معقوله نیز خواهیم رسید. بهتر است که در قرائت مان باب به باب پیش رویم و این کار را برای هر فصل بطور جداگانه انجام دهیم. قطعاً کمی بعد رؤس مطالب کل باب نیز فراهم خواهد شد.

بعد نوبت به رساله غلاطیان می رسد و همین روش را نیز برای کولسیان اتخاذ می کنیم تا به زمینه اصلی هر رساله نائل شویم. در رساله کولسیان تم اصلی از این قرار است: «ایماندارن از بار شریعت، رها شدند تا به عادل شمرده شدگی و حیات واقعی برسند. به همین دلیل باید در قوت روح القدس قدم بردارند»

فیلیپیان جایگاه خاص خود را دارد. که هماهنگی حقایق روحانی در ارتباط با سایر رسالات را بخوبی نشان می دهد. و تأثیر خود را از شناخت مسیح و علم، تجربه ای حاصل از مشارکت با او در زندگی خوب نشان می دهد. شاید بتوان زمینه کلی و تم این رساله را در چهار بُعد بخوبی نشان داد:

۱. به منزله حیات و منشع همه برکات

۲. به عنوان نمونه قوم خدا

۳. مقصود آسمانی که همه در پی آن هستیم

۴. به منزله فراهم کننده همه نیازهای زمینی مان

بیاید آنچه که تاکنون انجام داده ایم را مورد بررسی قرار دهیم. رساله افسسیان را در مدت سه ماه با در نظر گرفتن جزئیات دقیق مورد بررسی قرار دادیم. البته در این بین نیز سعی کردیم آنرا حفظ نماییم. ماه بعد به مطالعه کولسیان و غلاطیان و فیلیپیان پرداختیم که وقت کمتری را جهت این مطالعه سپری نمودیم. بعد نیز رساله رومیان را مطالعه نمودیم و ارتباط آن با رساله افسسیان را نیز مورد بررسی قرار دادیم. شاید به همین نحو نیز بتوان تمام کتاب مقدس را مورد مطالعه قرار داد. برای انجام این کار می توان از همت ترتیب عددی کتاب مقدس استفاده نمود که از پیدایش تا مکاشفه را شامل می شود.

۱. رومیان - عادل شمرده شدگی بوسیله ایمان، مبنای حقیقی

۲. غلاطیان - رهایی از شریعت، نتیجه لازم

۳. افسسیان - در مسیح و اتحاد با او

۴. کولسیان - شخص عیسی مسیح و موقعیت او

۵. فیلیپیان - مسیح در جان و درون شناخته و تجربه می شود.

ما وقت چنین مطالعه ای را نداریم. زندگی مان بسیار پُر مشغله است و روزها کوتاه، نمی شود در زمان خالی کوتاهی که داریم به چنین دانشی از کلام دست یافت.

دل گرم باشید. به مشکلات و موانع فکر نکنید. امروز را با ده دقیقه آغاز کنید. حتی اگر نتیجه قابل بیانی دیده نشد باز این کار را به طور مرتب ادامه دهید. حتی اگر نمی توانید برنامه ای سالانه را دنبال کنید حداقل تلاش کنید تا بخشی از آنرا بطور مرتب اجرا نمایید. یکی از دلایل مشکل مطالعه سیستماتیک این است که بسیار مدت مدیدی است که مدرسه و دانشگاه را به پایان رسانیده اند و اکنون بسیار سخت است که دوباره خود را به مطالعه منظم وادار کنند. برای اجرای چنین برنامه ای باید بطور روزانه انجام آنرا جستجو نماییم و این برنامه را روزانه به انجام رسانیم.

وقتی به لحاظ قلبی انجام امری مورد نظر قرار گرفت؛ دُشوار نخواهد بود که آن امر را بطور مرتب ادامه دهیم. بلکه با اشتیاق و علاقه در پی انجام آن امر خواهیم بود، مطالعه کتاب مقدس نیز اغلب چنین است. مشکل این است که بخش اعظم وقت ما با امور غیر ضروری و بیهوده پُر شده است. باید این امور بیهوده رادِرک نموده و چون نحما کنار بگذاریم و به آنچه واقعی است پردازیم. نحما می گوید در امر مهمی مشغول هستیم.

در این بخش از این جهت پردازش به رسالات پولس را مد نظر قرار داده ایم چرا که تمام آموزه های مهم در خصوص دریافت حقیقت کلام در این رسالات آورده شده اند. و در نظر داشتن این مبنای پایه ای، کلام ما را در فهم و درک سایر بخشهای کلام یاری خواهد رسانید.

چهار انجیل بازگو کننده حیات خداوندان بر روی زمین می باشند.

اعمال رسولان، به شکل ساده و واضحی تاریخ اعمال روح القدس در تأسیس کلیسا و آزادی انتشار خبر خوش انجیل از یهودیان به سایر ملل را بیان می‌دارد.

همانطور که تاکنون ملاحظه نموده‌اید، رسالات پولس و سایرین، آموزه‌های حیاتی و کلیدی مسیحیت را بیان می‌دارند. که راه زندگی کردن در این سفر زمینی را به ما نشان می‌دهند.

کتاب مکاشفه که دربرگیرنده بزرگترین کتاب پیشگویی عهد جدید می‌باشد. با وجود اینکه برای مثال از کتاب افسسیان آغاز به مطالعه نمودیم، اما برای فهم دقیق مبانی عهد عتیق باید تمام عهد جدید را حد اقل یک بار مطالعه نموده باشیم.

عهد عتیق ساختار خاص خود را دارد. پنج کتاب تورات به شکلی مستقل آغاز گر کلام هستند بعد نوبت به کُتب تاریخی عهد عتیق می‌رسد. بعد نوبت به کُتب اشعار و درنهایت به کُتب و صُحف انبیا خاتمه می‌پذیرد. البته همانطور که در مطالعه عهد عتیق به پیش می‌رویم بیشتر به عمق نظم حاکم در کلام و مفاهیم آن نائل می‌شویم.

در ارتباط با مطالعه تحلیلی بهتر است با استفاده از سایر کُتب به مفهوم کلمات بکار رفته دقت بیشتری نمود چرا که در نگارش تحت اللفظی گاهی مفهومی عمیق می‌تواند حذف شود. همچنین باید به زمان و مکان و مخاطبین متن باید توجه نمود، و باید به شکلی متنی نه موضوعی کلام را مطالعه و تفسیر نمود. استفاده از قاموس و سایر کُتب راهنما در این خصوص بسیار ضروری می‌باشد.

در کولسیان ۱: ۱ - ۲، می‌خوانیم: «پولس به اراده خدا رسول مسیح عیسی و تیموتاوس برادر، به مقدسان در کولسی و برادران امین در مسیح فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد». پولس که به عنوان جفا دهنده کلیساها بود و اکنون به عنوان رسول امتهای و خادم انجیل که از اقتدار کلیسا نیز برخوردار است نویسنده این متن می‌باشد. او در پی تأسیس کلیساها بر پایه این تعلیم است که مسیح فرزند خداوند خالق عالم هستی است. که در او رهایی و نجات انبای بشر فراهم گشته است، او در راه گناهان بشر مرد و برخاست و روح قدوس خویش را بر کلیسا فرستاد، از این رو اقتدار را نه از آن خود بلکه از آن خدایی می‌دانند که او را برخیزانید و به همه مخاطبینش نیز این را یادآوری می‌نماید و آنها را برادران خطاب نموده که نشان دهنده شراکت آنها نه در جسم بلکه در ارتباطی معنوی و ابدی و اسمانی است.

خطاب به مقدسین، که این واژه نه به جسم و یا طبیعت گناه آلود آنها بلکه به موقعیتی است که در مسیح عیسی کسب نموده اند. آنها بوسیله او و بواسطه روح القدس تقدیس شده و در نام او عادل گشته اند. این تقدس با خون ریخته شده عیسی مسیح ممکن گشت. از این رو به جهت خدا تقدیس یا جدا شده اند تا با کار خون مسیح و روح خدا در نهاد آنها ثمره توبه آورند و در فیض و عدالت قدم بردارند. بنابراین مقدسین برادران امینی هستند که همه عضو بدن خداوند بوده و ارتباطشان نه فقط ذهنی بلکه قلبی و روحانی است. آنها اینک عضو خانواده الهی و کلیسای خداوند هستند و نامشان در دفتر حیات ثبت گردیده است.

کولسیان ۱: ۱۵ - ۱۸: « مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است. او فرزند خداست و بر تمام موجودات برتری دارد. در واقع، تمام هستی بوسیله عیسی مسیح بوجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگانشان، همه بوسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. پیش از آنکه چیزی بوجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می کند. او سر این بدن یعنی کلیسا است، کلیسایی که از مجموع مومنین او تشکیل شده است. او نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد و ثابت کرد که در هر چیز مقام نخست را دارد». مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است. او فرزند خداست و بر تمام موجودات برتری دارد.

در واقع، تمام هستی بوسیله عیسی مسیح بوجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگانشان، همه بوسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. پیش از آنکه چیزی بوجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می کند. او سر این بدن یعنی کلیساست، کلیسایی که از مجموع مومنین او تشکیل شده است. او نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد و ثابت کرد که در هر چیز مقام نخست را دارد.

این نوع مطالعه در ارتباط دادن آیات و سایر مفاهیم کلام که حاکی از تفسیر کلام بوسیله خود است بسیار مفید می باشد.

برای مثال آیه یوحنا ۳: ۱۶ که در کانون شادی کاربرد بسیار داشته و اغلب به عنوان آیه حفظی بکار می رود؛ را می توان به همین روش با سایر بخشهای کلام ارتباط داد و سطرها پیشین و پسین آنرا نیز در نظر گرفت، قطعاً به شکلی عمیق تر آموخته خواهد شد و مفاهیم عمیق دیگری در ورای آن یافت خواهد شد.

بهتر است وقتی کلام را مورد مطالعه قرار می دهیم. دفترچه یادداشتی نیز بهمراه داشته باشیم و عنوانین فصلها یا تقسیم بندی کتاب و مفاهیمی تکمیلی نظیر دوره و زمان نگارش و سایر اطلاعاتی که شناخت ما را از کتاب مورد نظر می افزاید بنویسیم. برای مثال باب سه متی را به این روش مطالعه می کنیم:

موعظه یحیی تعمید دهنده درباره توبه و بازگشت (ایات ۱ - ۲)؛ تحقق پیشگویی (آیه ۳)؛ توصیف خود یحیی تعمید دهنده (آیه ۴)؛ تأثیر موعظه اش (ایات ۵ و ۶)، هشدار او به فریسی ها و صدوقی ها (ایات ۷ - ۹)؛ داوری که بر بی ثمری وارد خواهد شد (آیه ۱۰)؛ پیشگویی بازگشت خداوند (آیات ۱۱-۱۲)، تعمید عیسی مسیح (ایات ۱۳ - ۱۵) نزول روح القدس (ایات ۱۶ - ۱۷).

باز خاطر نشان می سازم که باید دل قوی داریم که این کار در اثر ممارست و مطالعه بیشتر نتیجه بهتری را به بار خواهد آورد. هیچ انتظاری وجود ندارد که با مطالعه اولیه کلام به این تقسیم بندی و یا سایر اطلاعات و ارتباطات عمیقتر نائل شد. مطالعه کلام و تمرین بیشتر همراه با دعا و طلب فیض خدا برکات شناخت عمیق کلام را در حیات ما به بار خواهد آورد.

فصل چهارم: نحوه نِت برداری در حین مطالعه کتاب مقدس

مطلبی را که قصد داریم دنبال کنیم شاید زیاد منطقی به نظر نرسد، اما هر بخش به روش معمول برایمان پیشنهاد شده است. در حال حاضر می خواهیم در مورد دفترچه های یادداشت و اینکه چگونه می شود بهترین استفاده را از آنها ببریم سخن بگوییم.

زمان مطالعه خوب است که وسیله ای برای نوشتن در دسترسمان قرار داشته باشد. لرد بیکن می گوید: "مطالعه مرد را کامل می کند، اما نوشتن او را دقیق" و این عادت بسیار مهم را در نظر داشته باشیم که هر وقت چیزی را مطالعه می کنیم نتایج آنرا نیز بنویسیم. هر آنچه که از فصل قبلی یاد گرفتیم به خوبی لزوم نوشتن دفترچه های یادداشت را نشان می دهد. برای مثال مطالعه افسسیان دفترچه مخصوصی را می خواهد که در وحله اول موضوعات اصلی هر آیه را تند نویسی کنیم و سپس نتیجه و مفهوم آیه ها در مجموع نوشته شود.

می توان نتیجه نهایی نوشته ها را با نظمی کامل به دفتر دیگری انتقال داد و از دو نوع دفترچه برای این کار استفاده کرد. در این جا نویسنده فقط تجربه خود را در باره موضوع باز گو می نماید. بدون شک هر کدام معنی و مفهوم خاص خود را خواهند داشت. بدین ترتیب دو عدد دفترچه برای این کار پیشنهاد می کنیم که در یکی از آنها نتیجه همه کار و هر آنچه که به نظر مهم آید، به ترتیب و بطور منظم نوشته شود. افکاری که در زمانی به دلیلی به هم خورده اند، رئوس مطالب در مورد آیه ها و فصول، سئوالاتی که بعضی مواقع برای ما پیش می آیند و صدها مطلب دیگر که اگر اجازه دهیم زود از خاطرمان می روند، همه را می توانیم بطور قطع برای خود محفوظ بداریم و باید هر کدام در زمان خود در دفاتر ما ثبت گردیده باشند. چنین دفترچه ای را می توانیم کتاب روزانه نام گذاری کنیم که همه مطالب مهم ما را دربر دارد. همانطور که هر یادداشت روزانه در این کتاب ثبت می گردد، باید مواظب بود که هر کدام به ترتیب و منظم وارد شده باشند، بنابراین این دفترچه باید با آزادی برای همه چیزها مورد استفاده قرار گیرد. حتی می شود این دفتر را در اندازه کوچک انتخاب کرد تا به آسانی در جیب و یا در کیف جا گرفته و در هر شرایطی بتوانیم از کشتزار حقیقت الهی خوشه چینی کنیم. همچنین می توانیم یادداشت های غیر رسمی خودمان را در این دفتر بنویسیم. همانطور که مشغول مطالعه روزانه هستیم، می توانیم هر مطلبی که توجه ما را جلب نمود در این دفتر ثبت نماییم.

اینک عملکردمان را در پیش روی خود داریم و از اینکه بعضی مواقع مفهوم چند آیه در بین نوشته ها گم شود و یا چندین بار تکرار شود، ترسی نداریم، تا جایی که معنا و مفهوم را برساند. در طول روز چیزهای متفاوتی

برای ما اتفاق می افتد، شاید مطالعه عهد عتیق یا مطلبی به ما معرفی شود که ارتباطی با متن کتاب مقدس ندارد، اما همین نیز جای خود را در اینجا باز می کند. چنین کتابی وقتی به پایان می رسد بسیار جالب خواهد بود. و بعنوان دفترچه خاطرات، خدمت شایانی در ارتباط با امور الهی به انجام می رساند.

اگر چنین دفترچه ای را همانطور که پیشنهاد شد مورد استفاده قرار دهیم، دو یا سه ماه طول خواهد کشید که دفترچه اندازه کوچک پر شود. همه اینها باید شماره گذاری شده و برای مراجعه های آتی مورد بهره برداری قرار گیرند.

مرحوم جی.ان.داری در این مورد بسیار پرکار عمل نموده بطوریکه بعد از مرگش چهار جلد حجیم از این نوع دفترچه ها با نام "نکته ها و اشاراتی بر آیات مقدس" باقی گذاشته است. از خوانندگان محترم اجازه می خواهیم که چند مطلب از این کتاب را در اینجا بیاوریم.

"سه شنبه، نهم ماه می ۱۹۱۹. قراعت روزانه برای افراد خانواده؛ باب ۲۰ خروج. آیا نباید همه ده فرمان را از حفظ بدانند؟ آیا اعتقاد راسخ غیر ایماندار به گناه را افزایش نخواهد داد و از طرفی دیگر در قلب ایماندار شکرگزاری پدیدار نخواهد گشت؟ اثرات شریعت مردم را از خدا جدا نموده و آنان را دور نگاه داشته بود و سپس خداوند بوسیله فیض عظیمش ما را به خود نزدیک نموده است. بدین ترتیب جراحی و شفا یافتن در کنار همدیگر نهاده شده اند."

"فهرست مطالب رومیان ۵: ۱. ۱. عادل شمرده شدن ۲. بوسیله ایمان ۳. آنچه که در حال حاضر داریم ۴. صلح با خدا ۵. از طریق خداوند عیسی مسیح."

"آیه ۲: ۱. ۱. دسترسی به فیض ۲. بوسیله ایمان ۳. آنچه که اکنون داریم ۴. شادی در امید ۵. جلال در آینده. سه زمان در این جا قید گردیده است " صلح در رابطه با گناهان گذشته، ورود به ملکوت در حال حاضر، بودن در جلال خدا در آینده."

"معنی واقعی آنچه اکنون داریم چیست؟ تفاوت واقعی آن با شرایط مان چگونه است و آیات مقدس در این ارتباط چگونه موضوع را روشن می نمایند؟ این دو آیه که در بالا آورده شده اند هر کدام معنی جداگانه ای دارند که باید تجزیه و تحلیل و حفظ نمود."

مطالعه شخصی؛ ادامه از یوحنا ۶. زبان این فصل نشان از اهمیت آن دارد. معجزه ۵ قرص نان تنها حادثه ایی است که در هر چهار انجیل به ثبت رسیده است. آیا منظور خداوند در اینجا این است که ما باید برای نان زندگی تلاش بکنیم؟ اگر چنین چیزی امکان دارد پس چگونه می شود به آن هدیه گفت؟ به نظر می رسد در اینجا چهار گونه تفکر با هم در آمیخته اند:

۱. آیه ۳۹ هدیه پدر. ۲. آیه ۴۰ ایمان شخص. که یکی از جانب خدا و دیگری از طرف انسان پیشنهاد می شوند
۳. آیه ۴۴ ایمان به هدیه خدا ۴. آیه ۵۴ و بقیه بوسیله کار مسیح. متن ترجمه آقای داری کلمه متفاوتی را برای "خوردن" قید می کند (در آیه ۵۱) و آیه ۵۴ کلمه "تغذیه شده با" بکار رفته است. آیا کلمه "خوردن" برای گناهکاری که برای اولین بار آمده و کلمه "تغذیه کردن" برای مشارکتهای روزانه که برای همیشه ادامه دارد بکار رفته است؟ این فصل بسیار کامل و پر بار است در حالیکه برداشت کمی از آن بدست آوردیم. امید است دفعه بعد بیشتر باشد.

این اشاره کافی خواهد بود تا بدانیم که چگونه این کتاب مورد استفاده قرار می گیرد. تاریخ روزانه ای که در آن قید می کنیم مانند دفتر خاطرات خواهد بود و هر موقع که در جلسات و یا ملاقاتهای متفاوت شرکت کردیم همگی در این دفتر ثبت می شوند. تقلید از دفترچه های یادداشت روزانه سایر برادران مسیحی و روش های آنان توصیه نمی شود. درون گرایی هرگز یک حرفه سالم و یا سودمند نبوده است به جز برای ضرورت قضاوت در باره خود و همچنین زمانی که کاملاً خصوصی در حضور خداوند به سر می بریم حتی در این جا ما باید تا آن اندازه در باطن خود به سر ببریم که روش های خود را داوری کرده و و به طور کامل به سمت خداوند و کلام او باز گشت نماییم. ثبت نمودن اینکه کجا می رویم و چه کاری انجام می دهیم یک مسئله بسیار کوچک است ولی روشی است که تاریخ زندگی خود را در رابطه با پیشرفت دانش کلام پر ارزش خداوند پیوند می دهیم.

در طول روز می توانیم چندین بار یادداشتهای خود را ثبت نماییم و زمانی که صرف این کار می کنیم بسیار با ارزش خواهد بود چون باعث می شود تا فکر خود را به فصلی که در حال مطالعه آن هستیم معطوف نماییم. نتیجه تحلیل ها و قراعت های ما، خلاصه شده و در دفترچه یادداشت ها نوشته می شوند.

اضافه بر آن چه در بالا آمده است، بهتر خواهد بود تا برای هر رساله در حال مطالعه دفتر خاص آنرا تهیه نماییم برای مثال دفترچه افسسیان، کولسیان و غیره.

بخش پنجم: مطالعه موضوعی

مشخص است که ما نخستین جایگاه را برای خواندن ساده و روزانه کتاب مقدس در نظر گرفته ایم، گام بعدی حفظ کردن قسمتهای مخصوصی از آن می باشد، و مرحله سوم تحلیل متن کتاب ها و جمع بندی آنهاست. احساس می کنیم که اینها اهمیت شایانی نسبت به مطالعه نوعی دارند که اینک به توضیح آن می پردازیم.

غذاییکه مورد استفاده قرار می گیرد، به عنصرهای مختلف سازنده تقسیم نشده، بلکه در مجموع ماده ایی است مغذی، گوشت خوش مزه، نان و سبزی و میوه که خوردنش لذت داشته و از نظر ظاهری نیز توجه ما را جلب می نماید. کلام خدا نیز چنین می باشد. این کلام دیکشنری و یا کتاب تفسیر نیست، بلکه حقیقتی اصولی، اما زنده، و تپنده، ساختمانی کامل، غریزه ایی همراه با محبت و زندگی، که واقعیتهای ابدی آن را پیش روی خود داریم، و نه با اصول خشک و خالی، بلکه در شخص پسر خدا، که با شرح کار او و نشان دادن ایمان مردمی که به او وفادار بوده، و همراه با تجربه ها و خطایا و سختیهای که با آنها روبرو بوده اند. حتی زمانی که به رساله های اصولی مراجعه می نماییم، حقیقت ابراز شده اما نه به روش سرد الهیاتی، بلکه با سودمندی عمیق شخصی، هم برای نویسنده و هم برای خواننده و این دو چنان با نظمی کامل موضوع را پی گیری می نمایند که اهداف مشخص روح القدس ثابت و برقرار حفظ شوند، و در عین حال مطالب اساسی دنبال شده و قدم هاییکه بعنوان مسیحی باید برداشته شوند به ما عرضه می گردند.

ما معتقد هستیم که مطالعه مناسب به این طریق حاصل خواهد شد. بطور مثال، در خارج از شهر و محله ایی خوش آب و هوا گردش می کنیم. پر از مزارع و درختان گوناگون، گل هایی که در کنار جویبارها روئیده اند، حتی سنگ ها و خاک زیر پایمان نیز به نوبه خود همراه با این منظره زیبا دل ما را به وجد آورده و از زیبایی پیرامون خود لذت می بریم. به خانه بر می گردیم و از گل هاییکه چیده ایم گلدانی درست کرده و کمی خاک در زیرش ریخته و مقداری پوسته درخت نیز بر روی آن اضافه می کنیم.

دوستی وارد خانه می شود و به جای اینکه او را به گردش دعوت کرده و تمام این منظره زیبا را نشان دهیم، او را گرفته و کنار پنجره برده و می گوییم لازم نیست که به آنجا برویم، بیا و نتیجه آنچه را که من در گردش جمع نمودم ببین، همه آن چیزهایی را که به خانه آورده ایم نشان دهیم. البته این مثال، خیلی زیاد است اما احساس می کنیم که مطالعه نوعی کتاب مقدس که در اصول گنجانده و قسمت بندی شده نقش کمتری در مطالعه ما داشته است. البته ما می توانیم با مطالعه جزئیات قدری سطح معلومات خود را بالا ببریم.

پولس رسول به تیموتائوس می گوید "کلام بی عیب خدا را با جدیت حفظ نماید" که در واقع می شود به صورت واضح چنین بیان کرد "مطالب اصلی کلام را در دل داشته باشد". شاید داشتن کتاب گیاه شناسی ضروری باشد، اگر چه با زیبایی و درخشندگی گلهایی که در مسیر راهمان قرار دارند نمی باشد. در حقیقت آن نیز زیبایی خاص خود را با تشریح روند رشد قسمتهای مختلف گیاه نشان داده، و در مجموع جزئیات شگفت انگیز حکمت و قدرت الهی را آشکار می نماید. باغچه ای پر از انواع گیاهان و خاک و چیزهای مختلف در بیرون شهر اطلاعات بسیار جامع و حقیقی در مقایسه با قدم زدن معمولی در میان انواع گلها و درختان به ما خواهد داد.

۱. اصول عظیم آیات مقدس.

می توانیم مطالعه و بررسی خود را با شکل دادن فهرستی از اساسی ترین اصولی که در کتاب مقدس آمده اند آغاز نماییم. و این اصول از قرار زیر می باشند:

خلقت. الهام. فرشتگان. تقدیس. پسرانسان. پدر آسمانی. گناه. خواندگی. شیطان. بخشودگی. نجات. عادلشمردگی. توبه. فرزند خواندگی. شخص مسیح. رهایی از گناه. کار مسیح. شریعت. روح القدس. آمدن دوباره خداوند. تولد دوباره. داوری. زندگی ابدی. ابدیت برای نجات یافته و غیر نجات یافته. اطمینان. امنیت ابدی.

بدین ترتیب موضوع شخص مسیح به بخشهای زیر تقسیم می گردد،

۱. خداوندی او

۲. انسان بودن او

۳. اشتراک صفتهای انسانی و خداوندی او

۴. زندگی زمینی او

۵. زندگی کنونی او

جزئیات عملکرد خداوند در ارتباط با پرداخت کفاره گناهان.

۱. ارتباط بین شخص و کار.

۲. جانشین شدن.

۳. کفاره از طرف خدا، یا فرو نشستن خشم و غضب خدا.

۴. آشتی با خدا، یا کفاره از طرف انسان.

۵. دسترسی.

فصل ششم: مطالعه زندگی نامه ای

هرچند مطالعه زندگی نامه برای خیلی ها جالب است ولی ما نباید زیاد غرق در مطالعه زندگی نامه ها شویم. احتمالاً اکثر ما در کودکی اولین داستانهای الهی از قبیل زندگی هابیل، نوح، ابراهیم، یوسف، موسی، داود و در رأس آنها خداوند عیسی مسیح را شنیده ایم. همانطور که بارها به ما گفته شده است کلام خداوند صرفاً یک دایره المعارف مذهبی نیست بلکه شامل حقایقی لذت بخش از زندگی خداوند در جسم انسان و فیضی است که به ایماندارنش عطا می کند تا اینکه ایشان بواسطه این ایمان ارزشمند ثمرات نیکو بدهند.

ساده ترین یا به عبارتی بهترین روش برای این کار شروع کردن از زندگی ابراهیم است بطوری که کاملاً با زندگی وی آشنا شویم و سپس می توان مطالعه زندگی سایر مردان ایمانی که در کتاب مقدس آمده اند را آغاز نمود. زندگی افرادی مانند موسی می تواند ما را از اتفاقات بزرگ و تجربه های ایشان آگاه سازد.

کتاب پیدایش خود متشکل از هفت زندگی نامه است. قصد ما آوردن لیست کامل این افراد نیست بلکه هر کس می تواند بر اساس مطالعات خود این لیست را تکمیل نماید و البته مطالعه مجدد این لیست می تواند جایگزینی برای روش های مطالعاتی شود. البته لازم به ذکر است که تنها لیست نمودن افراد ایماندار کافی نیست بلکه باید شخصیتهای بد کتاب مقدس را که به ما درس عبرت می دهند نیز در یک لیست جداگانه یادداشت کنیم این لیست می تواند از قابیل آغاز شده و با اسامی چون قورح، داتان، ابیرام، شائول پادشاه، تمامی پادشاهان اسرائیل پس از تقسیم شدن، بسیاری از پادشاهان یهودا، اخیتوفل، ابشالوم و یهودای اسخریوطی ادامه پیدا کند. برآستی که چه لیست سیاهی می توان تهیه نمود.

با توجه به روشهایی که برای مطالعه زندگی نامه ها ارائه کردیم تنها بیان این نکته ضروری است که هدف این نوع مطالعات داشتن یک تصویر کلی از شخصیت افراد کتاب مقدس و رابطه شخصی ایشان با خداوند است و اینکه چه اتفاقاتی برایشان رخ داده و با چه کسانی ارتباط داشته اند. اینکه بدانید خداوند چگونه با صداقت و وفاداری خویش شخصیت برگزیدگان خود را شکل داده و شرایط را برایشان رقم می زند با اهمیت است.

خداوند به همان شکلی که شکوه و عظمت سلیمان را به تصویر می کشد به همان صورت نیز حماقت وی را که اجازه می دهد زنان بیگانه دل او را از سوی خداوند مایل سازند آشکار می کند. داود کسی که خداوند او را موافق دل خود انتخاب کرده بود نیز از این امر مستثنی نبود ضعف او در ارتباط با یوآب و گناهی که برای آن عمیقاً طلب بخشش نمود و تأدیبی که از سوی خداوند شد همگی دلیلی بر این مدعی هستند. حتی ابراهیم که "دوست خداوند" نامیده شد مرد کاملی نبود.

تنها یک شخص را می توان یافت که از هر لحاظ کامل بود و خوشبختانه چهار نوع مختلف از زندگی نامه برای او آورده شده است. در انجیل متی جلال و شکوه ملوکانه او به عنوان یک پادشاه نشان داده شده است، نقش نبوتی و خدمتی که موجب خوار و خفیف شدن وی شد چیزی است که انجیل مرقس آن را روشن می کند، انجیل لوقا مسیح را کسی معرفی می کند که نیاز همگان را می دانست و غم و اندوه انسانها را درک می کرد و سر آخر نیز همانطور که در انجیل یوحنا آمده است مسیح کسی است که در آغوش پدر جای گرفته و خداوند نیز در حالی که او در زمین ساکن است بر این امر شهادت می دهد.

البته زندگی مسیح با تفاسیر مختلف و در ابعاد وسیع تری مورد بررسی قرار گرفته است* .

{*کتاب راهنمای چهار انجیل}

پس از آنکه اطلاعات جامعی از شخصیت مورد نظر پیدا کردید سعی کنید تا او را با نمونه های دیگری مقایسه نمایید. به عنوان مثال می توان مشاهده کرد که یوسف شباهت زیادی به مسیح دارد از جمله این شباهتها می توان به ارتداد و جلال هردوشان اشاره نمود. برادران یوسف اسرائیل را تشکیل دادند، گناه کردند، توبه و بازگشت نمودند (مانند شاگردان مسیح) و برکت نیز از اسرائیل دور شد و بواسطه شخصی که بر تخت سلطنت مصر نشسته بود جهان نیز به این شباهت رسید.

اکثر شخصیت های عهد عتیق نمادین هستند. پس باید در مطالعه خود دقت کنیم تا حقایق و مسائل را هماهنگ و متناسب با اتفاقاتی که رخ داده اند بررسی نماییم. هیچ چیزی تصادفاً برای یک شخصیت کتاب مقدس اتفاق نیفتاده است و خواننده بایستی مراقب باشد تا شباهتهای بین شخصیتها و پند و اندرزهای تکراری ایشان را سهل انگارانه بررسی نکند.

علی الرغم میل شدید افراد برای یادداشت برداری ما پیشنهاد خاصی برای این کار در زمینه مطالعه زندگی نامه ها نداریم تنها می توان آنچه را که یاد آور مسائل مربوط به یک شخصیت شود، در دفتر یادداشت نمود. البته برای کودکانی که در کانون های شادی شرکت می کنند می توان یکی از شخصیتها را انتخاب نمود و از ایشان درخواست کرد که انشایی درباره آن شخصیت بنویسند و بهترینها را در کلاس بخوانند یا اینکه مانند روزنامه دیواری بر دیوار کلاس نصب نمایند. براساسی خدمات دل انگیز زیادی را می توان برای خداوند انجام داد و چقدر ما در شناخت خداوند کم کاری می کنیم!

فصل هفتم: مطالعه نوعی

دنیایی که توسط خداوند آفریده شده همچون یک کتاب مصور است. چیزهایی را که می بینیم بدون شک سایه ای از حقایق نهفته را نشان می دهند. او با ما سخن می گوید و بدنبال آن است تا توجه ما را به زیبایی طبیعت خویش جلب کرده و درباره خود که خالق تمام آنهاست با ما صحبت کند و سعی می کند تا آنچه را که در زمین و آسمان است تطبیق داده و مکانهای آسمانی را نیز با خون خود پاک سازد.

وقتی به عهد عتیق و به خصوص به پنج کتاب موسی نگاه می کنیم انواع مختلف شخصیت ها، مکانها، زمانها و اعمال را مشاهده می نماییم. در کتاب پیدایش با نمونه های زیادی از این اشخاص برخورد می کنیم.

آدم "که نمونه آینده است"؛ هابیل، نماد مردود شدن مسیح از جانب مردم؛ فرزندان برادر کش اسرائیل نماد جسمانیت؛ شیث نماد قیام مسیح؛ نوح نماد حکومت هزار ساله مسیح؛ ابراهیم، در کنار زندگی شخصی وی می توان بر صفت پدر بودن خداوند اشاره کرد؛ اسحاق، نماد پسر بودن؛ یعقوب، کسی که هدایت خاصی از جانب روح القدس داشت؛ و یوسف، کسی که قبلاً درباره او صحبت کرده ایم. شاید بتوان او را بهترین نمونه ای دانست که شبیه مسیح است.

با این حال کتاب پیدایش صرفاً روایت زندگی افراد نیست. شاید در پس این روایات و نوشته حقایقی نهفته باشد که از دیدگان پدران ما مخفی مانده اند حقایقی که تضمین کننده نجات ما از طریق مرگ مسیح می باشند. این حقایق نشان می دهند که هابیل به خاطر بهتر بودن قربانی شد؛ و قابیل به خاطر تلاش های بیهوده اش برای رسیدن به خداوند، همانند تلاش بسیاری که می خواهند بدون ایمان به قربانی شدن مسیح رستگار شوند. کشتی نوح نشانگر پناهگاهی است در مقابل ظهور عدالت خداوند البته نمی توان آن را نشانه تام نجات دانست بلکه بایستی آن را خاص نجات اسرائیل و معرف زمین هزار ساله به حساب آورد. تولد اسحاق بار دیگر وعده ذریت ابراهیم را یاد آور می شود (سرآغاز تمام اناجیل چنین وعده ای دارند) البته نیاز به یاد آوری نیست که قربانی کردن اسحاق نیز نشانه ای از قربانی کردن فرزند محبوب خداوند و قیام نمادین او و داماد گشتنش به نوعی نمادی از داماد بودن مسیح است. می توان گفت که تا این حد برای کتاب پیدایش کافی باشد.

در کتاب خروج با مسائل بسیار متنوعی برخورد می کنیم چنانکه انتخاب کردن یکی از آنها بسیار دشوار می باشد. قربانی عید فصح، بحر قلزم، من، صخره ای که از آن آب بیرون آمد و خیمه اجتماع و دیگر مسائل که پرداختن به همه آنها نیازمند کتابی جداگانه است.

نام برخی از کتاب های مرتبط با این موضوع در زیر آورده شده است با این حال می توانید کتابهای بیشتری را در این زمینه پیدا کنید.

"یادداشت‌هایی از کتاب خروج" نوشته سی. ایچ. مکیتاش؛ "تعالیم معمول کتاب خروج" نوشته ای. دنت؛ "خیمه و کهنات" نوشته اس. ریدآت.

کتاب لاویان همانطور که قبلاً اشاره شد دربرگیرنده قربانی ها و جنبه های مختلف کهنات است. این کتاب در مجموع کتابی نوعی است. همچنین است کتاب اعداد که شامل ارقامی از سبطهای مختلف اسرائیل، رهبران و کسانی است که در بیابان سفر می کردند. همه اینها را می توان با یک جمله از کتاب مقدس بیان نمود: "و این همه بطور مَثَل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است."

تثنيه صرفاً به نقل روایات پرداخته بلکه به بیان پندها و نصیحتها نیز پرداخته است و همچنین نگاهی نیز به آینده داشته است. با این وجود قسمتهای مهمی از آن جزو مباحثی می باشد به عنوان مثال "سبد اولین محصول" (تثنيه ۲۶).

یوشع که اولین کتاب تاریخی در کتاب مقدس است در گروه کتابهای نوعی قرار می گیرد. همچنین کتابهای داوران و روت نیز اینچنین میباشند. آیا فکر نمی کنید که اگر هر یک از نامهای به کار رفته در نیمه دوم کتاب یوشع که درباره تقسیم بندی زمین موعود بین اسرائیلیان است نشانه و نماد خاصی نداشته باشد واقعاً بی محتوا و خسته کننده خواهد بود!

کتاب سموئیل و پادشاهان نیز در کنار محتوای تاریخی محتوای نوعی نیز دارند. کتابهایی که محتوای شعری و پیشگویی دارند نیز تا حدودی خود را از مطرح کردن قوانین و اصولی که در کتابهای قبل مشاهده شد دور ساخته اند در نتیجه کمتر شاهد شخصیت‌های متفاوت در آنها هستیم.

اکنون سراغ عهد جدید می‌رویم جایی که خداوند با زبان تمثیل گفتگو می‌کند و بسیاری از ما نیز امروزه همچون آنها در زندگی عمل می‌نماییم. بدون شک هر معجزه‌ای که اتفاق افتاد نمودی از فیض خداوند در حق گناهکاران بود و چه بسیار هستند موعظاتی که درباره تک تک این افراد گفته شده است! حتی روایت زندگی مسیح خود به تنهایی ویژه گی‌های منحصر به فرد خویش را داراست. ما داستان پذیرفته نشدن مسیح از سوی مردم قیصریه و فیلیپی و نیز جلال او را در کوه هیئت می‌بینیم همچنین به هنگام پایین آمدن او از کوه شاهد هستیم که چگونه اسرائیلی دیوزده را ملاقات کرده و شفا می‌دهد.

کتاب اعمال رسولان نیز در برگیرنده صورتهای مختلفی از فیض خداوند می‌باشد. شفای مرد افلیح که بر در جمیل هیکل نشسته بود نیز بسیار با اهمیت است چون پس از رهایی بوسیله فیض خداوند وارد هیکل با شکوه خدا گشته و شادی خود را از آزادی خویش فریاد کشید در نتیجه نوری گشت برای عده کثیری که در هیکل خداوند حضور داشتند.

زندانی شدن پطرس و شکسته شدن کشتی پولس نیز بدون شک حاوی مفاهیمی نوعی است. این نگاه اجمالی بر کتب کتاب مقدس هر آنکه را که تشنه کلام باشد بر آن می‌دارد تا در "چیزهای نو و کهنه" بیشتر تفکر کرده و خود را خزانة‌ای از حقایق الهی گرداند.

لازم است هشداری را متذکر شویم. افراد زیادی هستند که قرائت خود را از کلام خداوند مد نظر می‌گیرند. آنها از شخصیت‌های کتاب مقدس تصاویری خیالی در ذهن می‌پرورانند. باید این مطلب را به خاطر سپرد که هر شخصیتی را بایستی آنگونه که هست مورد بررسی قرار داد و این مستلزم آن است که پیش زمینه‌ای اصولی از حقایق کلام در ذهن داشته باشید. ما، نو مسیحیان را ابتدا به مطالعه کامل عهد جدید و به خصوص اصول و عقایدی که در رسالات و زندگی مسیح وجود دارد ترغیب کرده سپس به آنها پیشنهاد می‌کنیم تا به مطالعه نوعی بپردازند.

فصل هشتم: مطالعات دوره ای

قبل از خروج از این بخش کتاب، تا به حال به برخی از سوء ظن ها برخوردیم که دست نخورده، باقی مانده بودند. چرا که در درک مفهوم اولیه بسیار مهم است که تمام مطالعه ما از کتاب مقدس را باید در امتداد خطوط روشنی از درک مقوله دوره نگارش داشت که خود بخشی از فهم مکاشفه بزرگ الهی و درک حقیقت است. بنابراین، خود این مقوله نشان می دهد که این موضوع از اهمیت کمتری نسبت به سایر موضوعات برخوردار نیست.

منظور ما از مطالعه دوره (Dispensational)، مطالعه سنین مختلف، دورهها یا مقدراتی است که تاریخ، کار خدا با انسان از آغاز تا پایان زمان، در آنها تقسیم می شود. شاید بسیاری از خوانندگان کتاب مقدس این حقیقت بدیهی که خدا روش های مختلفی در برخورد با انسانها از ابتدا تا حال حاضر اتخاذ نموده است؛ را به طور جدی هرگز تصور نکرده اند. حتی در جایی که نسبت به این مقوله آگاهی خاصی وجود ندارد، تمایز بین مقدرات و اعمال الهی در دوره های مختلف توسط اکثر ایمانداران درک شده است. شاید نمی توان گفت که بدون در نظر گرفتن این موضوع هر بخشی از کلام خدا را می توان مطالعه نمود. اگر از چنین حقیقتی پرهیز نماییم قادر به درک کامل و کاربرد کلام نخواهیم بود.

به عنوان مثال، فرزندان خدا در هر زمانی همیشه به کتاب مزامیر به عنوان گنجینه ای از تجربیات الهی رجوع نموده اند. آنها در این کتاب موضوعات مختلفی مطابق با نیاز روحانشان در مواقع، غم ها، شکست ها، محاکمات، شک و تردید و ترس، و همچنین به مواقع لذت پیروزی در مسئولیتها و ایمان، امید، وظیفه، عشق و ثمرات حیات روحانی یافته اند. متأسفانه مردم زمان کنونی به دلیل گرفتاریها و مشغله های مختلف زندگی از مطالعه این گنجینه تجربیات روحانی کتاب مزامیر بی بهره اند. به همین دلیل، ما باید به زمینه تاریخی و شرایط ویژه کلام خدا در آن دوره خاص توجه داشته باشیم تا بتوانیم این حقایق را بهتر در نیازهای روحانیمان بکار گیریم.

برای مثال، نمی توان گفت که مقدسین خوانده شده اند که مزامیر لعنت آمیز را بیان نمایند یا اینطور الهام گرفته اند. بلکه باید الهام آنها در عبادت و بیان مطلب روحانی را از بروز احساسات و غیره تشخیص داد و در اینجا است که مطالعات دوره ای می تواند ما را در انجام این موهوم یاری رساند.

به شکل مشابهی، وقتی خواننده کتاب مزامیر را مطالعه می نماید؛ متوجه می شود که به دلیل عدم وجود فرزند خواندگی عهد جدیدی که بواسطه خون عیسی مسیح فراهم شده است، امید آسمانی در آن زمان با عهد جدید قابل مقایسه نیست. اینگونه مسائل را خواننده باهوش و با دقت متوجه می شود و تفاوتها را تشخیص می دهد. از این لحاظ است که در نظر گرفتن دوره ای که کتاب در آن نگارش یافته است بسیار مهم بوده و جزو دانش کتاب مقدسی تلقی می شود. برای مثال آزادی که در کتاب مزامیر ذکر شده است به هیچ عنوان قابل مقایسه با کتاب فیلیپیان نیست، از این رو است که باید این تفاوتهای زمانی را در نظر داشت.

«او هر چیز را در وقتش نیکو ساخته است و نیز ابدیت را در دلهای ایشان نهاده، بطوری که انسان کاری را که خدا کرده است، از ابتدا تا انتها دریافت نتواند کرد» (جامعه ۳: ۱۱). چون زمان به کمال نرسیده است کتاب مزامیز توان مطرح نمودن حقایق عهد جدید را ندارد. همین مسئله نیز در خصوص انبیا صادق است و برای تمام عهد عتیق نیز اطلاق می شود. باید حقایق موجود را با ارتباط مناسب خود در زمان نگارشش در نظر بگیریم. این یکی از روش های پایه ای مطالعه کتاب مقدس است، یعنی درک زمان و مکان نگارش متن تا بتوان به مفهوم بهتر و عمیقتر و واضح تر متن کلام دسترسی پیدا نمود .

بیاید فرض کنیم که خواننده مسیحی از شناخت و درک قابل قبولی از عهد عتیق و عهد جدید برخوردار است. اما به حقایقی که مطرح شد واقف نیست. شاید علاقه شخص باعث شود که به روشهای معمول و ابتدایی مطالعه کلام پرداخته و هرگز به نکات مطالعه دوره ای توجه ای ننموده باشد. مطالبی در این فصل بیان خواهد شد که به چنین خوانندگانی نکات تازه ای را خواهد آموخت .

شاید شخصی یا خانواده ای در مطالعه خود به باب ۵۳ کتاب اشعیا رسیده باشد. در این میان کودکی پرسد: «اشعیا نبی درباره چه کسی صحبت می کند؟» شاید یکی پاسخ دهد که او راجع به عیسی مسیح صحبت می نماید؛ او از طرف ما متروک شده و درد های ما بر او وارد شد. بعد کودک مذکور پرسد؟ خوب اگر چنین است چرا خداوند واضحاً نمی گوید که راجع به عیسی مسیح صحبت می نماید؟ چون خداوند عیسی مسیح هنوز نیامده بود و خداوند صدها سال قبل از آمدن او، و از طریق نبی خود توضیح می دهد که وقتی عیسی مسیح بیاید، با او چگونه رفتار خواهد شد! ما می دانیم که متن راجع به عیسی مسیح است چون وقتی که به کتاب اعمال رسولان در عهد جدید مراجعه می کنیم ملاحظه می کنیم که فیلیپس راجع به عیسی مسیح به خواجه حبشی موعظه نموده و اتفاقاً از همین متن نیز استفاده می کند (اعمال ۸: ۳۲ - ۳۵).

«آیا به همین دلیل است که نام عیسی مسیح در عهد جدید مطرح نمی شود؟» بله؛ او هنوز متولد نشده بود؛ رنج نکشیده بود و بخاطر گناهان ما مصلوب نشده بود. مردان خدا امید داشتند و مُنتظر آمدن نجات دهنده ای بودند که از ابتدا، به آمدنش وعده داده شده بود. «آیا داود عیسی را نمی شناخت»؟ نه؛ به دلیل اینکه داود صدها سال قبل از خداوند عیسی مسیح زندگی می کرد. «خوب، پس داود چگونه نجات یافت؛ آیا انسان گناهکاری محسوب نمی شد؟» بله، مزمور ۳۲ به ما می گوید که او گناهکار بود و اینکه می دانست بخشیده شدن گناهان چه برکتی است! اما او بطور کامل از چند و چون این قضیه آگاه نبود. اما می دانست که خداوند در رحمانیت بسیار دولتمند است و در آینده همه چیز آشکار خواهد شد.

با وجود اینکه در آن زمان، آنها نیز گرفتار شکها و ابهاماتی بودند ولی با این وجود، این امید و ایمان را داشتند که خداوند آنان را در تاریکی نمی گذارد. کودک دیگری می گوید: «خوب، من عهد جدید را بیشتر دوست دارم چون نه تنها به ما می گوید که یکی خواهد آمد بلکه می گوید او آمده است. عهد جدید، راجع به محبت خدا می گوید، محبتی که عیسی مسیح نسبت به ما ابراز نمود. بله پدر کودک می گوید:

اگر خداوند عهد جدید را به ما نمی بخشید تا راجع به عیسی مسیح، واضحاً برایمان سخن گوید. نمی توانستیم عهد عتیق را بخوبی درک کنیم. کودک مذکور در افکار و اندیشه خود بیدار شده و به سوی انجام وظایف روزانه خود می رود. اما چون از اهمیت عهد جدید آگاه شده است؛ در فرصتهای خالی که در طول روز پیش می آید؛ عهد جدید را از جیب خود خارج می کند تا از کلام خدا بخواند. اما دوباره در افکار خود چنین سؤالی را مطرح می نماید:

«چرا عهد جدید را در درون عهد عتیق قرار داده ایم؟ قطعاً وجدان مسیحی پاسخ درستی را بازگو می کند.

او مطالعه روزانه خود را هم از عهد عتیق و هم از عهد جدید می خواند و این کار باعث می شود که حقایق واضح تر شوند. او کمابیش عملکرد خود را به رسمیت می شناسد. چرا که فضایی متفاوت از آن عهد عتیق بر عهد جدید سایه افکنده است. همچنین متوجه شد که خداوند چگونه راجع به بازگشت دوباره اش صحبت می کند: «در خلوت به شاگردان خود التفات فرموده، گفت: خوشبحال چشمانی که آنچه شما می بینید، می بینند. زیرا به شما می گویم چه بسا انبیا و پادشاهان می خواستند آنچه شما می بینید، بنگرند و ندیدند و آنچه شما می شنوید، بشنوند و نشنیدند» (لوقا ۱۰: ۲۳ - ۲۴).

او این آیه را با بیان محکمتری از خداوند رابه یوحنا باب ۱۶ پیوند می دهد: «من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود» (یوحنا ۱۶) وقتی به کتاب اعمال رجوع می کند، دقیقاً با آنچه که مسیح وعده داده بود مواجه می شود. او با تسلی دهنده مواجه می شود. در مطالعه رساله افسسیان متوجه می شود که روح القدس به عنوان مَهری عطا شده است.

همچنین از یوحنا باب ۷ توجه می شود که روح القدس عطا نشد تا اینکه مسیح کار نجات را به پایان رسانید و جلال یافت. همچنین در افسسیان ۱: ۷ با این حقیقت روبرو می شود: «که در وی به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم». و در این آیه در ارتباط با روح القدس اطمینان از نجات و اطمینان از بخشش گناهان را ملاحظه می نماید. فرزندخواندگی خداوند را در رومیان ۸: ۱۵ پیدا می کند: «از آنرو که روح بندگی را نیافته اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته اید که به آن ابا یعنی ای پدر ندا می کنیم». و خصوصیات بسیاری در رسالات می بیند که نمی توان آنرا در عهد عتیق پیدا نمود. به تدریج در دفتر یادداشت خود این نتایج را مرقوم می دارد:

۱. تاریخ کتاب مقدس با تولد نورانی عیسی مسیح بر زمین، به دو بخش تقسیم می گردد. تمام آنچه که قبل از آن نقل می شود به عهد عتیق تعلق دارد، و بعد از آن به عهد جدید تعلق می گیرد. عهد عتیق در سایه ای است که جرعه ای از امید را با خود به همراه دارد. اما عهد جدید تور درخشان حقیقت است.

۲. تمام تاریخ عهد جدید از عطای روح القدس در روز پنطیکاست، به دو بخش تقسیم می گردد. قبل از این واقعه، زندگی عیسی خداوند گزارش شده است و بیشتر به یهودیان می پردازد. و بعد از واقعه پنطیکاست کلام راجع به نتیجه کار عیسی مسیح که به برکت زندگی ایمانداران می انجامد، گزارش می دهد.

این موضوع را هر ایماندار تشخیص می دهد. وقتی شخصی به مسیح ایمان می آورد، حقایق کتاب مقدس را به روشنی تشخیص می دهد و یکی از این حقایق مفهوم دوره در کتاب مقدس است. شاید بخشها و مفاهیم بسیاری باید آموخته شود. اما این موضوع مطلب مهمی است که باید ایمانداران از همان ابتدا با آن آشنا شوند.

این موضوع دانش ما را نسبت به کلام می افزایشد؛ اما در عین حال نیز سؤالات مهمی را در ذهنمان ایجاد می نماید. که از کلام می توان پاسخ آنها را نیز پیدا نمود. در مطالعه رسالات نیز این سؤالات در هر آیه ای که

می خوانیم مطرح می شود، در واقع باید بواسطه روح خدا درک کنیم که روح چه چیزی را در دل نویسنده گذارده است. همانطور که در عهد عتیق همه چیز به آینده یعنی آمدن مسیح موعود دلالت دارد. در عهد جدید نیز بعد از مرگ و قیام و صعود خداوند همه چیز به بازگشت دوباره خداوند دلالت دارد .

آنچه ذهن هر خواننده ای را مشغول می سازد این است که در رسالات هیچ اشاره ای به بازیافت پادشاهی قوم اسرائیل و یا بهبود وضعیت جهان خاکی قبل از استقرار هزاره حکومت مسیح نمی شود. درست بر عکس این مقوله؛ ملاحظه می شود که مسیحیت واقعی مسیحیان را از جهان حاضر جدا می سازد؛ چرا که هر ایماندار را متعلق به آسمان می داند. علاوه براین، ملاحظه می کنیم که خداوند چیزی فراتر از برکات زمینی را فرا روی انسانها قرار داده است. او «امید مبارکی» را فرا روی انسان قرار داده است که هیچ دلالتی با مرگ و فنا شدن ندارد؛ بلکه به بازگشت عیسی مسیح مفهوم پیدا نموده، که ایمانداران واقعی را از خواب مرگ برخیزانیده و به اتفاق ایمانداران زنده به بدنی جاودانی مُبدل خواهد نمود و به آسمان مُنتقل خواهد کرد .

به عبارت دیگر، به دوره کنونی کلام وقوف بیشتری حاصل خواهد شد؛ مبنی بر اینکه کار نجات در عیسی مسیح به کمال رسیده است. و روح القدس به عنوان شاهدی بر این مدعی حاضر است، تا ایمانداران را با عیسی مسیح به اتحاد رساند. و آنها را به بازگشت عیسی مسیح و انتقال به آسمان امیدوار سازد .

با مطالعه عهد عتیق و همه فرازهایش، به این نتیجه می رسیم که بخش اعظمی از آن به شرایط قوم خاصی می پردازد؛ که قوم برگزیده خدا می باشند و در این دوره خاص همه چیز تحت شریعت است. اما با مطالعه عهد جدید متوجه می شویم که دیگر ایمانداران تحت شریعت نیستند. هر خواننده ای متوجه می شود همه انبیا از سموئیل گرفته تا اشعیا، همه آنهايي که پیغامشان را به نگارش در آورده اند همه حاکمیت شریعت را تصدیق می نمایند. و برخورد خداوند با قوم خویش، برخوردی ملی است. و هنگامی که خداوند فیض خاصی را بر قوم خود روا می دارد، این شرایط تحت وقایع خاصی می باشد؛ که مُتتهی به برکت خداوند می باشد .

وقتی از کتاب آفرینش این حقایق را مورد بررسی قرار می دهیم؛ متوجه می شویم که برخورد خداوند برخوردی ملی و شریعتی است. و خداوند با ایمانداران خود به مانند اشخاصی چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب بیشتر به شکل برقراری عهد و پیمان فردی است. ملاحظه گذشته این وقایع نیز نشان می دهد که نسل بشر به واسطه گسترش گناهان با سیل و ویرانی روبرو می شود که با حکایت نوح پایان می یابد. بنابراین می توان این حقایق را چنین بازنویسی نمود :

۱. آدمی بی گناه خلق شده بود و برخوردار خداوند با او در باغ عدن تماماً متفاوت بود .
 ۲. از شیث تا طوفان نوح، گویی انسانها به حال خود رها شده بودند و هیچ کنترل و حکومتی از طرف خدا بر آنها نبود؛ مگر در بعضی مواقع خاص که شخصی به خدا ایمان داشت .
 ۳. از زمان نوح به بعد، رفتار و برخوردار خدا با انسانها فرق می کند. آنها تحت حاکمیت قرار گرفته و به ملتهای مختلفی تقسیم می شوند .
 ۴. از ابراهیم به بعد، نوع خاصی از برخوردار خدا با انسان آغاز می شود؛ براین مبنا که رابطه خدا با انسان، بیشتر به شکل عهد گونه به پیش می رود .
 ۵. از زمان موسی فصل تازه ای از رابطه انسان با خدا آغاز می شود که بیشتر جنبه ملی به پیش می رود و شکل آن از عهد و پیمان و قول و قرار تفاوت نموده و بیشتر به شکل شرط و شروط برقرار می شود. خداوند قول می دهد که برکت دهد اگر انسان شریعت و قانون را نگاه دارد .
- با همین مطالعه اجمالی متوجه می شویم که نحوه برخوردار خدا با انسان حالتهای مختلفی دارد؛ نحوه رویکرد خدا با آدمی قبل از طوفان نوح، و بعد از آن و در زمان دعوت ابراهیم و بعد از آن در طول شکل گیری تاریخ اسرائیل همگی بایکدیگر متفاوت است .

کمی عمیق تر به موضوع می نگریم :

قبل از سقوط و پدیدار شدن گناه در زمان آدم و هوا ، آنها بی گناه بودند. بنابراین باید تاریخ عهد عتیق را از این زمان جدا نماییم. همه تاریخ عهد عتیق را می توان به چهار دوره زمانی تقسیم نمود :

۱. دوران بی شریعتی، از قائن تا طوفان .
۲. دوران حکومتی، از نوح تا ابراهیم .
۳. دوران پاتریاکی، از ابراهیم تا موسی .
۴. دوران حیات قوم برگزیده خدا تحت شریعت، از موسی تا پایان عهد عتیق .

وقتی به این تقسیم بندی زمانی خوب نگاه می کنیم؛ متوجه می شویم که دوره پاتریاکی به عنوان مبنا و مقدمه ای برای آغاز کار خدا با قوم اسرائیل است. و شاید به توان سه دوره کلی را برای کل تاریخ اسرائیل در نظر گرفت .

حال هر دانشجو یا خواننده کلام خدا لازم است که با استفاده از مطالعات کتابهای دیگر کمی بیشتر برای مطالعه دوره ای کلام خدا مجهز شود. باید خاطر نشان کنیم که این نوع مطالعه از اهمیت خاصی برخوردار است، در واقع صرفاً لیست بندی یا گروه بندی اعمال خدا با انسان نیست. بلکه رشته ای از حقایق را فراروی ما قرار می دهد؛ که در تحقیق و مطالعه کلام خدا ما را یاری می رساند .

در مطالعه کلام، بخشهای متعددی از مزامیر و انبیاء راجع به زمانهای آخر صحبت می کنند. آنچه مُسلم است، این است که این پیشگویی ها راجع به دورانهای مسیحیت نیست؛ مگر اینکه بخواهیم همه چیز را روحانی نموده و تحت اللفظی قلمداد کنیم. مثلاً اینکه بخواهیم برکات زمینی قوم اسراییل را به مثابه برکات روحانی کلیسا بدانیم .

یک تحقیق اجمالی نیز به ما نشان خواهد داد که چنین برکتی نه در زمان داود و نه در زمان سلیمان تحقق نیافته است. در حقیقت بسیاری از آنها بعد از تفکیک پادشاهی گفته شده اند. بطور قطع آنها به آینده یعنی بعد از دوره کنونی مسیحیت نظر دارند .

امید آینده مسیحیان این نیست که اوضاع کنونی جهان بهبود یابد. بلکه بازگشت عیسی مسیح است که قوم خود را با خود به آسمان خواهد برد. بسیاری از متون زیبای عهد عتیق چنین پیشگویی می کنند که این جهان چون گلی شکوفه خواهد زد. و بطور قطع این کیفیت در پایان دوره مسیحیت است .

شاید برای اشخاصی که در مطالعه کلام مُبتدی هستند، ایده رپوده شدن ایمانداران ، غامض و سخت به نظر آید. اینکه زمان حکومت عدالت بر زمین شروع شود و شناخت خدا زمین را فرا گیرد همانطور که آب ، دریاها را پوشانده است. اینگونه تصور شاید دشوار باشد، اما وقتی مطالعه کلام با روحیه دعا به پیش رفت نتیجه شگرفی حاصل خواهد آمد. توجه و تمرکز بر کتابهای دیگر شاید خطر دور شدن از حقیقت را به دُنبال داشته باشد؛ درحالی که توجه ایمانداران باید صرفاً بر خود کلام و کار روح القدس باشد .

خطری دور شدن از حقیقت که از آن صحبت شد بیشتر در بخشهای پیشگویی اتفاق می افتد، بخصوص وقتی که به نوشته ها و کتابهای معلمین ناشناسی رجوع می شود که شاید برداشت آنها از پیشگوی کلام درست نباشد. مخصوصاً که بعضی از آنها در باره تاریخ تکرار شده اند. از اینرو دانشجوی کلام خدا باید خود کلام را مطالعه کند و به مانند سایر دانشجویان در رشته های دیگر، در این تحقیق عمیق، کوشا و ساعی باشد .

بحث هزاره چگونه مطرح می شود؟ مطالعات عهد عتیق نشان می دهد که انبیاء و مزامیر نشان می دهند که شرایط جهان روزبه روز بدتر خواهد شد. ناطاعتی و بی دینی و ارتداد بیشتر و بیشتر خواهد شد و همه زمین را دربر خواهد گرفت و وضعیت اخلاقی زمین بسیار ناگوار خواهد شد بطوری که هیچ اُفقِی به جز داوری خدا در پیش نخواهد بود.

با نگاه به کتاب مکاشفه؛ بزرگترین پیشگویی عهد جدید، ملاحظه می کنیم که بخشهای بسیاری از آن به داوری سخت و مهیبی اشاره می دارد که بر مردم گناهکار، زمین وارد خواهد شد که با هدایت‌های شیرانه نبی دروغین به فساد و بی دینی کشانده شده اند، همچنین این داوری بر بابل که سَمبُلِ کلیسای فاسد است برقرار خواهد شد. در کشاکش همه این داوری ها و اوج همه اتفاقات ناگوار ناگهان پسر انسان ظهور خواهد نمود و دشمنان خود را به زیر خواهد کشید، و پادشاهی عدالت و آرامش بر زمین مقرر خواهد نمود؛ درست همانطور که پیشگویی گفته شده بود.

با نگاه به بخشهای مختلف کلام بیشتر به همه ابعاد موضوع داوری نائل می شویم. «زیرا خداوند کلام خود را تمام و منقطع ساخته، بر زمین به عمل خواهد آورد» (رومیان ۹: ۲۸). «پس الان استهزاء منماید مبدا بندهای شما محکم گردد، زیرا هلاکت و تقدیری را که از جانب خداوند یهوه صباوت بر تمامی زمین می آید شنیده‌ام» (اشعیا ۲۸: ۲۲). همچنین ملاحظه می کنیم؛ که برگزیدگان خدا، نه مسیحیان اسمی زمان کنونی، بلکه برای بقیه ایماندارن یهودی که بخاطر بازگشتشان به سوی مسیح بعد از اینکه کلیسا از روی زمین ربوده می شود، مُتحمّل درد و رنج و جفا خواهند شد؛ بخاطر همین ایماندارن مدت این ایّام سخت کوناه خواهد بود .

از این بقیت کوچک در کتاب مکاشفه بسیار سخن گفته شده است (مکاشفه ۶ - ۱۴)؛ همچنین در کتاب مزامیر و صُحف انبیا نیز مطرح شده است. در واقع هفتاد هفته ای که در کتاب دانیال (۹: ۲۴ - ۲۷) خود بر دو بخش تقسیم می شود. نیمه دوم هفته آخر، با طغیان بزرگ این زمان آغاز خواهد شد. و اگر آن ایام کوتاه نشدی، هیچ بشری نجات نیافتی، لیکن بخاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد (متی ۲۴: ۲۲). ظهور فرزند انسان دقیقاً با پایان این دوره مطابقت خواهد داشت .

کتاب مکاشفه ظهور عیسی مسیح را به عنوان فاتح پیروزمند توصیف می نماید. با توجه به مزمور ۴۵ و اشعیا ۶۳، حکومت هزار ساله مسیح بر زمین آغاز خواهد شد. باب ۲۰ کتاب مکاشفه نیز راجع به هزاره پُر جلال حکومت مسیح سخن می گوید. که با اسیر شدن شیطان به انتها خواهد رسید. بنابراین، بواسطه هدایت روح خدا در کلام خدا می توان به غایت حقیقت در پرتو چگونگی گذر زمان با سیر اتفاقات مهم، نائل شد .

شناخت حقیقت که حاصل می شود به ما آرامشی جاودانه خواهد بخشید چرا که این اطمینان حاصل می شود که خدا در هر دوره ای از ازل تا ابد حضور دارد و بر همه چیز حاکم است. شیطان خبیث با همه عوامل خود نخواهد توانست از استقرار هدف خداوند جلوگیری نماید. « متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی در مسیح. »

چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی عیب باشیم. که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم بوساطت عیسی مسیح برحسب خشنودی اراده خود، برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب. که در وی به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته‌ایم. که آن را به ما به فراوانی عطا فرمود در هر حکمت و فطانت.

چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید، برحسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود، برای انتظام کمال زمانها تا همه چیز را خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در مسیح جمع کند، یعنی در او. که ما نیز در وی میراث او شده‌ایم، چنانکه پیش معین گشتیم برحسب قصد او که همه چیزها را موافق رای اراده خود می کند. تا از ما که اول امیدوار به مسیح می بودیم، جلال او ستوده شود (افسیسیان ۱). این توضیحات بسیار مختصر بود نباید گمان کرد که کافی است. اینها به مثابه پُلی بود که دور نمای این مطالعه را نشان می داد اما به شکل دقیق و عمیق نبود. لازم است که دانشجوی کلام خدا خود به شکلی عمیقتر و با پردازش موضوعات دقیقتر به این مطالعه روی آورد .

می خواهیم با در نظر گرفتن کلام بیشتر به دوره ای که اکنون در آن زندگی می کنیم، پایان جهان یا انقضای زمان کلام چنین می گوید: و این همه بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به مارسیده است (اول قرنیتان ۱۰: ۱). مفهوم کلیسا در حضور خود خداوند مخفی بود و بیشتر به شکل راز یا سر می باشد اما در آن روز این سر آشکار خواهد شد (افسیسیان باب ۳). درک درست این مفهوم کمک خواهد کرد که پیشگویی بهتر تفسیر شود. با چنین مفهومی است که متوجه می شویم چه ایمانداران امته‌ها و چه یهودیانی که به مسیح ایمان آورند همه در یک کلیسا کنار هم جمع می شوند .

همانطور که تاکنون گفته شده است، در این دوره حال حاضر، و یا دوره های مختلف روشهای خداوند است؛ با روشهای خاص حضور روح القدس مشخص می شود، صرفاً نه اینکه برای انسان قدرت و

روشنگری در شناخت حقیقت را در بر داشته باشد. اما بیشتر به این مصداق که در آنها سکونت یافته تا در اتحاد با آنها، در همدردی فراوان و فعالیت حیاتی، نسبت به مسیح به عنوان سر بدن و کلیسا و در ارتباط با سایر ایمانداران به عنوان همکار عضو آن بدن، نمود پیدا می کند. این معقوله میدانی عظیم را فراروی ما می گذارد تا درک و لذت بخشی از حقیقت داشته باشیم، این روش جذابیت بیشتری دارد، به دلیل آن که اوج اهداف خدا نسبت به همه بندگانش را واضحاً ارائه می نماید .

در کولسیان ۱: ۲۴ - ۲۵ می خوانیم: « الان از زحمتهای خود در راه شما شادی می کنم و نقصهای زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم برای بدن او که کلیسا است، که من خادم آن گشته‌ام برحسب نظارت خدا که به من برای شما سپرده شد تا کلام خدا را به کمال رسانم». این متن نشان می دهد که خدمت خاصی به پولس رسول سپرده شده است؛ خدمت انجیل. درواقع می توان دریافت که مفهوم کلیسا به شکلی کامل هنوز به کمال نرسیده بود. درواقع آنچه در عهد جدید مطرح شده بود بیشتر جنبه سری داشته و با درک و مفهوم کامل آن سر می شد با مفهوم کلیسا ارتباط برقرار نمود .

واژه به کمال رساندن به معنی به اتمام رساندن است. که در اینجا به معنی به اتمام رسانیدن حقیقت بدن مسیح می باشد. که متشکل از یهودی و غیر یهودی است. که با روح القدس تعمید یافته و در آنها ساکن شده است. (مقدسین به همه ایمانداران زمان حاضر از پنطیکاست گرفته تا زمان بازگشت خداوند می گویند). خدمت پولس در واقع نقطه عطف همه این زمانها است. و کتاب مکاشفه در واقع همه پیشگویی های عهد عتیق را به مفهوم شگرف تری بیان می دارد، البته نوشته های پولس نیز به نوعی به همین مفاهیم شگرف اشاره می دارند .

مفهوم کامل شدن کلیسا سنگ مبنای همه ساختار کلام خدا است. درواقع مصداق به کمال یافتن کانون کلام خدا است .

از این جهت بی دلیل نیست که مفهوم کلیسا هنوز بر بسیاری روشن نمی باشد. شاید با مطالعه همراه با دعای کلام است که بتوان به ابعاد شگرف آن رسید .

از این جهت، رسالات مخصوصاً رسالات پولس هستند که طبیعت و ساختار کلیسا به عنوان بدن مسیح، عمارت روحانی، مسکن روح القدس دقیقاً بیان می شود. در چنین ساختاری است که مسؤوليتها دقیقاً تعیین می شوند، عبادت اجرا می شود، مشارکت تجربه می شود. و ملاحظه می شود که کلیسا یعنی بدن مسیح، مرکب از اعضای مختلف است. و این اعضای کلیسا در اثر حکمت الهی زندگی نموده و باعث جلال خدا می گردند. تا آنکه

الحال برارباب ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی، حکمت گوناگون خدا بوسیله کلیسا معلوم شود (افسسیان ۳: ۱۰)

در واقع عملکرد کلیسا به عنوان یک آرگانیزم زنده که مرکب از اعضای نجات یافته است که خدا را جلال می دهد، در اثر کار پُر جلال عیسی مسیح مُیسّر شده است. و حضور روح خدا در وجود مان به ما قوتی می بخشد تا بتوانیم بهتر به خداوند نزدیک شویم .

همه این خصوصیات و حقایق تنها با مطالعه و به عمل گذاشتن مفاهیم کتاب مقدس عملی می شود. و لازم است یادآوری شود که همه بخشهای مختلف کلام از یک درجه اعتبار و ضرورت برخوردار هستند. برای مثال برای دانشجوی کلام خدا هر اندازه که مطالعه رسالات اهمیت دارد مطالعه مزامیر نیز از اهمیت برخوردار است .

همچنین از مکاشفات کلام خدا است که ایمانداران متوجه می شوند شادمانی واقعی در امور دیگری نهفته است که از این جهان نمی باشد. درک می شود که برکات بهتری برای ما فراهم شده است. و هماهنگی عهد جدید و عهد عتیق بیشتر به مفهوم این برکات نائل می شویم . سردرگمی و تشویش وقتی حاصل می شود که ایمانداران با دُنیا حشر و نشر پیدا می کنند و از قوت و آزادی که در کلام و مشارکت روح خدا است دور می مانند. در واقع با هدایت روح خدا است که حقایق کلام خدا مکشوف می شوند و خصائص مسیحیت در شخص ایماندار تجلی پیدا می کنند .

متأسفانه بامطالعه دقیق کلام به مفهوم دیگری نیز می رسیم و آن اینکه آنچه که امروز تجمعی خود را کلیسا راستین خدا معرفی می کنند، با آنچه که در رسالات معرفی می شود بسیار متمایز است! و این حقیقت نیز یادآور می شود که فقط خداوند کامل و مقدس بوده و هیچ اعتمادی بر سیستم انسانی یا انسانها وجود ندارد. تنها خدا است که لیاقت اعتماد مُطلق را دارد. از اینرو باید اعتماد مُطلق ما بر خداوند باشد .

در مجموع مطالعه کلام خدا با در نظر گرفتن دوره های مختلف روحانی بسیار مهم بوده و مارا در فهم حقایق کلام بسیار یاری می نماید .

فصل نهم: مطالعه مقایسه ای یا هارمونیک

همه این روشهای مطالعه مخصوص دانشجویان و ایماندارانی هستند که به شکلی عمیقتر و دقیقتر کلام را مورد مطالعه قرار می دهند. و در واقع اینگونه مطالعه جنبه سیستماتیک داشته و در کنار سایر روشهای مطالعه جایگاه خاص خود را دارد. چهار انجیل در این روش مطالعه کاربرد خاصی دارند.

در ابتدا باید خاطر نشان سازیم که اینگونه مطالعه خواست و اراده خداوند می باشد چرا که خود نیز این روش را در کلام خود برای ما مقرر نموده است. خوشبختانه حکایت زندگی و اعمال عیسی مسیح در کلام مذکور شده است. از اینرو باید هر انجیل را با توجه به زمینه و خصوصیت خاص خود مورد مطالعه قرار دهیم و به نحوی که هر کدام عیسی مسیح را ارائه می نمایند. شاید سوالات بسیاری پاسخ داده شوند اگر ما در حین مطالعه در نظر داشته باشیم که موضوع اصلی هر انجیل چه چیزی است.

بعدها به نحوه پردازش به جزئیات حیات عیسی مسیح که در اناجیل به شکل مختلفی مطرح می شوند؛ خواهیم پرداخت. در حال حاضر بیشتر به شکل کلی به همه این جزئیات نظر خواهیم نمود. مثلاً، در رابطه با سفر مسیح به استان جلیل و خدمات عمومی او و شفای بیماران و تعلیم در کنیسه و موعظه راجع به ملکوت، همه را می توان در این جمله خلاصه نمود که مسیح آنقدر فعال و پُر مشغله بود که هیچ ساعتی برای استراحت نداشت.

با توجه به جزئیات و ساختار متن و سخنان مطرح شده در هر انجیل میتوان چنین استنباط نمود که در هر انجیل خط فکری خاصی دنبال می شود که ارتباط مستقیمی با تم یا بیان اصلی هر انجیل دارد. برای مثال، داستان تاکستان در متی ۲۱: ۴۰ - ۴۱ خداوند می پرسد: « پس چون مالک تاکستان آید، به آن دهقانان چه خواهد کرد؟ » گفتند: « البته آن بدکاران را به سختی هلاک خواهد کرد و باغ را به باغبانان دیگر خواهد سپرد که میوه‌هایش را در موسم بدو دهند. » در مرقس ۱۲: ۹ خود او سؤال را اینطور بیان می کند: « پس صاحب تاکستان چه خواهد کرد؟ او خواهد آمد و آن باغبانان را هلاک ساخته، باغ را به دیگران خواهد سپرد » و آیه ۴۳ چنین بیان می شود: « از این جهت شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه‌اش را بیاورند، عطا خواهد شد. »

بنابراین می توان ملاحظه نمود که انجیل نویسان نسبت به یکدیگر در تضاد نبودند؛ بلکه هریک بخشی از محاوره را به ثبت رسانده اند که با منظور و تم اصلی نگارش خود مربوط بوده است. اما در این فصل می خواهیم راجع به هارمونی صحبت کنیم. این روش برای دانشجویان کلام می تواند بسیار جالب باشد. همچنین

این موضوع در کتاب دیاتسرون که به عنوان هارمونی اناجیل مطرح می شود. در واقع باید بگوییم که عنوانین گلی اناجیل بایکدیگر تفاوت بسیاری ندارد. اما تفاوتیایی نیز در پردازش جزئیات محسوس است که می توان ارتباط آنها با یکدیگر را نیز با مقایسه آنها تشخیص داد .

این به دلیل تضاد نیست. بلکه صرفاً بر اساس خواست روح خدا به عنوان نویسنده اصلی اناجیل است که حقیقت را در چهار بُعد به ما عطا نموده است. آنچه راجع به هارمونی اناجیل می توان گفت این است که نقاط مشترک را از هر انجیل کنار هم بگذاریم. به عبارت دیگر اگر می خواستیم یک انجیل مشترک می نوشتیم به چه چیزی می رسیدیم .

گاهی دیده می شود که یکی از اناجیل توجه بسیاری به پردازش جزئیاتی نموده است، در حالی که اناجیل دیگر به آن موضوع نپرداخته اند یا به شکلی گلی تر موضوع را ارائه نموده اند. در حقیقت، گاهی اوقات در نظر ما، واقعه ای آنقدر مهم است که به آن توجه بیشتری می نماییم. همین قضیه نیز در پردازش وقایع در اناجیل صادق است. برای مثال یوحنا در انجیل خود معجزه پنج نان و دو ماهی را مطرح می کند و برداشت روحانی آنرا نیز مطرح می نماید اما تکرار آن واقعه را دوباره بازگو نمی کند .این مسئله در اناجیل هممنظر نیز بسیار تکرار می شود.

بنابراین کتب مفیدی که راجع به حیات عیسی مسیح وجود دارند با استفاده از نوعی هارمونی میان همه اناجیل، روایت زندگی عیسی مسیح را ملاحظه می نماییم. اما در بیان حقیقت بهتر است از نظم و ترتیبی که خدا مقرر نموده است، طبیعت نماییم، که با مطالعه هر انجیل و در نظر گرفتن خصوصیت هر کدام بهتر اناجیل را درک خواهیم نمود. اما در عین حال نیز، باید روند حیات و خدمت مسیح را در شکلی گلی تر، مد نظر داشته باشیم که این مسئله نیز در نوع خود حائز اهمیت بوده و ما را به درک حقیقت حیات مسیح و شناخت او سوق می دهد. بنابراین قبل از نائل شدن به هارمونی و هماهنگی چهار انجیل بهتر است؛ هر کدام را به تنهایی مطالعه نموده و بعد مبادرت به مطالعه هارمونیک اناجیل نمود .

این موضوع ما را به مسئله دیگری سوق می دهد. ترتیب ارائه وقایع در اناجیل اغلب ترتیب زمانی ندارند. ورود خداوند به خدمت عمومی و مرگ فداکارانه اش در همه اناجیل ذکر شده است و موقعیت زمانی این وقایع نیز در همه اناجیل ثابت است. اما در آن زمان بسیار دشوار بود که همه وقایع شرح داده شده را در ترتیب زمانی یکسانی قرار داد. و شاید نیز وقت کافی در اختیار نبود .

اما روح خداوند وقایع را گاهی در ارتباط با شخصیت عیسی مسیح در اناجیل مطرح می نماید که هیچ تطابقی با روند زمانی ندارد. برای مثال سالهای زندگی مسیح که سه سال و نیم یا سه سال است ارتباط خاصی با نیم هفته مطرح شده، توسط دانیال دارد که درست در وسط هفته یا همان هفت سال مکروه ویرانی به وقوع رسیده و خدمت کهنات به پایان خواهد رسید: « او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت و درنصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد و بر کنگره رجاسات خراب‌کننده‌ای خواهد آمد والی‌النهایت آنچه مقدّر است بر خراب‌کننده ریخته خواهد شد (ترجمه قدیم). این پادشاه با اشخاص زیادی پیمان یک هفته ای می بندد اما وقتی نصف این مدّت بگذرد، مانع تقدیم قربانی ها و هدایا می شود. سپس این ویرانگر، معبد بزرگ را آلوده می سازد، ولی سرانجام آن چیزی که برای او تعیین شده بر سرش خواهد آمد» (ترجمه شریف). یا اینکه همین سه سال شباهت عجیبی به مثل عیسی مسیح دارد که حاکی از جستجوی صاحب باغ در پی محصول درخت دارد و چیزی نمی یابد.

باید گفت که متون سخت اغلب می توانند بدفهمیده شوند. گاهی قیود زمانی نیز به زمان وقوع حادثه دلالت نمی نمایند. برای مثال کلمه "بعد" به ترتیب زمانی اشاره دارد، که زمانی جلوتر را خاطر نشان می سازد. اما گاهی این حالت زمانی، در کلام مصداق ندارد. و بیشتر به این دلیل بکار می رود که نشان دهد همه شواهد مطرح شده در ثبات مفهومی جنبه ای جمعی و کلی دارند.

مثلاً وقتی می خواهیم از خوبی ها و مهربانی های کسی تعریف نموده و آنها را ذکر کنیم اصلاً به ترتیب دقیق زمانی آنها توجهی نداریم چرا که موضوع اصلی مطرح نمودن مهربانی شخص است؛ هدف بیان زمان دقیق وقوع آنها نیست. در متی شفای چشمان بارتیماؤس در مدخل شهر اریحا رخ داده است اما زمان و چگونگی آن مطابق لوقا ۱۸: ۳۵ و متی ۲۰: ۲۹ متفاوت است. و چون نزدیک اریحا رسید، کوری بجهت گدایی بر سر راه نشسته بود (لوقا ۱۸: ۳۵ ترجمه قدیم) و هنگامی که از اریحا بیرون می رفتند، گروهی بسیار از عقب او می آمدند. (متی ۲۰: ۲۹ ترجمه قدیم).

شاید توضیحات متفاوتی بتوان ارائه نمود. برای مثال این واقعه مطابق متی از این جهت مطرح نشده است که نشان دهد خداوند در حال عبور از اریحا بود بلکه از این رو مکان و زمان را به خوبی مذکور نمی شود تا اشاره بر این داشته باشد که آخرین سفر خداوند در میان مردم بود.

بنابراین این قضیه اشاره بر فیض خدا دارد که در آینده به شکل کاملتری به وقوع خواهد رسید. ارتباط این قضیه با اریحا به اندازه ارتباط آن با اورشلیم مطرح نشده است. در حالی که این ماجرا یعنی باز شدن چشمان کور درست قبل از رسیدن خداوند به شهر واقع می شود. در حالی که منظور متی بیشتر کار فیض آمیز خداوند بود. اما متی اصلاً در پی آن نیست که ما را قانع کند که این معجزه قبل از خارج شدن خداوند از اورشلیم واقع شده است .

توضیح دیگر این است که خداوند در دره و در کنار شهر اریحا است و می خواهد به سوی اورشلیم که در ارتفاع بالاتری قرار دارد، برود. همین مسئله باعث شده است که دو نظر نسبت به یک حقیقت مطرح شود؛ یعنی اینکه مسیح قصد مسافرت از اریحا به اورشلیم را داشته است و این موضوع از دو منظر بیان شده است .

همین طور ملاحظه می شود که متی به مانند سایر مواقع مختلف، به اشخاص بیشتری اشاره دارد که مورد فیض خداوند واقع می شوند. قطعاً بازهم بیان موضوع دلیل توجه نویسنده است که در لوقا تأکید دارد و نگاه بیشتر متوجه بارتیماؤس است . دیگر لازم نیست که به جزئیات بیشتری بپردازیم؛ مهم این است که روح خداوند از طریق کلام خود صحبت نموده و منظور خود را بیان می دارد و با مطالعه بیشتر متوجه سبک و هدف نگارنده گان کلام نیز نائل خواهیم شد .

موضوع دیگری که وجود دارد به ظاهر تضاد غذا دادن خداوند به چهار یا پنج هزار نفر است. اما این واقعه از طرف دو نویسنده اشاره گردیده است و در هر دو خداوند به سؤالات شاگردان پاسخ می دهد. «وقتی که پنج نان را برای پنج هزار نفر پاره کردم، چند سبد پر از پاره‌ها برداشتید؟» بدو گفتند: دوازده و وقتی که هفت نان را بجهت چهار هزار کس؛ پس چند زنبیل پر از ریزه‌ها برداشتید؟» گفتندش: «هفت.» پس بدیشان گفت: «چرا نمی فهمید؟» (مرقس ۸: ۱۹ - ۲۱).

دو نوع تطهیر و تقدیس هیکل توسط مسیح در اناجیل به ثبت رسیده است. یوحنا آنرا در آغاز خدمات عمومی مسیح ذکر می کند در حالی که اناجیل هم نظر آن را در پایان خدمت عمومی مسیح ذکر می کنند. هر دو مورد ارتباط زیبایی با هدف اصلی انجیل دارد. در نظر یوحنا تقدیس هیکل در آغاز خدمات عمومی مسیح ذکر می شود چرا که یوحنا از همان ابتدا و مقدمه او را خدای رد شده معرفی می نماید. «او به نزد خاصان خود آمد، اما خاصانش او را نپذیرفتند». بنابراین بیان این قضیه ارتباط مستقیمی با تم انجیل یوحنا دارد. همین موضوع توسط سایر اناجیل در پایان خدماتش ذکر شده است چرا که موضوع توجه آنها رد شدن او نیست اما نهایتاً در پایان

خدمات عمومی موضوع مطرح می شود؛ تا بی ثمری سیستم مذهبی حاکم و در نهایت خارج شدن مسیح از آن به تصویر کشیده شود .

به همین ترتیب می توانیم به سایر موارد نیز اینگونه نگاه کنیم و تم اصلی نگارش را در نظر داشته باشیم. تا دلیل مطرح شدن یا نشدن واقعی در ترتیب زمانی خود را درک کنیم .

همه این توضیحات اشاره بر ارتباط تنگاتنگ اناجیل با یکدیگر دارد. و این ارتباط بسیار مهم است. قطعاً مطالعه عمیق تر با در نظر گرفتن پیغام اصلی هر انجیل و ارتباط کلی چهار انجیل ما را به دانشی سوق می دهد که می توان آنرا تحلیل هارمونیک اناجیل نامید .

جهت فراهم بودن درک عمیقتر از این موضوع می توان هارمونی همه چهار انجیل کتب مختلفی در این خصوص را مطالعه نمود، اما آنچه مد نظر می باشد نوعی هارمونی و درک مشترک از ارائه همه اناجیل است که در اثر مطالعه خود شخص حاصل می شود. چرا که تحلیلی عمیق تر و دقیقتر خواهد بود .

پیشنهاد ما بسیار ساده است. دردفتری ساده چهار ستون مختلف رسم نمایید: هر ستون را به یک انجیل اختصاص دهید. در ستون مربوط به انجیل متی، عنوان هر بخش از مطالب را مذکور نمایید، دقت کنید که فقط عنوان را نوشته و از توضیحات بیشتر پرهیزید. هر بخش نیز می تواند شماره مخصوص خود را داشته باشد. بنابراین :

۱. عنوان کتاب: باب ۱ : ۱

2. نصب نامه ایی از ابراهیم تا یوسف (سه بخش) باب ۱: ۲ - ۱۷

۳. شهادت به یوسف. آیات ۱۸ - ۲۵

۴. ملاقات مجوسیان. باب ۲: ۱ - ۱۲

۵. سفر به مصر. باب ۲: ۱۳ - ۱۵

۶. قتل عام نوزادان در بیت الهم. آیات ۶ - ۱۸.

۷. بازگشت از مصر به ناصره. آیات ۱۹ - ۲۳.

۸. موعظه یحیی تعمید دهنده. باب ۳: ۱ - ۱۲ .

بنابراین، هیچ بخشی از کلام بدون در نظر گرفتن ارتباطش با سایر بخشها مورد اشاره واقع نمی شود. قطعاً فهم هر بخش از انجیل می تواند با مقایسه با سایر اناجیل میسر شود

بخش بعدی مربوط به ستون مرقس می باشد. همه مباحث مربوطه تکرار خواهد شد با شماره های ترتیبی مربوط به خود اما بدون هیچ ارتباطی با ستون متی. به همین نحو نیز ستون مربوط به لوقا و یوحنا را کامل خواهیم نمود. بنابراین چشم ما عملاً با مقایسه چهار انجیل مواجه خواهد شد. و این روش مبنای مقایسه کلی خواهد بود .

بعد از مقایسه نکات مشترک مربوط به اناجیل را با رنگ قرمز مشخص می نمایم .

برای مثال موعظه یحیی تعمید دهنده یکی از این نکات قابل مقایسه و مشترک میان اناجیل محسوب شده و با رنگ قرمز در نظر گرفته می شود

متی

مرقس(۲) لوقا (۱۳) یوحنا (۲)(۴)(۶)

۵. موعظه یحیی

مرقس

متی(۸) لوقا (۱۳) یوحنا (۲)(۴)(۶)

۲. موعظه یحیی

لوقا

متی(۸) مرقس(۲) یوحنا (۲)(۴)(۶)

وقتی این کار به انجام رسید هر دانشجوی کلام مطالب لازم جهت مقایسه نمودن و تحلیل هر انجیل را در دست دارد. این مطالعه مقایسه ای می تواند هم درک خاصی از وقایع حاصل نماید و همچنین ارتباط آن با سایر اناجیل را نشان می دهد. فراهم نمودن چنین جدول هارمونیک می تواند متون مشترک را با نظم و ترتیب خاصی فراهم نماید.

می توانیم این کار را برای موضوع مشترک دیگری در میان چهار انجیل به انجام رسانیم. اما باید مطالب مشترک را در هر ستون دقیقاً در برابر هم قرار دهیم .

برای نتیجه گیری این بخش باید بگوییم ک خدا خود صلاح دانسته است که حقایق انجیل را در چهار سبک متفاوت بیان نماید. و این نوع از مطالعه که بیشتر جنبه هارمونیک دارد؛ نباید آنقدر مورد نظر قرار گیرد که نظم و اراده خداوند مورد چشم پوشی قرار گیرد. این مطالعه فقط بخشی از مطالعه است .

این مطالعه هارمونیک حتی در رابطه با کتاب اعمال نیز مورد استفاده قرار می گیرد. چرا که رسالات متعددی با این بیان تاریخی ارتباط دارند.

به همین شکل نیز، بخشهای مشترک کتاب پادشاهان و تواریخ را می توان مورد مطالعه قرار داد. می توان بخشهای تاریخی مزامیرا نیز مورد مطالعه هارمونیک قرار داد. کتاب دانیال و مکاشفه را نیز می توان مورد چنین مطالعه ای قرار داد. بخشهای مربوط به لاویان در تورات را نیز می توان با کتاب تثنیه مورد مطالعه هارمونیک قرار داد.

فصل دهم: مطالعه جزئیات ریز و کوچک

می توان گفت با یک دوربین نجومی عصر تاریخی عملکرد خداوند را طی نموده ایم. و در افکار خود از باغ عدن گذشته و به بهشت او قدم نهاده ایم، از زمان آغاز حرکت کرده و به ابدیت رسیده ایم. همه اینها مکاشفه از افکار کامل خداوند می باشند. پولس رسول در بخش پایانی رساله به رومیان (رومیان ۹-۱۱) درباره اثرات معنوی مطالعه کلام خدا و ستایش او می گوید: عمق دولتمندی، حکمت و دانش او برای ما غیرقابل درک هستند، چه کسی می تواند از داوری ها و از راه های او با خبر شود، چه کسی از فکر او آگاهی داشته و توانسته مشورتی به او ارائه دهد؟ چه کسی تا حال چیزی به او داده که باید او دوباره جبران نماید؟ همه چیز برای اوست، از اوست، تا ابد بر او جلال باد.

همانطور که مهارت و عظمت شگفتی های خداوند در خلق کوچکترین ذرات دنیا و در عین حال کهکشان های پر ستاره دیده می شود، کلام زنده او نیز از همین ویژه گی ها برخوردار است. لحظه ای دوربین نجومی خود را کنار گذاشته و با میکروسکوپ ایمان همراه با احترام به دنیای فیض و محبت و حقیقت قدم می گذاریم.

(۱) مطالعه کلمات

قصد ما در این کتاب کوچک این نیست که نیازهای شاگردان پیشرفته را بر طرف نماییم. هدف ما این است که با شاگردان تازه وارده شروع نموده و تا آنجاییکه برای شاگردی ساده و معمولی قابل دانستن باشد پیش رویم.

(امیدواریم کتاب های بیشتری در این باره از عهد عتیق به زبان عبرانی و عهد جدید به زبان یونانی نوشته شوند).

در آغاز لازم می دانیم تذکری بدهیم تا چنین مطالعه ای را خارج از حدود آن بکار نبرید. در حالیکه گفته می شود "در هر زحمتی سودی هست" اما اگر تلاش هدفمند باشد منفعت بیشتری خواهد رسید. "کلام حقیقت را بدرستی منقسم نمایید". بنابراین فکر می کنیم جاییکه این فصل قرار گرفته نشان خواهد داد که ارتباط با موضوع های قبلی حفظ شده است.

منظور ما از "مطالعه کلمه" این است که کلمات خاصی از آیات مقدس را انتخاب کرده و به بررسی آنها بپردازیم. برای مثال در فصل مطالعه اصولی دیده ایم که چگونه تعلیمی از عهد عتیق گرفته شده و در عهد

جدید بطور بسیار وسیع معنی و مفهوم آن بیان شده است. مطالعه کلام و کاربرد این تفکر در شاخه ای جداگانه است.

برای مثال کلمه "خون" را در رابطه با قربانی کردن در نظر می گیریم، که بلافاصله اشاره به قربانی برای کفاره گناهان ما که خداوند پرداخت نموده است را دارد. با استفاده از راهنمای مطالب کتاب در می یابیم که در این رابطه برای اولین بار در خروج فصل ۱۲ به آن اشاره شده است. بعد از پشت سر گذاشتن فهرست طولانی در کتاب های عهد عتیق و اشارات متعدد در رساله ها، به مکاشفه می رسیم که برای آخرین بار از این کلمه متبارک نام برده است. بیایید این نوشته ها را در دفترچه کوچک خود وارد کرده و ببینیم چه دست آوردهایی از مطالعه این کلمه بدست خواهیم آورد:

۱. خروج ۱۲: ۷ " آنان خون را بر داشته و به هر دو طرف چهار چوب و بالای در خانه ها پاشند."

۲. خروج ۱۲: ۱۳ "خونی که بر دو طرف چهار چوب و بر سر در خانه شما پاشیده شده است، نشانه ایست که شما در آنجا زندگی می کنید و چون آن نشانه را ببینم از آن عبور می کنم. اولین اشاره به "خون" در ارتباط با قربانی کردن و کفاره شدن است.

۳. آخرین باری که به "خون" اشاره رفته در مکاشفه ۱۲: ۱۱ است. " آنان بوسیله خون بره بر او پیروز شدند." دو عدد لوحه تاریخی از اصول خون یکی در آغاز و دیگری در پایان کلام خدا باقی مانده اند که اولی ما را از داوری محفوظ می دارد و دومی بر دنیا پیروز می گرداند.

۴. خون بر پیرامون قربانگاه پاشیده می شد. لاویان ۱: ۵.

۵. خون بر چهار شاخ قربانگاه بخور پاشیده می شد. لاویان ۴: ۷

۶. بر چهار شاخ قربانگاه قربانی سوختنی پاشیده می شد. لاویان ۴: ۲۵

۷. بر روی تخت رحمت ریخته می شد. لاویان ۱۶: ۱۴.

۸. یوحنا ۱۹: ۳۴ " خون و آب از بدنش جاری شد"

۹. اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ " کلیسای خدا که با خون خود آنرا خریداری کرده بود"

۱۰. رومیان ۳: ۲۵ " فرو نشاندن خشم و غضب خدا بوسیله خون مسیح "

۱۱. رومیان ۵: ۹ " با خون مسیح عادل شمرده شده ایم "

۱۲. افسسیان ۱: ۷ " رهایی و بخشش گناهان به وسیله خون او "

۱۳. عبرانیان ۹: ۲۲ " بدون ریختن خون آمرزش وجود نخواهد داشت "

۱۴. عبرانیان ۱۰: ۲۹ " خون عهد "

۱۵. عبرانیان ۱۳: ۲۰ " خون عهد "

۱۶. اول پطرس ۱: ۱۹ " آمرزیده شده بوسیله خون گرانبهای مسیح "

۱۷. مکاشفه ۱: ۵ " با خون پاک خود ما را از گناهانمان شست ". اول یوحنا ۱: ۷ " خون عیسی مسیح ما را از تمام گناهان پاک کرده است "

شماره ۸ از حقیقت ریخته شدن خون خداوند در ارتباط با بخشیدن حیات خود برای ما سخن می گوید. این موضوع در سرتاسر عهد جدید هر جا که صحبت از خون مسیح بوده آورده شده است. یعنی مرگ جبران کننده مسیح به تمام قربانی ها که در آن از ریختن خون سخن به میان آمده بود پایان داد.

شماره های ۹ و ۱۲ و ۱۶ از خونی صحبت می نماید که برای رهایی ایماندار و کلیسا از بار سنگین گناه و آزاد کردن آنان ریخته شده است.

شماره های ۱۰ و ۱۱ ما را از زمینه عادل شمرده شدن ایماندار با خبر می نماید. و بر پایه همین خون به حضور خدا دسترسی پیدا می کند. همچنین در عبرانیان ۱۰: ۱۹ و افسسیان ۲: ۱۳ کار عظیم عیسی خداوند عنوانی کامل و مرتبه ایی والا به ایماندار عطا می نماید که به حضور خدا وارد شود.

شماره ۱۷ رابطه حقیقت عظیم ارزش خون بعنوان پایه و اساس بخشش گناهان با تأثیر پاک کنندگی روح القدس را بیان می نماید. در هر دو آیه نشان می دهند که پاک شدن با خون انجام می شود. و این کار در مرحله اول با بخشش و کنار گذاشتن گناه شروع می شود، اما کار خدا هرگز یک طرفه نیست که قسمتی از آن به

شخص دیگر مربوط شود، بنابراین حقیقت گرانبهای پاک شدن با خون (شسته شدن کامل با خون و در نتیجه آن کنار گذاشتن هر نوع گناه) در این دو آیه یادآوری شده است.

شماره های ۱۴ و ۱۵ وعده جدید را برای اسرائیل، و برکاتی را نیز که به ما موعظه می شوند نشان می دهند. و تمام اینها بر مبنای خون تأیید شده و مهر زده شده اند. در عهد عتیق خون بزها و گاوها بر مردم و کتاب مقدس پاشیده می شد، اما خون بزها و گاوها قادر نبود که گناهان را پاک نماید. همه اینها اشاره به مسیح می کردند. عهد عتیق و شریعت که با خون حیوانات مهر زده شده بود نمی توانست چیزی را کامل گرداند و کهنه و قدیمی شده بود (عبرانیان ۸: ۱۳). عهد جدید بر مبنای قولهای بهتری شکل گرفته، و اینها با خونی تأیید و مهر زده شده اند که تا ابد بر قرار می باشد و هرگز منسوخ نخواهند شد چون هیچ چیز نمی تواند جایگزین خون گرانبهای مسیح شود.

شماره ۱۳ مانند مهری است که بر همه چیز زده شده و یادآوری می کند که برکت جاودانی ما بدون خون عیسی مسیح هرگز امکان پذیر نخواهد شد. به همین طریق کلمه "بره" را می شود مورد بررسی قرار داد. و بدون اینکه مثالهای متعددی آورده باشیم، فهرستی خلاصه از کلمات را ارائه خواهیم داد و این کلمات بدون ترتیب و ارتباط با یکدیگر نوشته شده اند.

کلماتی که در عهد عتیق و عهد جدید هر دو یافت می شوند.

باور کردن - ایمان - جفا دیدن - جفا - گناه - شریعت - جایگاه مقدس - مقدس ترین - بخشیدن - بخشایش - کاهن - کهنات - صلح - پادشاه - خشم - پیامبر - آرامش - اطاعت کردن - اطاعت - امید - بی خدایی - محبت - دنیا - لذت بردن - لذت - نجات پیدا کردن - نجات - نور - رستگاری - رهاننده - حقیقت - رحمت - خلقت - خلقت تازه - قلب - قربانی - فیض - وعده

کلماتی که فقط در عهد جدید وجود دارند.

فرزندخواندگی - فرزندی - آشتی مجدد - مقدس - قدیس - پرهیزگاری - پرهیزگار - عادل شمرده شده - تازه - تازه گی - مصلوب کردن - مصلوب - برخاستن - برخاست - برخاسته - حیات - ابدی - مرگ - در نظر بگیر - جلال - بیا - آمدن - هرکسی که - همه - برکت دادن - برکت - توبه کردن - توبه - وسوسه شدن - وسوسه - کارها - پادشاهی آسمان - ملکوت خدا .

دیگر نیازی وجود ندارد که کلمات دیگری بر اینها اضافه نماییم. چون باندازه کافی کلمه داده شده که شاگرد بتواند انتخابی سنجیده بعمل آورده و خطی از مطالعه را دنبال کند که مجذوب کننده و سودمند است. و با کمک جستن از دانشی که قبلاً بدست آورده مطالعه مفیدی خواهد نمود. این نوع مطالعه مزایا و مضرات خاصی دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد. مزایای آن عبارتند از :

اول. افزایش دانش کلام خدا و داشتن تصویری از یگانگی حقیقت آن در سرتاسر آیات مقدس.

دوم. بکار بردن موضوعی مشابه در بخشهای مختلف کتاب مقدس.

سوم. افزایش توان ذهنی برای جمع آوری و گروه بندی.

چهارم. کمک به داشتن بیانی جهت دار و مختصر و مفید برای تجزیه تحلیل کردن .

پنجم. کمک سودمندی برای مطالعه اصولی که قبلاً به آن اشاره شده است.

بعضی از خطراتی که باید از آن دوری جست.

اول. دنباله روی کلمات ، صرف نباشید بلکه آنها را از جنبه های مکانیکی و غیر فکری نیز بررسی کنید. بدین ترتیب کلمه " دنیا" در زبان یونانی دو معنی متفاوتی دارد که در زیر آنرا می خوانیم:

متی ۱۳ : ۲۲ " دلواپسی این دنیا".

متی ۱۳ : ۳۸ "مزرعه این دنیا است".

متی ۱۳ : ۴۰ "در پایان این دنیا".

دوم قرن تیان ۴ : ۴ " خدای این دنیا"

غلاطیان ۱ : ۴ " این دنیای کنونی شریر".

اگر این کلمات با معنی های یکسان همراه بودند بطور قطع معنی بعضی از جمله ها را از دست می دادیم. برای مثال در متی ۱۳ : ۳۸، "مزرعه دنیا است" یعنی دنیای مادی که انسان در آن زندگی می کند. متی ۱۳ : ۴۰، "در پایان دنیا" که در واقع صحبت از آخر زمان است که با آمدن دوباره عیسی مسیح این دوره به پایان خواهد رسید.

غلاطیان ۱ : ۴ "دنیای کنونی شریر" که به دوران اشاره دارد و منظور کسانی است که از زمان سقوط انسان تا کنون بدور از خدا زندگی می نمایند. اگر این دو کلمه را از هم جدا ننماییم معنی مطلب را کاملاً از دست خواهیم داد.

وضعیت های مشابه زیادی پیش روی ما قرار دارند. بطور کلی می توانیم بگوییم علاج این مشکل این است یک جلد کتاب رئوس مطالب در اختیار داشته باشیم. تا معنی اصلی کلمات محفوظ بمانند.

دوم. کلمه با معنی مشابه که توسط نویسندگان مختلف استفاده شده باشد. الهام سلیقه شخصی را از بین نبرده، بلکه از آن استفاده کرده است. بنابراین معلوم می شود بعضی از نویسندگان از کلماتی استفاده کرده اند که کسان دیگر معنی متفاوت برای آن انتخاب کرده اند.

بدین ترتیب کلمه "دنیا" که در حالت های مختلفی بکار رفته، در انجیل متی، و مرقس و لوقا صرفاً برای دنیای "مادی" استفاده شده، و در انجیل یوحنا با ویژه گی معنوی آمده و مفهوم دوران را دارا می باشد.

یوحنا ۷ : ۷ "دنیا نمی تواند از شما متنفر باشد، اما از من متنفر است".

یوحنا ۱۲ : ۳۱ "اکنون داوری این جهان فرا رسیده".

یوحنا ۱۴ : ۱۷ "کسیکه دنیا او را نمی پذیرد".

یوحنا ۱۴ : ۳۰ "حکمران این جهان".

استفاده دیگر این کلمه در انجیل یوحنا معنی طبیعی خودش را دارد، اما اینها صفت های معنوی نیز دارند که باید در مطالعه گروه بندی کلمات مورد توجه قرار گیرد.

کلمه "پرهیزگاری" با توجه به موضوع مورد بحث معنی متفاوتی دارد.

رومیان ۱ : ۱۷ "پرهیزگاری خداوند".

رومیان ۹: ۳۰ "پرهیزگاری که از ایمان است".

اول قرن‌تینان ۱: ۳۰ "مسیح... برای ما... پرهیزگاری شده است".

غلاطیان ۵: ۵ "ما به امید پرهیزگاری بوسیله ایمان منتظر خواهیم بود".

در اینجا پرهیزگاری نسبت داده شده است و ویژه گی شخصی نیست، بلکه با هر کسی که در مسیح باشد قرار خواهد داشت.

استفاده این کلمه به طریقی دیگر:

اول یوحنا ۲: ۲۹ "هر کس که نیکوکاری کند..."

اول پطرس ۲: ۲۴ "مرده برای گناهان و زنده برای پرهیزگاری"

و فصل های زیادی در این ارتباط حتی از نوشته های پولس رسول، همه از طرز زندگی و ویژه گی شخص ایماندار سخن می گویند. بطوری که اگر درک این مطالب مشکلی پیش آید حقیقت عظیم و با ارزش برائت از طریق فیض را از دست داده، و آیات روشن کتاب مقدس را تبدیل به مطالبی پیچیده و ناشناخته گردانیده ایم.

سوم. نادیده گرفتن خط های علامت گذاری که در مطالعه عصر تاریخی هر نویسنده به آن پرداخته ایم.

اشعیا ۶۳: ۱۶ "بدون شک تو پدر ما هستی".

اشعیا ۶۴: ۸ "ای خداوند تو پدر ما هستی".

یوحنا ۲۰: ۱۷ "من بالا میروم پیش پدر خود و پدر شما".

رومیان ۸: ۱۵ "روح فرزند خواندگی، که می توانیم ترا پدر خطاب کنیم ای خداوند".

کولسیان ۱: ۱۲ "شکرگزار باشید برای پدر".

اشتباه بزرگی خواهد بود که معنی فصلهای عهد عتیق را عیناً در عهد جدید بکار بگیریم. نوشته های عهد جدید از ارتباط مبارکی که بوسیله روح القدس شکل گرفته خبر می دهند، در حالیکه در عهد عتیق اسرائیل بعنوان قوم، فرزندان خوانده شده اند که قدری آنان را در شعاع دورتری از خدا قرار میدهد، و بدین ترتیب موقعیت ایمانداران فعلی هیچ وقت نباید از ذهن ها دور بماند.

این باعث خواهد شد تا خوانندگان ما مواظب باشند. مطالب و فرصتهای متعددی وجود دارند برای اینکه شخص به تنهایی مورد استفاده قرار دهد، کلاسهای یکشنبه، و از این دست کارها همه می توانند برای پیشرفت مفید واقع شوند.

برای مطالعه کلمه ها جهت مناسبی می شود پیشنهاد نمود. کلمات زیادی هستند که موارد استفاده بسیار دارند و اکثراً سعی می شود همه را در متن جای دهند که این روش موجب سردرگمی خوانندگان می شود. راه حل خوب این است که از کتاب فهرست فصل هایی را کپی برداری کنیم که مطالبی علاوه بر موضوع کلی دارند. حالا می شود اینها را در فصل های مختلف گروه بندی نموده، و چهار و یا پنج بخش اصلی را شکل بدهیم.

اجازه دهید اول با کلمه "آرامش و یا صلح" که از فهرست خود انتخاب کرده ایم متن های زیر را توضیح دهیم:

ایوب ۲۲: ۲۱ "پس با خدا آشتی کن، و از دشمنی با او دست بردار".

مزمور ۳۷: ۳۷ "عاقبت آن شخص آسودگی است".

اشعیا ۲۶: ۳ "ای خداوند، صلح و آرامش کامل به آنهایی که در اندیشه های خود راسخند و به تو توکل دارند عطا فرما"

اشعیا ۴۸: ۱۸ "...آنگاه آرامش تو مانند نهری که هرگز خشک نمی شود".

اشعیا ۴۸: ۲۲ "برای گناهکاران صلحی وجود نخواهد داشت". اشعیا ۵۳: ۵ "و بخاطر ضربه هایی که او تحمل کرد، سالم شدیم". ارمیا ۶: ۱۴ "صلح زمانیکه اصلاً صلحی وجود ندارد". لوقا ۲: ۱۴ "صلح و سلامتی بر زمین، و نیکویی برای مردم". یوحنا ۱۴: ۲۷ "صلح را برای شما باقی می گذارم". رومیان ۳: ۱۷ "طریق صلح را آنان نمی دانند". رومیان ۵: ۱ "با ایمان نجات یافته و با خدا صلح دارند".

افسیسیان ۲: ۱۴ "خداوند آرامش ما است". افسیسیان ۲: ۱۷ "آمده و صلح را برای شما موعظه کردیم".

کولسیان ۱: ۲۰ "از طریق خون مسیح صلح کرده ایم".

برای موضوعی مانند این، می‌توانیم در دفعات زیادی به فهرست مطالب رجوع کنیم، که هر کدام از اینها افکاری تازه در باره کلمه صلح به ما ارائه خواهند کرد. بعد از آن نوبت به گروه بندی آنها می‌رسد، که به مفهوم آنها نظمی داده باشیم. اهمیت همه موضوع با اشاره از مطلبی در (ایوب ۲۲: ۲۱)، که بعنوان مقدمه عرضه خواهد شد.

۱. اشاره به گناهکار:

الف) صلحی وجود ندارد - اشعیا ۴۸: ۲۲ .

ب) صلح دروغین - ارمیا ۶: ۱۴ .

س) ندیده گرفتن صلح واقعی - رومیان ۳: ۱۷ .

۲. بنیاد صلح: الف) صلح بر قرار شده کولسیان ۱: ۲۰. ب) صلح تدارک دیده شده اشعیا ۵۳: ۵ .

س) صلح موعظه شده لوقا ۲: ۲ و افسیسیان ۲: ۱۷ .

۳. صلح تملک شده: الف) بوسیله ایمان رومیان ۵: ۱. ب) خود مسیح صلح برای ما - افسیسیان ۲: ۱۴ .

۴. از صلح لذت برده شده: الف) در صلح مانده اشعیا ۲۶: ۳ .

ب) مانند رودخانه - اشعیا ۴۸: ۱۸. س) صلح مسیح به داده شده - یوحنا ۱۴: ۲۷ .

۵. صلح در پایان . مزمور ۳۷: ۳۷ .

لازم به یادآوری است که کلمه صلح در اینجا به دو طریق مورد بررسی قرار گرفته است. "صلحی که برای شما می‌گذارم" منظور صلحی است که خداوند با قربانی کردن خویش برای ما به ارمغان آورد. "صلحی که من دارم

به شما می‌دهم" لذتی که مسیح در قلب خویش دارد به ما می‌دهد. روش جالب دیگری نیز که در مطالعه کلمات بکار می‌رود این است که کلمات دارای ویژه‌گی‌های خاص را در کتابی جمع‌آوری نمایند.

برای مثال عبارت "این‌ها نسلهایی هستند" ده بار در کتاب پیدایش یادآوری می‌شود، و ماهیت مخصوص این کتاب را برای ما آشکار می‌کند. "خداوند به موسی فرمود" بارها در کتاب خروج آمده است. "مقدس" و کلمات نزدیک به آن در متن کتاب لاویان به دفعات مشاهده می‌شود. کتاب مزامیر کلمات زیادی با معانی خاص دارد مانند:

"سلا" "بموجب کلام شما" "دشمنان" "صبر کنید" در امثال سلیمان از این گونه کلمات زیاد یافت می‌شوند: "ضامن" "ضمانت" "حکمت" "دروغ‌گویی" "شرور" "سست و تنبل" "غرور" "قلب" "زبان" "پاها" "لبها" "چشمها". در جامعه بیشتر این کلمات را می‌بینیم: "بیهودگی" "آزردگی" "در زیر آفتاب". در غزل غزلهای: "محبوب" "سنبل هندی" "ادویه" "گماشتن".

به همین ترتیب در کتب پیامبران نیز هر کدام کلماتی با ویژه‌گی‌های خاص وجود دارند که امری همیشگی است. وقتی به عهد جدید می‌رسیم، به کلماتی بر می‌خوریم که خصوصیت مشابهی داشته و در کتب مختلف به کار رفته‌اند.

"پادشاهی آسمان" عبارت اصلی که در انجیل متی به کار رفته است. "فوراً" و "یا" "بلادرنگ" در انجیل مرقس. "پسر انسان" در انجیل لوقا. "فرستاده" "جهان" "پدر" "ماندن" در انجیل یوحنا. "روح" و کلماتی مشابه این در اعمال رسولان. "عادل" "عادل شمردن" "پرهیزگار" "ایمان" "مرگ" "مرده" و "غیرو"، در رومیان.

و در هر کدام از رساله‌ها نیز کلمات مشابهی هستند که به دفعات استفاده شده‌اند. برای اینکه بتوانیم این کتاب‌ها را با هم مقایسه کنیم، فهرست مطالب هر کتاب به طور جداگانه ارزش خاص خود را خواهد داشت.

مثلاً در کتاب غلاطیان کلماتی مانند "محبت" "مقدس" "تقدس" بطور گسترده‌ای بکار رفته‌اند، در حالیکه در افسسیان آنها کلمات همیشگی می‌باشند. دلیل این کار ساده است. در شریعت نمی‌تواند محبت و یا تقدس را تولید نماید، و آنانکه مقدس و با محبت انباشته هستند از نبود آنها در شریعت تعجب نخواهند کرد.

نوشته های یوحنا بر خلاف پولس رسول مشخصه های لفظی خاص خود را دارند. بدین ترتیب اگر در رساله پولس رسول صحبت از "پرهیزگاری" می شود در نامه های یوحنا "حیات" و "عادل شمردگی" به موازات "تولد تازه" بکار رفته اند. عبارت مورد علاقه یوحنا "بچه" و یا "بچه ها" به تولد اشاره دارد، در حالیکه پولس رسول از کلمه "پسر" استفاده می کند. این کلمات مشخصات، موضوعات هر دو نویسنده را بیان نموده، و مدرکی زنده از حکمت حقیقی و الهی روح خدا در الهام این کتب را نشان می دهد.

و همین طور که به مطالعه کلمات ادامه می دهیم، عقیده راسخ ما نسبت به الهام کلام خدا عمیق تر می شود. و به میدانی وسیع از تحقیق و بررسی قدم گذاشته ایم. و در حقیقت مانند هر قسمت از حوزه آزمایش این کتاب جالب می توانیم بگوییم: "سرزمین زیادی مانده که تصاحب کنیم". خوب است که هر فرد به خصوصی از فرزندان خدا که وارد این سرزمین خوب و پهناور می شود، از این ثروتی که در سطح و تپه های آن انباشته شده برای خود کاوش نماید.

۲. اسامی، اهمیت و موارد استفاده از آنها

تکرار و تناوب اسامی در نوشته های کتاب مقدس برای هر خواننده ای روشن و آشکار است. این کتاب دیکشنری بیوگرافی های متنوع، گنج های تاریخی، و فرهنگ جغرافیایی می باشد. اسامی اشخاص و محل های مختلف در همه جای آن دیده می شوند. و همین موضوع برای ما نشان می دهد که حضور آنها را نمی شود نادیده گرفت. نگاهی معمولی به این نوشته های مقدس روشن می نماید که اسامی بکار رفته برای منظور های خاص بوده اند. به همین دلیل اسامی، آدم، حوا، قائن، هابیل، شیس، همه از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردارند.

آدم همانطور که از معنی کلمه دانسته می شود بمعنی "از خاک بوجود آمده" است.

حوا، "زنده" مادر همه انسانها".

قائن، "فراگیری" از امیدی همرا با اشتیاق سخن می گوید، و بطریقی ظالمانه با او رفتار شد، که او "ربوده شده" خوانده شد، و "ذریه وعده داده شده زن".

هابیل، "ضعف اخلاقی" و کوتاهی عمر را معنی می دهد.

شیس، "گمارده شده" از طرف کسی که باید جای او را پر نماید.

نوح، "آرامش" همراه با نام خود آمده است.

زمانیکه اسامی تغییر یافته، دلایل نیز بسته به اهمیت آنها بیان شده اند. بنابراین ابرام، "پدر بزرگ" به ابراهیم "پدر امت ها" تبدیل یافته است، و این کار با افزودن حرف عبرانی "هی" یعنی پنجمین حرف الف بای عبرانی و همانطور که می دانیم این حرف به معنی خداوند با انسان صحبت می کند است. و ملاحظه می شود که چگونه خداوند انسانی تنها را به پدر امت ها تبدیل می نماید. عجیب است که همزمان نام سارا نیز با اضافه کردن همان حرف تغییر یافته، و همان حقیقت بزرگ دوباره تکرار می گردد.

اسحاق، "خنده" یادآوری خنده والدین خود در زمانیکه تولد می یابد، و اشاره به شادی است که در زمان بدنیا آمدن پسر انسان به جهان خواهد آمد. یعقوب "کسی که پاشنه می کشد" نامی که بدرستی به او داده شده بود و همین طور نیز به عیسو که بمعنی "پسر از مو" برادر یعقوب که فردی با موی زیاد بوده است. در عین حال نام یعقوب به اسرائیل عوض شد یعنی "شاهزاده خداوند" که اسمی تازه و با اهمیت که به او داده شده است.

می توانیم بررسی را در باره یهودا و سایر فرزندان یعقوب ادامه دهیم، از موسی و دو پسر او، از یوشع، به معنی "یهوه نجات دهنده" از کالیب "صمیمی" عنخان "مشکل ساز" سموئیل "از خدا خواسته شده" داود "محبوب" سلیمان "مرد صلح". کتاب مقدس بطور آشکار و با مدارک کافی به ما می آموزد که اهمیت اسامی مربوط به علم لغت شناسی نمی باشد بلکه راه حلی است که ما را قادر می سازد فوراً معنی کامل آن را درک نماییم.

به همین طریق نیز به مکان ها و سرزمین ها اشاره گردیده است، مثلاً مصر، "کوچکی بسیار" و یا "باریکی"، اشاره به ویژگیهای جغرافیایی آن کشور کرده، اما باریکه ای حاصلخیز که منظور از دو سوی ساحل نیل می باشد، و در ضمن اشاره می کند که این دنیا نیز جای وسیعی نیست چون بوسیله بیابان ناشناخته، گذشته و آینده، و باریکه ای کوچک نور حال احاطه شده است.

بابل بمعنی "گمراهی" که در همان جا آغاز گشته و دائمی شد. بیرشیا، "چاه عهد" شکیم، "شانه" شالیم، "صلح" اورشلیم، "صلح را بدست آوردن" همه اینها معنی اسامی خاص خود را دارند، که بعضی اوقات برای معنی اسم دلیل آورده شده است.

زور، که بوسیله لوت "کوچک" نامگذاری شده است. بت-ایل "خانه خدا" چون در آنجا خدا به یعقوب ظاهر گشت. مانهایم، "دو اردوگاه" چون در آنجا لشگر خداوند با یعقوب دیده شده اند.

اما روش کلام خدا این است که نه تنها ما را هدایت کرده و تعلیم می دهد، بلکه به ما کمک می نماید تا بتوانیم مطالعه خودمان را نیز در جهت خواست او پی گیری کنیم. این یکی از دلایل الهام کلام خداوند به شمار می رود، و از علائم محبت الهی و توجه او برای ارضاع نمودن گرسنگی فرزندان خویش برای پیشرفت در کلام و دانش خداوندی است. بدین ترتیب متوجه می شویم، که خداوند مثل ها را تشریح نموده و نمونه نشان داده و کلید را بدست ما می سپارد تا بررسی های بیشتر را خود انجام دهیم. " اگر شما این مثل را ندانید چگونه می توانید از همه آنها با خبر شوید؟"

استفاده از نام آشنای ملک صدق در فصل ۷ عبرانیان ما را متقاعد می نماید که اسامی در سراسر کتاب مقدس با روحی همراه با احترام بکار رفته اند. ملک صدق به معنی "پادشاه پرهیزگاری" و این چیزی است که او را به شباهت خداوند ما می رساند، او که پادشاه و کاهن بوده و خصوصیت شخصیش پرهیزگاری است. و وارث پرهیزگاری اجداد خود بوده است و برای کامل نمودن عدالت الهی خود را بر صلیب قربانی نمود. بنابراین او کاملاً ملک صدق می باشد، "پادشاه پرهیزگاری" "کاهن خدای متعال". او همچنین "پادشاه سالم" که نه تنها فقط به اورشلیم حقیقی اشاره می کند بلکه "صلح" را مطرح می کند که نتیجه عملکرد پرهیزگاری می باشد. از این گذشته، بر سلسله مراتب نیز تأکید شده است. او در وحله اول "پادشاه پرهیزگاری" است. و بعد از آن "پادشاه صلح" است. هر گز صلحی بوجود نخواهد آمد مگر اینکه تمام ضروریات پرهیزگاری به انجام رسیده باشند. همانطور که گفته ایم، این به ما روشی را نشان می دهد که بتوانیم به کلمات ظاهراً بی معنی نسل شناسی و فهرست پیچیده شهرها و مرزها و نیرو در سرزمین اسرائیل به بررسی بپردازیم.

اما از ما پرسیده خواهد شد، که آیا هر نام شخصی در کتاب مقدس از اهمیت برخوردار است؟ برای این فقط یک جواب وجود دارد. بله بطور قطع هر اسمی معنی واقعی خود را دارا می باشد، که با مطالعه دقیق استخراج کلمات این موضوع ثابت می گردد، و به ما این فرصت را می دهد که بگوییم هر کلمه معنی روحانی خاص خود را دارد و برای اطمینان پیدا کردن قدری توجه، ایمان، خویشتن داری و سعی و کوشش لازم خواهد بود. ما در اینجا اعلام می داریم، همانطور که در سایر موارد مربوطه نیز گفته شده، برتری غیرضروری به بخش مطالعات کتاب مقدس نباید داده شود.

باندازه کافی از تلاشهای ناپخته کسانیکه در تشریح فصل های بغرنج و پیچیده که در زمینه حقیقت الهی پایه های محکم ندارند رنج می کشیم. چنین تلاش هایی به بخش مطالعات کتاب مقدس زیان میرساند و نیز

کسانیکه در این راه زحمات زیادی کشیده اند را دلسرد می گرداند. اجاز دهید همه چیزها در جای مناسب خود قرار گیرند. ما نباید با مطالعه ای سطحی خودمان و دیگران را با موضوعات سؤال بر انگیز اشباع نماییم.

در اینجا باید اضافه نماییم که همه موضوع لغت شناسی، و یا اهمیت نام ها در زبان عبرانی و بخصوص در زبان یونانی، هنوز در مراحل کاملاً ابتدایی قرار دارد. مطلب برای مدت های طولانی نادیده گرفته شده بود، و عده کمی در این مورد کار انجام داده اند. و در اکثر مراحل قابل قبول بوده، لیکن در مواردی نیز نتیجه نا مطمئن بوده است. قبل از اینکه مطلب را به پایان برسانیم، سعی خواهیم کرد از راهنمایی کتاب مقدس استفاده کنیم و بینیم که نام هایی که کاملاً از معنی آنها اطمینان داریم می توانند سرنخ خوبی برای درک بهتر فصل های کتاب مقدس باشند.

معنی نام نوح "استراحت" و یا "آرامش" است. که پدر او لمک آنرا در ارتباط با بدست آوردن آرامش الهی این اسم را برای پسر خود انتخاب نمود. در پیدایش ۸: ۴ کشتی نوح حقیقتاً در کوه های آرات آرام نشست. در آیه ۲۱ همان فصل می خوانیم "بوی خوش قربانی به حضور خداوند رسید" در واقع طعم آرامش و یا نوح به پیشگاه خداوند رسید. در هر وضعیتی ریشه یکی است، و نشان می دهد که چگونه خداوند به ایمان جواب می دهد، و در زمان تنگی ها آرامش را ارزانی می دارد.

فینهاس، "دهانی از برنج" نامی همراه با شخصیت او که با وفاداری به خداوند، کهانت خود و خاندانش را تضمین نمود. ایلعازار، پسر هارون، "خداوند من کمک است" جانشین پدر و شباهتی به عیسی قیام کرده را تداعی می کند. وقتی که هارون می میرد، ایلعازار لباس کهانت او را می پوشد. همین نام در عهد جدید به زبان یونانی برای برادر مارتا و مریم آمده، که بوسیله عیسی مسیح از قبر بر خیزانده شد.

باز در ارتباط با گدایی که فرشتگان او را به آغوش ابراهیم می برند، که زندگی نوین و متبارک را آغاز نمود. این ها اشاراتی هستند که می شود به تعداد زیاد نام برد. و با زیاد شدن دانش ما از این جزئیات، به شبکه حقیقت کلام خدا دسترسی پیدا می کنیم که مانند ردای بافته شده ای است، حتی یک نخ آن نیز بدون هدف بکار نرفته است.

۳. اعداد و اهمیت آنها

ما تقریباً آماده شده ایم که باور کنیم اگر اسامی معنی دارند پس اعداد نیز شامل این قانون می شوند، در حقیقت، در کلام گرانقدر خداوند همه چیز معنی خاص خود را دارا می باشد. بنابراین ما بدون هیچ مقدمه ای می خواهیم ببینیم که کلام خداوند درباره این موضوع چه می گوید. و در ابتدای کلام خداوند، و در شش روز آفرینش و بعد از آن روز استراحت یکی از بارزترین موارد در نظم اعداد را ملاحظه می نماییم. در باره این موضوع به کتاب دیگری (نوشته هایی از پنج کتاب اول تورات) نیز مراجعه کرده ایم، و بررسی ها ما را به این نتیجه می رسانند:

یک عدد مبداع، خلقت، کفایت،... می باشد. و مناسبتی با خدا و پدری او دارد.

دو از کمک و نجات از دست شریر سخن می گوید. و عددی است که با پسر در مورد نجات دهنده و آزاد کننده ارتباط پیدا می کند.

سه از مکاشفه روح القدس که آشکار کننده حقیقت، و همچنین " خدا نور است " می گوید. هم چنین " سه " به رستاخیز اشاره می کند که ارتباط نزدیکی دارد با خداوند و قدرت او، و نیز جایگاه مقدس که حضور او در آنجا قرار دارد.

چهار عدد زمینی است، از سختی، ضعف، و خطاکاری.

پنج خلقتی دیگر است، جسم گرفتن عیسی مسیح در شخص متبارک خویش، خدا و انسان. هم چنین عددی است که به مسئولیت اشاره می کند.

شش عدد روز انسان را اعلام می کند، و محدودیت فعالیت او، بنابراین در مقابل حمله های مکرر شریر که انرژی شخص را به تحلیل برده، اشاره به سکون و آرامش الهی برای غلبه بر شریر می نماید.

هفت شماره استراحت می باشد. و کامل بودن را می رساند، نه نیاز است چیزی افزوده و نه کمبودی باقی می ماند. بنابراین هر مجموعه ای را کامل می گرداند.

هشت شروعی تازه، بدین جهت عددی است برای خلقت جدید.

نه حاصلضرب و مجذور سه می باشد، و نیز تشدید شده عدد سه.

ده اشاره دارد به مسئولیت انسان در قبال دو لوح ده فرمان.

یازده به نظر می رسد یکی مانده به دوازده.

دوازده عدد بزرگ حکومتی، دوازده قبیله، دوازده رسول، دوازده دروازه، و غیرو. اتحاد اسرائیل را نشان می دهد، همانطور که با دوازده سنگ در رود اردن مشخص شده است، و بر قربانگاه ایلیا نیز دوازده سنگ قرار داده شده بود، و دوازده قرص نان، و غیرو.

شماره های دیگر به نظر می رسند که مضاعف را می رسانند مانند "چهارده" که دو برابر هفت بوده و نشان دهنده کامل بودن آن عدد است. و همچنین شجره نامه خداوند ما عیسی مسیح در سه مرحله اسامی چهارده گانه تقسیم شده است. و در آن زمان کامل بود که خدا پسر خود را برای نجات انسان به زمین فرستاد. "بیست" و "چهل" و سایر مضرب های ده مشخصات مسئولیت را که بوسیله عدد ده به آن اشاره شده به ما نشان می دهند. بدین ترتیب "چهل" به معنی آزمایش کامل تحت مسئولیت، "هشتاد" محدوده سنی انسان.

همانطور که چهار عمل اصلی نشان می دهند، اعداد را می توان در ارتباط های متفاوتی نسبت به یکدیگر مشاهده نمود. آنها را می شود به همدیگر جمع، کسر، ضرب، و تقسیم کرد. نمونه های مختلفی برای هر یک از اعمال اعداد وجود دارند، بدون شک برای هر کدام از این وضعیت ها مطلب خاص و با اهمیت روحانی نیز دیده می شود. یوسف به معنی "اضافه شدن" است. و در زمان تولد مادرش گفته بود: "باشد که خداوند فرزند دیگری برای من اضافه نماید".

در فصل های اولیه اعداد مشاهده می گردد که چگونه قبایل مختلف شماره گذاری شده و با همدیگر در اردو های مختلفی جمع می شوند. و اضافه شدن به قدرت اشاره می کند. "دو بهتر از یک است". از نقطه نظر روحانی کمک از زیاد شدن سرازیر می شود. ریشه رشد کردن اضافه شدن است. همانطور که ایمان می آوردند خداوند روزانه بر تعداد آنان "می افزود".

در همین جا می توانیم از دو مطلب استفاده شده در فهرست راهنمای موضوعات در همین رابطه ایراد بگیریم. در فصل آشنای دوم پطرس چنین آمده، "به ایمان و عفت خود اضافه نمایید" که حقیقتاً منظور در اینجا جمع عددی نیست، اما اگر بخواهیم از نقطه نظر محاسبات صحبت نماییم چنین گفته خواهد شد: "در ایمان خود عفت داشته باشید"، یعنی بگذارید ایمان شما با جسارت مشخص شود، جسارت شما با دانش، و دانش شما با غلبه بر نفس، و غیره.

عمل تفریق یعنی کاستن، به کمبود و ضعیف شدن اشاره می کند. "اگر کسی چیزی از این کلام پیش گویی کم نماید، خداوند سهم او را از کتاب حیات بردارد. قیمت یک قطعه زمین در اسرائیل عهد عتیق بستگی داشت به تاریخ مالکیت آن از سال پنجاهم. بدین ترتیب قیمت کامل آن برای پنجاه سال تخمین زده می شد. هر سالی که می گذشت از قیمت زمین کسر می گردید. (در اسرائیل بعد از گذشت پنجاه سال زمین ها را به صاحبان اصلی برگشت می دادند).

همانطور که از نام ضرب مشخص می شود، از زیاد شدن در مقیاسی بیشتر سخن می گوید، یعنی در یک جهت افزایش می یابد، که حاصل ضرب باندازه عددی که در آن ضرب می شود بیشتر می گردد. برای مثال عدد هفت از جمع شدن دو عدد سه و چهار تشکیل شده است. و دوازده حاصل ضرب همان دو عدد است. در "هفت" همان تکامل را داریم که آسمان و زمین را شامل می شود. و می توانیم از آن بعنوان خدا و خلقت او نام ببریم، در حالیکه در عدد "دوازده" بنیان همیشگی دروازه های اورشلیم آسمانی را مشاهده می نمایم، و عدد "چهار" را داریم که شماره زمینی و ضعف انسانی است که با قدرت الهی افزایش یافت.

تقسیم بر خلاف ضرب بوده، و نام آن اشاره بر جدایی می کند. و افسوس که می دانیم این حس نیکویی نیست، ولی با این وجود جنبه خوبی نیز در آن وجود دارد. خداوند ارث را مابین فرزندان خود تقسیم نموده است، عبارت "رودهای آب" در مزمور ۱: ۳ کلمه ای هست که از ریشه "تقسیم کردن" مشتق شده است. نیروی تازه مانند آب در مسیری جاری می شود که موانع از سر راه آن برداشته شده باشند.

بدین ترتیب کلام خدا که "سریع و با قدرت، و برنده تر از شمشیر دو لبه که تا مرز روح و جان و مفصل و مغز استخوان پیش رفته ..."، و مسیری برای نیرو بخشیدن به درونی ترین نقطه وجود انسانی باز می نماید. اعداد اعشاری نوعی تقسیم می باشند. آنها ارتباط دو عدد را نسبت به همدیگر تعریف می کنند، بنابراین یک شکل (یک تکه نقره) برابر است با بیست گراه، که نصف آن بعنوان فدیة برای خدا تقدیم می شد. (خروج ۳۰: ۱۳).

این موضوع توجه ما را به تناسب رستگاری با مسئولیت کامل از طرف خدا و از طرف انسان جلب می نماید. واحد اندازه گیری مواد خشک و مایعات ایفه بود، و حומר واحد بالاتر ده برابر ایفه مقدار غذای یک نفر به حساب می آمد (خروج ۱۶: ۱۶-۳۶). در مقررات هدیه آردی که با قربانی سوختنی همراه بود با اندازه حیوانی که قربانی می شد هماهنگی داشت. بدین ترتیب برای یک بره، یک دهم آرد هدیه داده می شد که برابر بود با یک حומר و همین طور برای قوچ دو دهم یا یک پنجم، و گاو نر سه دهم، و "سه پیمانۀ هدیه آردی" که اشاره کامل بودن مسیح را دارد.

اعداد اعشاری ۱/۲، ۱/۳، ۱/۴، را در ارتباط با هدایای نوشیدنی در فصول ۲۸ و ۲۹ اعداد می بینیم. مقدار اینها هر دو با اندازه قربانی سوختنی تناسب داشت، "یک چهارم" کوچکترین شماره هاست، که می تواند کنایه از تصور ضعیف دنیای خاکی از مسیح باشد، "یک سوم" زمانیکه کامل می گردد معنی پری را می رساند. در عین حال "نصف" ما را بیاد نصف دیگر می اندازد، همانطور که ملکه صبا در مورد شکوه دربار سلیمان گفته بود که هنوز نصف آن را به او نشان نداده بودند، بنابراین ما نیز هر گز آن نیمه دیگر جلال خداوند عیسی مسیح را ندیده ایم.

۴. کار مربوط به کتاب مخصوص مطالعات علمی

متأسفانه اکثر کتابهای مخصوص مطالعات علمی کتاب مقدس، همان مطالب فصلهای مختلف را تکرار نموده و چندان با موضوع ارتباط پیدا نمی کنند و لذا برای روشن نمودن متن آیات مقدس نمی توانند کمک موثر نمایند. با این وجود این مطلب نباید ما را برای مطالعات بیشتر کتاب مقدس و استفاده از این نوع مرجع ها دلسرد نماید. همانطور که قبلاً یادآوری شد هر خواننده ای برای پیشبرد سطح معلومات خود باید کتابهایی بعنوان مرجع داشته باشد. و هم چنین بسیار مفید خواهد بود.

زمانیکه عهد عتیق را مطالعه می نماییم به عهد جدید نیز مراجعه نماییم، و بر عکس هر موقع که عهد جدید را می خوانیم برای روشن شدن مطلب و دانستن نقل و قولها به عهد عتیق رجوع نماییم. تعدادی از کتاب مقدس ها در حاشیه های خود عبارت های عهد عتیق را در عهد جدید بیان می دارند و اینها را می شود به آسانی در جایی ثبت نموده و یا اینکه آنها را علامت گذاری کرد. رجوع کردن به منابع مختلف زمان بر خواهد بود، بنابراین این کار را نباید کور کورانه انجام داد، بلکه باید خود را عادت دهیم در مطالعات روزانه به تعداد اندکی رجوع نموده، و در اندک زمانی ابزاری خوب در این جهت بدست آوریم.

۵. حفظ نمودن لیست کتاب های مختلف کتاب مقدس

شاید مناسب نباشد اگر بگوییم حفظ نمودن کتاب های عهد عتیق و عهد جدید به ترتیبی که نوشته شده اند ضروری باشد. جایگاه آنها باید برای ما بسیار آشنا بوده و تا زمانیکه مورد استفاده قرار می گیرند هیچ مشکلی برای پیدا کردن کتاب پیامبران کوچک، استر، و رساله یهودا و غیره و یا هر کتابی دیگر نداشته باشیم. دانستن اهمیت و همچنین اطلاع داشتن از کوچکی و بزرگی هر کدام ضروری به نظر می رسد. بدین ترتیب دانستن تعداد فصول حجای، عوبدیا، عاموس، میکا، اطلاعات مختصری نیز در محل قرار داشتن آنها به ما خواهد داد.

بیشتر این جزئیات را باید برای بچه ها در خانه ها به آنان یاد داد. و همانطور که آنها تعداد کتاب ها را از حفظ می خوانند، ما نیز آنها را بیاد آورده و حتی از تعداد فصل ها آگاه باشیم، و در رقابت های خواندن و پیدا کردن فصل های متفاوت دوستانه شرکت کرده و از این طریق نام اکثر این کتاب ها را از حفظ یاد بگیریم.

در باره بچه ها که صحبت می شود، ما می توانیم با عرضه کردن خوب کلام خدا آن را کتابی آشنا و همراه با احترام به آنها بشناسانیم که در اوقات استراحت و برای تعلیم مورد استفاده قرار بگیرد. ذکر بعضی صحنه های معروف بدون آوردن نام محل ها و یادآوری عبارت هایی مانند "خدا نور است" و سؤال نمودن بعضی شخصیت های کتاب مقدس همه می توانند مفید واقع شوند. بدین وسیله کتاب های تشکیل دهنده کتاب مقدس برای جوانها مطالب آشنا خواهند بود، و خداوند می تواند از این چیزها در مرحله بعدی استفاده نماید. از این طریق جزئیات متعددی از کلام خدا را می شود تعلیم داد.

ما تصریح می کنیم که کلام ارزشمند خدا برای انسان های سخت کوش همیشه باز خواهد ماند. " در هر زحمتی سودی قرار گرفته" و کشاورز پر تلاش همیشه محصول بیشتر درو می کند، بنابراین اگر چه تحصیلات کم داشته باشیم و یا زمان اندک برای این کار اختصاص دهیم و یا هر دلیل باز دارنده دیگر نباید از وارد شدن در این کار متبارک خودداری نماییم. پاداش عظیم است. فقط باید فعالیت های خودمان را به مسیرهای صحیح سوق داده تا مطمئن ترین و سریع ترین نتایج را بدست آوریم.

همانطور که غذای خردسالان و سالخوردگان باید موادی ساده و زودهضم باشند، در حوزه روحانی نیز چنین باید باشد. خدا را شکر که شیر و عسل در سر زمین او به وفور یافت می شوند و می توانیم غذای خود را بدون کمبود و تحت نظر خداوند که بطور مستمر و پر از محبت نظاره گر ما است مصرف نماییم.

بخش دوم: سیستم عملی و برنامه زمانی

شاید انتظار شما این است که بعد از دیدن چنین عنوانی با مسائلی روبه رو شوید که بارها به شیوه های مختلف درباره شان بحث شده است. اما لازم است که به گونه ای دیگر به این مسأله بنگریم. ممکن است مسائلی که مطرح می شوند پاسخگوی تمام نیازهای خوانندگان ما نباشند به همین خاطر امیدواریم که پوزش ما را برای این قصور بپذیرید. ولی بدون شک افراد زیادی هستند که فراتر از پیشنهادهای ما عمل کرده و بسیار موفق تر هستند. اشخاصی که از هر لحاظ مجهز می باشند در انتهای لیست انتقادی ما قرار می گیرند و قطعاً ایشان نیز اعمال خود را با پیشنهادات ما مقایسه خواهند نمود.

اگر ما بخواهیم کاری به جز فعالیتهای روزانه خود انجام دهیم بایستی زمان را در نظر گرفته و برخی نکات را رعایت کنیم. فردی که روزانه هشت الی ده ساعت کار کرده و تقریباً دو ساعت را نیز صرف رفت و آمد می کند بالطبع وقت آزاد کمی خواهد داشت. از طرفی کار های خانه و تمرینهای ورزشی و جلسات و ملاقاتهایی که هر کس در طول هفته با آنها روبه رو می گردد زمان را به مراتب بیشتر محدود می سازد. بدن انسان برای اینکه توانایی لازم برای کار کردن را داشته باشد بایستی هفت الی هشت ساعت در شبانه روز بخوابد. شاید بهتر باشد که هر کس لیستی از فعالیتهای خود را در طول شبانه روز تهیه نماید. چنین لیستی می تواند طبق الگوی زیر باشد:

کار، ۹ ساعت

ایاب و ذهاب، ۲ ساعت

صبحانه و عصرانه، ۱,۵ ساعت

ناهار، ۱ ساعت

خواب، ۸ ساعت

با این اوصاف ۲ ساعت زمان برای انجام کارهای مختلفی از قبیل آرایش کردن، مطالعه، دیدار و بازدید، برگزاری جلسات و ملاقات ها در طول هفته باقی می ماند. از نظر ما اجباری نیست که تمام این وقت صرف مطالعه کتاب مقدس شود. مطمئناً درصد زیادی از مردم اگر با این خواسته روبه رو شوند خواهند گفت: "اصلاً متوجه هستید چه می گوئید؟ فکر می کنید ما وقت انجام چنین کارهایی را داریم؟ خواست شما کاملاً غیر ممکن است."

حالا بیشتر با حقایق زندگی خود آشنا شده ایم، در واقع زندگی اکثر ما به هم شباهت دارند. نکته اینجاست که آیا صرف کردن نیم ساعت برای خدا نیاز به تقلائی زیادی دارد؟ اگر اینطور است پانزده دقیقه چطور است؟ اگر این مدت زمان هم زیاد است مطمئناً پنج دقیقه از ۲۴ ساعت را می توانید برای خداوند صرف کنید.

البته برای انجام اینکار بایستی اشتیاق، اراده و هدف داشت. اگر ما زمانی را که صرف خواندن روزنامه و سایر چیزها می کنیم جمع نماییم می بینیم که خیلی بیشتر از پنج یا پانزده دقیقه وقت خالی داریم. به یاد داشته باشید که باید زمان استراحت را حفظ نموده و حتی الامکان در صبح مطالعه کرد. فرض کنید که شما بایستی خانه را رأس ساعت هفت و نیم ترک کنید در نتیجه ساعت ۷ باید صبحانه بخورید؛ آیا نمی توانید ۱۵ دقیقه قبل از آن به انجام اینکار پردازید؟

اگر از طریق قطار یا سایر وسایل نقلیه به سر کار می روید در اینصورت زمان صرف شده برای نشستن می تواند برای مطالعه کتاب مقدس مناسب باشد. یا حتی وقتی که در صبح مشغول شستن دست و صورت و مرتب کردن خود هستید می توانید آیات کتاب مقدس را مطالعه کنید. ما باید یاد بگیریم که بر روی زانوهای خود بنویسیم و عادت کنیم که همه چیز را در دفتر خود یادداشت نماییم. نوشتن مطالب می تواند در حفظ کردن آنها به ما کمک کند. اگر ما شروع به مطالعه کتاب مقدس در زمان رفت و آمد و سایر وقتیهای مرده خود بکنیم کم کم یاد می گیریم که چگونه برنامه های هفتگی برای خود تنظیم کرده و از زمان خود چطور استفاده کنیم. ما چهار مدل زمانی را پیشنهاد می کنیم که در چهار زمان متفاوت برنامه ریزی شده اند: ۱۵ دقیقه، نیم ساعت، یک ساعت و دو ساعت.

برنامه ۱۵ دقیقه ای

ما علاوه بر خواندن روزانه کتاب مقدس و حفظ کردن کلام، شش روش دیگر برای مطالعه کتاب مقدس ارائه کرده ایم. ولی برای برنامه کوتاهی چون برنامه ۱۵ دقیقه ای تمرکز بر هر شش روش کار درستی به نظر نمی رسد. بهتر است هر ماه که پیشرفتی در یکی از این روش ها حاصل شد به سراغ روش دیگر برویم.

پیشنهاد ما این است که این زمان ۱۵ دقیقه ای را به دو بخش ۱۰ و ۵ دقیقه تقسیم کنید. اما باید به کسانی که تازه شروع به مطالعه کتاب مقدس می نمایند بگوییم که بایستی زیربنای اطلاعات خود را چنان بنا کنند که در آینده بتوانند خیلی راحت مطالب جدیدی را که فرا می گیرند بر آن اضافه نمایند؛ یکی از این روش ها مطالعه بخش به بخش کتاب مقدس است که شخص به طور مرتب به مطالعه بخشهایی از کلام می پردازد. در نتیجه ده دقیقه اول را به مطالعه بخش به بخش کتاب مقدس و تمام قسمتهایی که در پایین هر باب از کتاب مقدس پیشنهاد شده اند می پردازیم. پنج دقیقه بعدی می تواند برای مطالعه موضوعی کلام اختصاص داده شود. می توانید این روش را به مدت یک ماه ادامه دهید سپس برای ماه آینده به جای مطالعه موضوعی کتاب مقدس به تجزیه و تحلیل مباحثی که خوانده اید پردازید اما همچنان توجه خود را بر مطالعه بخش به بخش کلام حفظ نمایید.

یک سال این شیوه را ادامه داده و یک ماه در میان به تجزیه و تحلیل مباحثی که در ماه قبل خوانده اید پردازید. اگر احساس کردید که درک بخشی از کلام آسان تر است ترجیحاً مطالعه آن را به زمانی موکول کنید که برایتان غیر معمول است و در عوض خواندن مطالب ثقیل را به اوقات معمول تری بسپارید. برای مطالعه زندگی نامه ها زمان خاصی را در نظر بگیرید در این روزها می توانید کل پانزده دقیقه یا بیشتر را به خواندن زندگی شخصیت های برجسته سپری کنید اول از شخصیت های عهد جدید شروع کرده و سپس سراغ عهد عتیق بروید.

برنامه نیم ساعته

باز هم فرض می کنیم که افراد مورد نظر ما تازه شروع به خواندن کلام کرده اند. به همین خاطر تأکید ما بر مطالعه بخش به بخش کتاب مقدس است. می توان پانزده دقیقه را صرف این نوع مطالعه کرد تا اینکه به خوبی مفهوم آن را درک کنید. کسی که کلام را مطالعه می کند باید ویژه گی های کلیسای خود را با ویژه گی هایی که در کتاب مقدس خوانده است مقایسه کند تا بداند که تا چه اندازه ای ویژه گی هایی از قبیل برکات، عطایا و

مسئولیت‌های آن دو مشابه هستند. پانزده دقیقه باقیمانده را نیز می‌توان برای تجزیه و تحلیل مطالب خوانده شده (ده دقیقه) و مطالعه موضوعی کتاب مقدس (پنج دقیقه) صرف کرد. می‌توان ترتیب این نوع مطالعه را هر ماه تغییر داد و هر شش ماه یکبار می‌توانید به جای مطالعه موضوعی کتاب مقدس به مطالعه معمولی کلام بپردازید. در اینجا هم بد نیست که برنامه‌ای هفتگی حتی الامکان به مدت سی دقیقه را برای مطالعه زندگی‌نامه اختصاص دهید.

برنامه یک ساعته

ممکن است فکر کنید که با وجود زمان بیشتر می‌توان مطالب مختلفی را با همدیگر مورد مطالعه قرار داد ولی این کار به هیچ وجه به شما کمک نخواهد کرد. باز هم پیشنهاد می‌شود که بیست دقیقه برای مطالعه بخش به بخش، دو وقت پانزده دقیقه برای تجزیه و تحلیل مطالعه موضوعی و مطالعات معمولی، ده دقیقه نیز برای مطالعه روزانه خود در نظر بگیرید. اگر بتوانید تمام این یک ساعت را برای مطالعه کلام بپردازید می‌توانید بنا به اقتضای خودتان به این برنامه افزوده یا آن را تغییر دهید ولی ما چیزی فراتر از اینها پیشنهاد نمی‌کنیم.

بعنوان مثال وقتی خواستید به تحلیل مطالبی که در طی چند روز در مطالعه بخش به بخش انجام داده‌اید بپردازید می‌توانید بیست دقیقه را برای این کار صرف کنید چرا که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطمئناً بیست دقیقه چندان زمان زیادی هم نیست چرا که خیلی راحت می‌توان برای هر کدام از مطالعات بخش به بخش و مطالعه موضوعی و معمولی ده دقیقه صرف کرد و ده دقیقه را نیز برای مطالعه روزانه اختصاص داد.

برنامه دو ساعته

اشخاصی که می‌توانند زمان بیشتری را صرف مطالعه کلام کنند اغلب آن را به دو قسمت تقسیم می‌نمایند. در صورتی که برنامه‌ای بدون برای مطالعه کلام ندارید بهتر است این کار را انجام دهید چرا که ادامه دادن یک کار برای مدت طولانی بدون داشتن برنامه خاص بسیار مشکل است. ما نیز این برنامه را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم.

یک ساعت اول را به صحیح اختصاص می‌دهیم به این صورت که: ده دقیقه برای مطالعه روزانه، ده دقیقه برای حفظ کردن، بیست دقیقه برای مطالعه بخش به بخش (اشخاصی که تازه شروع کرده‌اند) و در آخر هم بیست دقیقه برای تجزیه و تحلیل مطالب وقت می‌گذریم.

ساعت دوم متعلق به بعد از ظهر است. بیست دقیقه برای مطالعه موضوعی، ده دقیقه برای مطالعه بخش به بخش، پانزده دقیقه برای مطالعه معمولی و پانزده دقیقه نیز برای تجزیه و تحلیل مطالب در نظر می‌گیریم.

بعد از گذشت شش ماه می‌توان برنامه را به نوعی تغییر داد. پس از اینکه مجموعه‌ای از مطالب بنیادی کتاب مقدس مورد مطالعه قرار گرفت می‌توان سراغ "زندگی نامه" ها رفت و این قسمت با مطالعه موضوعی کلام جا به جا شود. اما ما قویاً پیشنهاد می‌کنیم که تحلیل مطالب خوانده شده را تا آخر ادامه دهید به طوری که بتوانید حقایق کلام را برای خود تفهیم کرده و بطور کامل با شخصیت‌ها و ویژه‌گی‌های مختلف کتاب مقدسی آشنا شوید. این کار باید طوری انجام گیرد که قادر باشید بخش‌های مختلف کلام را بر اساس موضوعی که دارند طبقه بندی نمایید. همچنین باید اشاره کرد که مطالعه معمولی و تحلیل مطالب کلام به قوت خود باقیست و نباید از مطالعه کلام ارزشمند خداوند احساس خستگی نمود.

شاید بیان چند توصیه خالی از لطف نباشد. اول از همه باید اهمیت لحظات زندگی خود را دانست. همانطور که جهان ماده از اتم ساخته شده است زندگی ما را نیز لحظه‌ها تشکیل می‌دهند. تمامی فرآیندهای حیاتی بشر در مقیاس میکرو ثانیه به وقوع می‌پیوندند. به همین خاطر باید مراقب باشیم که از این لحظه‌ها به خوبی استفاده کنیم. کسی در این برنامه‌ها موفق است که در پایان ماه کاملاً به روند آنها عادت کند.

ساعتی در مقابل خود گذاشته و بی توجه به آنکه چقدر مطلب مورد مطالعه تان جالب است به خواندن آن ادامه دهید تا اینکه ساعت مقرر به پایان برسد و سپس سراغ برنامه بعدی بروید. البته اگر کسی زمان بیشتری داشته باشد می‌تواند دوباره به مطلب دلخواه خود بازگشته و آنرا مطالعه کند مثلاً برای برنامه پانزده دقیقه‌ای، پنج یا ده دقیقه را به طور قطع برای مطالعه مطلبی اختصاص دهید که در برنامه است. چنین سیستمی که شما را به طور مرتب به انجام کاری وا می‌دارد تأثیر بسزایی در بهبود عملکرد مغزی داشته و کارایی آن را بهبود می‌بخشد.

بعد از پایان دوران تحصیل اغلب افراد کمتر در شرایطی قرار می‌گیرند که مغزشان به چالش کشیده شود و کم کم مغز در مسیر تنزل گام بر میدارد. به همین خاطر هیچ چیز به طور واقعی به تکامل نمی‌رسد. ما معتقدیم که اگر یک عادت بر اساس برنامه‌ای از قبل تعیین شده قسمتی از زمان ما را به خود مشغول سازد کم این عادت ما را به خود جذب کرده و بیشتر و بیشتر در آن پیشرفت خواهیم کرد. بدون شک ممکن است بعدها خواهیم به مدت زمان برنامه خود بیفزاییم و عجیب نیست که زمان ۱۵ دقیقه‌ای ما تبدیل به سی دقیقه شود، اما باز هم تکرار می‌کنیم که بایستی برنامه خود را طبق برنامه ریزی انجام شده ادامه داده و اگر هم می

خواهید مدت آن را بیفزایید باید در قالبی دیگر این کار را انجام دهید. حتی اگر این کار بی معنی بوده و پیشرفت آن چندان به چشم نیاید ولی بدون شک موثر است.

دفتر یادداشتی تهیه کرده و برنامه خود را در آن یادداشت کنید درست مانند اینکه دفتر خاطرات خود را می نویسید. نباید این دفتر را صرفاً یک دفتر معمولی و مجموعه ای از خطوط پنداشت بلکه به یاد داشته باشید که اهمیت آن بسیار زیاد است. از واژه (سیستم) هراس نداشته باشید. تمام خلقت خداوند بر پایه نظام و سیستم پیچیده ای است. هر روز و هر سال به بخش های مختلفی تقسیم شده است. فکر کنید که چه اتفاقی می افتاد اگر کارهای خداوند مانند اکثر کارهای ما تصادفی و بی برنامه می بودند. فکر نکنید که بی خیالی و بی دقتی نشانه ای از روحانیت است.

کسی می تواند روحانی باشد که وقت خالی خود را با یک برنامه خاص و نظام معینی پر کرده باشد. برنامه ریزی خود، محرکی است در تقویت فعالیت های روحانی ما. ما انسانها همواره به سمت بی نظمی و تشویش حرکت می کنیم و حتی در مطالعه کتاب مقدس نیز دوست داریم تا بر اساس طبیعت بی نظم خود عمل کنیم اما این روش ما را به هدف اصلی که درک عمق معنای کلام و یادگیری جزئیات آن است نمی رساند. پس به خود اجازه دهید تا بر اساس یک نظام خاص رفتار کنید و این فکر را از خود دور سازید که "اگر من بر طبق یک دستورالعمل خاص و منظم رفتار کنم دیگر روحانیت خود را از دست داده ام."

تا کنون تأکید ما بیشتر بر مطالعه خود کتاب مقدس بود اما باید بدانید که کتاب های مفید زیادی وجود دارند که می توانند در این امر یاری رسان باشند. مطالب خود کتاب مقدس ما را ترغیب می کنند تا به تحقیق و پژوهش درباره آنها پردازیم. برگزیدگان خداوند از خیلی جهات به گوسفندان شباهت دارند. گوسفندان مقلدان بسیار خوبی هستند و اگر یکی از گوسفندان دست به کاری بزند بقیه گوسفندان نیز از او پیروی خواهند کرد. ما نیز همواره در خطر پیروی بدون چون و چرا از تعالیم و عقایدی هستیم که امروزه در میان مسیحیان رایج شده اند مثلاً تنها زمانی یک شخص مسیحی می شود که اعتقادنامه مسیحی را قبول کند. به همین دلیل ما از خواندن کتاب های زیادی که می توانند چیزی به ما یاد بدهند سرباز می زنیم. بدون شک داشتن کتاب های راهنما می توانند ما را در یادگیری حقایق کلام یاری رسانند اما به یاد داشته باشید که بهترین مرجع و کتاب برای ما همان کتاب مقدس است.

هیچ کاری به اندازه مطالعه شخصی کتاب مقدس نمی تواند همکاری بین ایمانداران را بیفزاید. وقتی که با همدیگر ملاقات می کنیم آنچه را که از کلام یاد گرفته ایم با همدیگر در میان گذاشته و به یکدیگر کمک می کنیم. این کار همچنین سبب می شود که از خدمت خود لذت ببریم. ادامه مطالعه کلام به ما این توانایی را می دهد تا درباره آنچه می خوانیم یا می شنویم نظر داده و بر درستی آنها قضاوت کنیم.

در نتیجه بیایید تا در اصل کلام تفکر کرده و درباره آن پژوهش کنیم و اصلاً مهم نیست که دانش آموز کانون کلیسا باشیم یا اینکه ایماندار چند ساله که ارتباط نزدیکی با خداوند دارد؛ همه ما نیاز داریم که حقایق تازه کتاب مقدس را بیاموزیم. روی سخنم بیشتر با جوانانی است که از انرژی جوانی برخوردار بوده و می توانند اهمیت مطالعه مداوم کلام خداوند را درک کرده و آن را انجام دهند.

در ادامه باید هشدار دهیم که نباید در انجام این کار زیاده روی کرد. خطر تک قطبی شدن همواره ما را تهدید می کند. شاید بر هر کدام از ما حقایقی روشن شده باشند که نسبت به حقایق دیگران لذت بخش تر به نظر برسند. می توانید نمونه اینها را در خدماتی که عموم در انجام آنها شرکت می کنند ببینید. خادمین خداوند مانند تمام مسیحیان یک چنین تفکرات و اندیشه های مطلوبی را دارا هستند و علی الرغم اینکه این اندیشه ها می توانند در نقش حفاظت از ایشان عمل کنند همچنان قادر هستند که موجبات تکرر خویش را فراهم سازند.

در نتیجه این یکسویی تفکر سبب می شود که تمام وقایع ، آیات ، اعداد و کلماتی که در کتاب مقدس هستند گواهی بر درستی این طرز تفکر تلقی شوند و از حقیقت اصلی خود دور گردند. همانطور که بیان شد لذت بخش ترین کار مطالعه کلام و در میان گذاشتن حقایق آن با دیگران است ولی نباید در این کار زیاده روی کرد بطوری که در نظر دیگران تبدیل به برادری شوید که مدام در حال صحبت کردن است.

همچنین ممکن است عده ای افکار خود را تنها به پیشگویی های انجام شده در کتاب مقدس و جزئیات آن معطوف کنند و موضوعات بسیار مهمتر از آن را به کلی فراموش کنند. عده ای نیز تنها به موعظه کردن و بررسی نقل قول ها و روایات مربوط به عهد جدید و قدیم بپردازند ؛ بعضی نیز رسالات را بسیار پر اهمیت قلمداد کرده بطوری که انجیل برایشان بدون حضور رسالات بی معنی می نماید. بعضاً دیده می شود که افراد گفتار خود را مملو از روایات و تفاسیر کرده در حالی که عده ای نیز به هیچ عنوان از این عبارات استفاده نمی کنند.

باید مراقب باشیم که به هیچ کدام از این حدود کشیده نشویم. باشد که علم ما از کلام خداوند کاملاً یکنواخت باشد تا اینکه " به دولتِ یقینِ فهمِ تمام و به معرفتِ سرّ خدا " برسیم. باز هم تأکید ما بر مطالعه کتاب مقدس بوده بطوری که هیچ خط و مشی منحصر به فردی را پیش فرض خود قرار ندهیم. بایستی مراقب باشیم که از موضوع مورد مطالعه خود منحرف نشویم.

بہتر است کہ در دفتر خود مطالبی را کہ بایستی در روزهای بعد دنبال کنیم بنویسیم تا سیر مطالعه ما از مسیر خود منحرف نگردد. اما در صورتی کہ از این موضوع به موضوع دیگر رفتہ وانسجام مطالعاتی خود را از دست دہیم بہ مانند کودکی رفتار کردہ ایم کہ وقتی کاری را بہ او می سپارند در راه انجام آن بہ موجب دیدن یک پروانہ و دنبال کردنش مسیر واقعی خود را گم می کند.

ما دربارہ یکی از مهمترین مسائل در مورد کتاب مقدس ہشدارهای لازم را دادیم. ولی اکنون نکتہ ای را برای جوانانی مطرح می کنم کہ ہر روز حقایق تازہ ای را از کلام دریافت می کنند. ہر چند کہ بسیار جای خوشحالی است کہ جوانان حقایق کلام زندہ خداوند را خواندہ و آنها را درک می کنند ولی بایستی ہموارہ درستی ادراک آنها را بر اساس کتاب مقدس بسنجیم. هیچ چیز مذموم تر از این نیست کہ یکی از برادران جوان ما مطلبی را ناشیانہ و نا معقول تفسیر کند. این برنامه مطالعاتی می تواند از وقوع این اتفاق جلوگیری کند بہ خصوص اگر از نتیجہ گیری سریع اجتناب نمودہ و ہشدارهایی را کہ بواسطہ ایمانمان نشان دادہ می شوند جدی بگیریم. اگر مطالعه کتاب مقدس را در زندگی خود برجستہ ساختہ و زمان مطالعه آن را در اوایل روز انتخاب کنیم آنگاہ خواهیم دید کہ آنچه در مقابل ماست یعنی کلام خداوند در طول روز برایمان اتفاق افتادہ و با اندیشیدن دربارہ حقایق آن نہایتاً نتایجی را در دفتر خود ثبت خواهیم کرد کہ نشأت گرفته از مطالعه کلام خداوند و تفکر و تجربہ آن است.

بعضی از کارها هستند کہ شاید شباهت زیادی بہ فعالیت ما داشتہ باشند و بہ عنوان غذای روح از آنها یاد شود ولی حقیقت این است کہ بسیاری از آنها فقط بہ ما ضرر می رسانند. ہدف ما مخالفت با مطالعه روزنامہ یا کتابهای ادبی و امثال آن نیست بلکہ حرف ما این است کہ چقدر از زمان با ارزش خود را صرف آنها می کنید و چگونه این ابزارها سبب شدہ اند تا از مطالعه کلام ارزشمند خداوند بی بہرہ بمانید؟

هشدار ما به خصوص متوجه جوانان است که اکنون در حال شکل دهی عادات زندگیشان هستند. لازم نیست که دقیقاً نوع این کارها را متذکر شویم بلکه وجدان انسان و تجربه های او نشان می دهد که چه چیزهایی با زندگی طبیعی وی معارض هستند. امروزه ما در جامعه ای زندگی می کنیم که همه چیز را سطحی می نگرند. به نظر من حتی در چیزهای مادی و دنیوی نیز بینشی نهفته است.

امروزه یک عادت کوچک می تواند جای تمام عاداتی خوب را در زندگی ما بگیرد. بسیاری تا به حال کتابی را که نیاز به تفکر داشته باشد حتی لمس نکرده اند و بیشتر به دنبال کتابهای افسانه ای و شخصیت های نابود گر و خشونت آمیز هستند و از تعقل درباره امور پرهیز می کنند. چقدر علاقه به خوش گذرانی و گرویدن به پوچ گرایی همچون روباهانی کوچک توانسته اند تاکنون زندگی ما را نابود سازند! باشد که خداوند همه ما را به سوی زندگی ایی با نظام و قاعده معین و اندیشه و هوشیاری سوق دهد: " در این امور تأمل نما و در اینها راسخ باش تا ترقی تو بر همه ظاهر شود."

عبارت " در اینها راسخ باش " به این معنی است که در انجام این کارها اهتمام بورز و خود را مجذوب، مغروق و مشغول انجام آنها بکن. همین عبارت توسط خداوند ما در سن دوازده سالگی به کار گرفته شد. " از بهر چه مرا طلب می کردید؟" او گفت: " مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟" واقعاً چه شخصیت صادق و عجیبی داشت! ولی با تمام این ویژه گی ها او یک مأموریت را دنبال می کرد. " چنانکه پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر، زنده هستم " البته به پدر زنده هستم در زبان امروز معادلش این است که به خاطر پدر زنده ام.

این بدان معنی است که به خاطر خداوند وجود خود را از حضور او پر کرده است. خداوند مرکز زندگی مسیح بود. هیچ دلیل دیگری جز خداوند برای حیات او بر زمین وجود نداشت. "خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم" پس بیایید همگی هدف مشترکی را دنبال کنیم. دعای ما این است که این کلام در زندگی افراد زیادی تأثیرگذار باشد.

بخش سوم ، مسئولیتهای عمومی

۱. دعا در ارتباط با مطالعه کتاب مقدس

اینک می خواهیم قدری بیشتر در جزئیات دعا خواندن بررسی کرده باشیم، اگر چه این موضوع را قبلاً پیش روی خود داشته ایم. شاید هم بعضی از خوانندگان ما چنین فکر کرده باشند که ما بیش از حد تنها به مطالعه تمرکز داشته ایم. در حالیکه هر گز در فکر حذف دعا نبوده ایم، بر عکس همیشه خواسته ایم که راهی برای آن آماده نماییم. در این جا هم می خواهیم گوشزد نماییم که حتی اگر قرار است کلام خدا قراعت شود باید قبل از آن به دعا نشسته باشیم.

ما با دعا تقدیس نمی شویم بلکه با "کلام خدا" این کار انجام می شود. وقتی بخواهیم دعا کردن را جایگزین خدمت نکنیم خطرناک خواهد بود، بر عکس باید وسیله ای باشد تا تفکرات قلبی خود را به خداوند انتقال دهیم. بدون شک همیشه این خطر وجود دارد تا شخصی باشیم که در مطالعه کلام خدا فقط به عقل و دانش خود متکی بوده و آن شادابی روح را که در مشارکت با خدا بدست می آید گم نماییم.

در حال حاضر بصورت کلی در مورد دعاها، التماس ها و خواستههای خود که در پرستش روزانه به آن نیاز داریم صحبت می کنیم. ما همیشه باید در حال پرستش، التماس، و شفاعت باشیم. پرستش کننده، به این دلیل که پری فیضی که به ما نشان داده شده و نگاه احترام آمیز خود را به کار خداوند متبارک دوباره در فکرمان جای دهیم، التماس کننده، بدین جهت که ما در دنیایی زندگی می کنیم پر از مشکلات و به هر سو که نگاه می کنیم نیازهای خود را مشاهده می نماییم، شفاعت کننده، به این دلیل که کسان زیادی داریم که برای ما گرامی هستند از جمله خانواده، دوستان و نزدیکان و می دانیم چقدر نیازمند خدای متعال می باشند و همیشه باید برای آنان در حضور او شفاعت کنیم.

علاوه بر این ها احتیاجات فرزندان خدا است که در شعاع های مختلف وجود دارند و ما هر گز نباید از آنها غافل باشیم. خدمت کنندگان خداوند را در محیط خود و در سرتاسر دنیا داریم که برای اعلام خبر خوش انجیل و پخش حقیقت و بنا نمودن مردم تلاش می نمایند. همه این ها ما را وادار می نمایند که در صبحگاهان و شامگاهان و هر وقت دیگر در جلو تخت رحمت خدا بر روی زانوان خود قرار بگیریم.

البته دعایی که می خوانیم باید با هدفمان ارتباط داشته باشد. مطالعه نیز باید دعا گونه انجام پذیرد، و در اینجا نمی توانیم بیش از حد ساده باشیم. هر زمان که کتاب مقدس را برای مطالعه فصلی و یا موضوعی باز می نماییم باید وضعیتی حاکی از عدم شایستگی و نداشتن اعتماد به خود را در درون خود حس کنیم. ضمناً باید به این موضوع نیز واقف باشیم که همیشه میل داریم تا بیشتر از افکار و احساسات خود اطاعت نموده تا اینکه به افکار خداوند اتکا داشته باشیم.

بطور مثال شاید بگوییم: چگونه می توانیم تمام افکار خود را برای موضوعی پنج دقیقه متمرکز نماییم، به چه طریقی از خداوند درخواست کنیم آنچه در پیش روی داریم برای ما آشکار کند؟ شاید مطلب در ابتدا قدری غیر قابل باور به نظر رسد. آیا نمی شود این را به او اعتراف کرده و درخواست کمک نماییم؟ ممکن است نکاتی چند در همان زمان شروع، برای ما سؤال انگیز باشند. بیایید تا از مسیح درخواست نماییم تا آنها را برای ما آشکار نماید. در طول مدتی که در دعا نشسته ایم، بگذارید دعا آمیخته با مطالعات ما باشد. از اینکه ببینیم چگونه به ساده ترین درخواست های ما پاسخ مثبت داده شده، بسیار خوشحال و بعضی مواقع گیج خواهیم بود.

البته ما نباید همیشه انتظار داشته باشیم که جواب دعایمان را فوری دریافت کنیم. اگر چنین توقعی داشته باشیم به تدریج بی احتیاط شده و آن حس حرمت و تکریم را از دست خواهیم داد. بدون شک لحظاتی خواهند آمد که حس در ما پدیدار خواهد شد، اما بیائید روحیه خود را نبازیم، فقط به دعا ادامه داده و همیشه شکرگزار باشیم. این عمل باعث خواهد شد که ما کتاب مقدس را با استفاده از روش سنتی و با تکیه بر عقل خویش مطالعه نماییم. دعا های ما نیز بسیار هدفمند و مستقیم خواهند بود، و خواسته های ما بر آورد شده و نیازهای مان بیش از انتظار بر طرف خواهند شد. در ارتباط با موضوع کلی دعا ما تفکر جدیدی هم به آن اضافه خواهیم کرد. بیائید آن حس را که بطور دایم در فکر مان داریم تا در حضور خدا باشیم را از دست ندهیم، و فراموش نکنیم در زمینی مقدس ایستاده ایم. و این ما را انسانی با حرمت خواهد ساخت، و دیگر در هیچ شرایطی حس شادمانی و لذت خود را از دست نخواهیم داد. اگر فقط فکر طبیعی انسان در امور الهیاتی سیر می کرد، و با بررسی و تفتیش در باره موضوعات مختلف کتاب مقدس بدون اینکه کوچکترین استفاده شخصی از آنها می برد، در این حالت شخص طوری پیشرفت می نمود که نسبت به حقایق عادت پیدا کرده، و عمیق ترین و شگفت انگیز ترین چیزها جذابیت خود را از دست می دادند، اما زمانی که روح در گیر مسائل است، و جاییکه روح القدس که الهام بخش همه است و موضوع را برای ما باز می نماید این حس شگفتی دیگر جایی نخواهد داشت. بیائید از خودمان به پرسیم آیا سادگی فیض الهی برای ما لذت بار می آورد؟

۲. مسئولیتهای بیرونی

اغلب می شنویم که گفته می شود، شما یادتان رفته بود که در جلسه شرکت کنید، یا اینکه من کلاس هفتگی روزهای یکشنبه را می گردانم، و یا شخصی ساعتی را در هفته اختصاص داده به چیزی پخش نماید و یا قرار ملاقات با کسی گذاشته باشد و یا فرد دیگری هفته ای یک روز را برای تدریس کتاب مقدس در نظر گرفته است. و یا اینکه کسی باشد که در تابستانها جلسات موعظه را در فضای باز برگزار نماید. آیا می شود همه اینها را نادیده گرفت که شخص برنامه خود را پیش ببرد؟ بطور قطع چنین نیست.

از حضور در جلسات خود داری ننماید اگر چه بعضی ها این کار را انجام می دهند. ما هر گز نباید به خود این اجازه را به دهیم که از حضور در جلسات عادی و روزمره امتناع نماییم. اصولاً انگیزه برای رفتن به این گونه جلسات بسیار کم خواهد بود. اما از طرفی دیگر چند نفر از همین غیبت و یا دیر رسیدن رهبران کلیسا لغزش خورده اند. ما باید به طور یقین اینگونه وظایف را که در ظاهر با اهمیت تلقی نمی شوند به دقت مورد اجرا به گذاریم.

هر کاری آمادگی خاص خود را می طلبد. معلم کلاس یکشنبه ها به خود جرأت نمی دهد بدون هیچگونه آمادگی سر کلاس حاضر گردد. فکر نکنید که بچه های کوچک از این موضوع بی خبر خواهند بود. همانطور که آموزگار به آسانی می تواند تشخیص دهد که شاگرد از آمادگی کامل برخوردار نیست، عکس قضیه نیز صادق می باشد. مقداری برنامه ریزی بدون شک وضعیت را بهتر خواهد نمود. در حقیقت، اگر برنامه ایی تنظیم شده باشد و قدری با مداومت پیگیری شود، در این صورت شخص را قادر خواهد ساخت تا کار دیگر را نیز بطور منظم دنبال نماید.

مطلبی که در کلاس یک شنبه ها تدریس می شود باید بدون وقفه ادامه یابد، ولی در عین حال مدتی کوتاه نیز لازم است برای آشنایی شاگردان به موضوع مورد بحث اختصاص یابد. ما فرض می کنیم که مطلب کاملاً ارائه شده و تقریباً نصف باب نیز در روز اول تدریس شده است. در روزهای بعدی می شود روش اول را ادامه داده و به تدریج کلام را آیه به آیه تجزیه و تحلیل نموده و به کتاب های تفسیر نیز مراجعه کرد.

نمی توانیم انتظار داشته باشیم که تحصیلات ما خوب پیشرفت نماید بدون اینکه نیت انجام آن را داشته باشیم. و ایماندار جوان نیز قبل از اینکه بخواهد چیزی را تدریس نماید، باید دانش کلام حقیقت را تا اندازه ایی دانسته باشد. و در اینجا برای شخص تازه کار مشکل خواهد بود تا از عهده تدریس کلام خدا بر آید. بهترین

روش برای مسیحیان جوان این است که خود یک دوره کلاس کلام خدا را طی نموده و بعد از آن به تدریج شروع به تدریس نمایند.

برای آنانیکه در فضای آزاد و یا اتاق های کوچک می خواهند تدریس کنند همان اصولی را که متذکر شدیم مورد استفاده قرار خواهند داد. مخصوصاً یاد آوری می نمایم هر کس و با هر سطح از معلومات باید قبلاً در باره موضوع، مطالعه و تفکر نموده باشد. در اینجا مسئله روحانی بودن مطرح نیست و عقیده نداریم که در جایی کتاب مقدس چنین آموزه ای داشته باشد که شخص برای تعلیم دادن دیگران، خود هیچ قدمی بر نداشته و در انتظار معجزه به سر برد، و نباید از قول خداوند که در ارتباط با موضوعی جداگانه فرموده: "در همان ساعتی که سؤال کردید به شما داده خواهد شد." مطلب را اشتباه بگیرید.

در اینجا او به شاگردان اطمینان می دهد که هر موقع آنان را به خاطر نام او به حضور پادشاهان و حاکمان بردند هر گز به حال خود رها نخواهند شد. آنها نیازی نداشتند که از پیش بر روی چیزی تفکر نمایند و یا جمله ای را استادانه بیان نمایند. و همچنین برای کسی که به هیچ عنوان نمی داند چه بگوید و یا اینکه شرایطی مهیا شده تا کلام خدا بشارت داده شود. در چنین اوقاتی اکثراً عظیم ترین هدایت ها و آزادی ها و کمک خداوند مشهود گشته است .

اما در اینجا صحبت از چیزهای استثنایی نیست. نباید کارهایی را که توجه مخصوص ما را می طلبند مربوط به امور الهی بدانیم. بجای اینکه در این طرف و آن طرف سرگردان شده و یا بخواهیم بدانیم که دیگران چه می گویند، برای حفظ حرمت خداوند بهتر است در دعا در حضور او باشیم، و دیگر برای ما چندان مهم نخواهد بود تا دنبال مطلبی بگردیم که می خواهیم بیان نمایم، در واقع صحبت از ادای کلمات نیست، همانطور که در همه امور به خداوند اتکا داریم در این جا نیز می توانیم به او متکی باشیم.

ولی پیشنهاد ما برای توجه بیشتر و مطالعه دقیق تر است. در اینجا "مراسم نوشتنی" و مانند اینها نیست، بلکه فقط استفاده از امتیازها و عطایایی که به ما داده شده، و تأکیدی است بر این نقطه که کارهای خداوند هشیاری و احترام خاص خود را طلب می نمایند. ملاکی نبی مردم را برای آوردن حیوانات کور و لنگ بعنوان قربانی به پیشگاه خداوند سرزنش می کند، و به آنان می گوید قربانی ها را به حاکمان خود تقدیم کنند تا ببینند چگونه آنها را می پذیرند.

همین موضوع برای اثبات گفته های ما مثال خوبی خواهد بود. اگر قدری سنجیده و با برنامه عمل نماییم می توانیم کلاس یکشنبه ها را همراه با کارهای روزمره بطور بسیار مفید برگزار کنیم. و در مجموع به یک ساعت وقت بیشتر نیاز نخواهد بود. در هر صورت همه اینها بستگی به زمان و روشی که در مطالعه کتاب مقدس بکار می بریم خواهند داشت.

۳. کار در روزهای تعطیل و یکشنبه ها

ما باید بسیار سپاسگزار باشیم از اینکه در کشورهای زندگی می کنیم که روز خداوند را تعطیل عمومی محسوب کرده و در رابطه با کارهای اداری و سایر امور آزاد هستیم. در حالیکه تحت شریعت سبت (اگر ما نیز تحت آن قانون بودیم می باید شنبه ها را به جای روز اول هفته مراعات می کردیم)، لازم می نماید تا هر کسی در آن روز در استراحت بوده، یعنی یک روز از هفت روز هفته برای همه مورد نیاز است، و برای فرزندان خداوند این روز تعطیلی بسیار با ارزش است که می توانند در جلسات روحانی شرکت نموده و از رنج و عذاب امور دنیا مدتی به دور باشند.

چقدر مشارکت های مقدس و دست آوردهای با ارزش و خاطره های شاد از "روز خداوند" در ذهن ما قرار دارند. اگر چه بطور بسیار وسیع بوسیله پدران ما سوء تعبیر شده، و چیزهایی سخت از سبت یهودیها به آن اضافه گردیده، با این وجود ما اطمینان داریم که حتی همین اوضاع نیز، بسیار بهتر از بی قانونی است که اینک مانند سیل خروشان در حال پیشروی بوده و هر نوع نشانه از حرمت را شسته و با خود می برد.

خدا را شکر می گوئیم که چنین روزی را برای پرستش خود تعیین فرموده است. حتی مقامات روشنفکر جامعه نیز مخالف تبدیل نمودن این روز مقدس به تعطیلی آخر هفته که برای تفریح و سرگرمی از آن استفاده شود هستند.

مقامات مملکتی نیز از این نگران هستند که خدا ترسی دیر و یا زود در بین مردم به پایان خواهد رسید، و این موضوع حتی از نقطه نظر حکومت غیر دینی هم خطرناک به نظر می رسد چون منافع حکومتها در این است که مردم چه بصورت فردی و یا خانواده و یا جامعه با شادی، تعلقات و مسئولیتهای روز اول هفته را گرامی بدارند.

اما نگرانی ما همه از این موضوع نیست؛ بلکه از این می ترسیم که آزاد شدن از بار سنگین شریعت ما را به سمتی سوق دهد که خواهشهای جسم را بر طرف نموده، و این روز با ارزش را در بطالت و یا بدتر از آن بگذرانیم، و برای دنیای پیرامون خود الگویی از بی توجهی و بی تفاوتی باشیم. بدین ترتیب، روز خداوند روز مخصوص لذت و شادی خواهد بود.

کدبانوی هشیار از قبل تدارک های ضروری را خواهد دید، و همه امور لازم را از پیش پای خود برداشته، و سایر اعضای خانواده نیز سعی خواهند کرد هر کدام به نوبه خود کارهای لازم را انجام داده، تا هر کس شاد و سر حال از رختخواب برخاسته و این روز خاص را با لذت و کامیابی بگذراند. شب شنبه را نباید با انواع برنامه ها طوری بگذرانیم که خواب یکشنبه را نیز از ما بر بیاورد، و دلیلی باشد تا نتوانیم روز یکشنبه به موقع از خواب بیدار شویم.

ما را ببخشید از اینکه اینگونه مسائل ساده را بازگو می نمایم، اما بخوبی متقاعد شده ایم که بیشتر خوانندگان با همین موارد ساده وارد مشکلات می شوند. چون همه ما به نوعی تمایل داریم که حق خداوند را در این روز خوب ادا نکنیم و به جای آن این روز مقدس را با دیدارهای فامیلی سپری کنیم.

منظور ما آن عده از کسانی که در طول هفته صبح زود از خواب برخاسته و تا دیر وقت مشغول به کار می شوند نیست، که البته بطور حتم باید در روزهای تعطیلی به استراحت به پردازند. اما با این وجود نباید تعداد بیشمار این عمل را انجام دهند، بدون شک می توان در این روز نیز مانند روزهای هفته زود از خواب برخاست.

دو سؤال جلو روی ما قرار می گیرند. چون در روز خداوند فرصت های خصوصی را داریم و از طرف دیگر امتیازاتی که بطور عمومی برای ما پیش خواهند آمد. اینها نباید با یکدیگر در تضاد باشند، و در عین حال برنامه ها و مقررات را نیز نمی توانیم زیر پا بگذاریم. برای مثال آنهایکه در روز یکشنبه ها کلاس کتاب مقدس دارند و شاید یک مقدار کارهای بشارتی نیز به آنان سپرده شده باشد، در چنین شرایطی مشخص است که روز پر کاری را سپری خواهند نمود و دیگر وقتی باقی نخواهد ماند که به مطالعه اختصاص دهند.

ما نباید هیچ گونه باری بر دوش اینها بگذاریم، تنها پیشنهاد ما برای چنین شاگردان باید این باشد که در طول هفته مطالعه کافی از کتاب مقدس داشته باشند، مسلم است اگر کسی روزی یک تا دو ساعت وقت خود را در مطالعه کلام صرف می نماید در روز خداوند فرصت خوبی خواهد داشت تا در کلیه مراسم پرستش حضوری

فعال داشته باشد. پیشنهاد دیگرمان این است که به جای دست زدن به کاری جدید بهتر است تمام درس های خواننده شده در طول هفته را یکبار مرور نمایند.

قسمتی از آنها را که حفظ نموده اند با هم دوباره به خوانند، به خصوص وقتی که همه اعضای خانواده دور هم جمع شده اند آیه هایی را که یاد گرفته اند با هم حفظ نمایند. دفتر یادداشت هفته پیش را می شود دوباره مرور نمود، و سئوالاتی را که پرسیده شده اند و در آن ثبت گردیده، و یا در حاشیه کتاب مقدس نوشته شده را یکبار دیگر مطالعه کرده و ببینیم که آیا در مورد بعضی چیزها به جوابی قطعی رسیده ایم؟ در این روش، اجباری در کار نخواهد بود، و اگر وقفه ای در کار پیش آید علاقه و اشتیاق خوبی برای روز آینده به جای خواهد گذاشت.

ما بطور جداگانه از کسانی حرف به میان می آوریم که در روز خداوند فراغت بیشتری دارند. شاید فقط کلاس صبح یکشنبه و یک کلاس شبانه و چند مورد مشارکت همه روز آنها را شامل شده باشد. و اینها وقت کافی خواهند داشت تا در چند کلاس مختلف قرائت کلام شرکت نمایند. بعضی اوقات شخصی که با جدیت مطالعه ۱۵ دقیقه ای روزانه خود را ادامه داده می تواند با شادی و لذت یک تا دو ساعت وقت خود را وقف مطالعه کلام بکند. بدین ترتیب احساس می کنیم که مشارکت و مطالعه کلام در روز خداوند اگر چه قدری از وقت ما را به خود اختصاص می دهد اما حاصل آن شادی و لذتی است که در روزهای آتی هفته نیز همراه ما خواهد بود.

در طول سال روزهای زیادی تعطیل می باشند، تعطیلات یک روزه مانند سال نو، و فصلی مانند تعطیلات تابستانی که بسیاری از مردم از آنها لذت می برند. پیشنهاد ما در این مورد این است که با متنوع شدن سرگرمی ها منافع خداوند کنار گذاشته نشود. در روزهای پر شکوه پادشاهی اسرائیل، و در زمان برگزاری جشنهای مختلف همیشه سهم خداوند از ده یک گرفته تا حمایت از فرزندان او یاد آوری می شد. اگر در هر موردی جا برای خداوند در نظر گرفته شده باشد، با وجدانها آسوده، سرگرمی ها دلچسب تر خواهند گشت.

در اینجا این نقطه را نیز باید اضافه کنیم که هستند کسانی با وجدان های بیدار که بیش از حد و بی جهت با کارهای خود بار سنگین بر دوش می گذارند، و به نوعی بندهای مذهبی بوجود می آورند. اینها باید توجه نمایند تا خداوند را به اربابی سختگیر حتی در کمترین سطح بدل نمایند. هیچ خدمتی مانند محبت کردن وجود ندارد، و بالاترین فداکاری آن است تا از قلبی بر خیزد که با فیض مسیح آزاد شده باشد. ما در خوشی فیض او زندگی می کنیم، که خدمت کردن لذت، و زحمت کشیدن آرامش به بار می آورد.

۴. فایده این کار منظم

اگر برنامه ایی را که پیشنهاد کرده ایم فقط یک سال به مورد اجرا گذاشته شود، در تمامی جهات سودمند خواهد بود. ما قصد داریم فهرستی از این فواید را در پیش روی شما قرار دهیم تا به سئوالات احتمالی پاسخ داده و امکان اجرای چنین کار را نیز بررسی نماییم.

۱. کتاب مقدس نادیده گرفته نخواهد شد.

باعث تأسف است که بسیاری از فرزندان خدا روزها و هفته ها کتاب مقدس خود را باز نمی کنند. و اگر کسی برنامه ریزی کرده که روزانه یک فصل را مطالعه کند، و در وضعیتی قرار گرفت که چندین روز نتوانست به مطالعه ادامه دهد، امکان جبران آن عقب ماندگی وجود داشته باشد. و متوجه خواهد شد که مطالعه یک فصل در طی روز چقدر کار شدنی، و راحت بوده است. عوامل مختلف باعث کنار گذاشتن قرائت کلام می شوند، یکی به مسافرت می رود، دیگری فردی از خانواده اش مریض شده و مشغول رسیدگی به اوست، دید و باز دیدهای فامیلی، و اضافه کاری در محل خدمت همه این باز دارندگی ها در طول زندگی سر راه خواهد بود تا ممانعت از مطالعه منظم بکنند.

اما اگر اراده کرده ایم که روزانه بطور مرتب حتی زمانی کوتاه برای شنیدن کلام خدا وقف نماییم باید به هر شکلی حتی اگر شرایطی پیش آمد که مدتی نتوانستیم کلام را قرائت کنیم در اولین فرصت جبران عقب ماندگی را کرده و به روند قرائت روزانه باز گردیم. بگذارید خواننده از خود به پرسد که آیا کتاب مقدس را نادیده می گیرد؟ و همچنین از دوستان و آشنایان خود نیز سؤال نماید که آنان نیز مانند او همین کار را انجام می دهند.

۲. مثال فراگیر خواهد بود.

اگر کسی واقعاً ایده ایی از خود داشته باشد، در باره آن با دوستان خود صحبت خواهد نمود. به محض اینکه کسی در کاری راه افتاد شروع به گفتن برای دیگران خواهد کرد، و آنان نیز مطلب را مقایسه خواهند نمود، و دیر یا زود کسانی تشویق شده و تحریک می شوند که پی گیر موضوع باشند. و چون چیزی برای گفتن دارند به دلیلی بسیار ساده آماده خواهند شد که در مورد کارهای خداوند سخن بگویند. اما در اغلب جلسات با لب های بسته شده فرزندان خدا روبرو بوده ایم. بیشترین علت این امر نبودن درک روشن از کلام خدا بوده است، حرفی نمی زنند چون چیزی برای گفتن ندارند، و شاید ضروری باشد که در ابتدا آنها قدری در باره

تهذیب و تقدیس تعلیم داده شوند. و همچنین در دعا بودن بسیار مفید و ضروری خواهد بود. هر قدر از افکار خدا به طریقی مناسب بیشتر آگاه شده باشیم، به همین مقدار هم می توانیم خواسته های قلبی خود را صادقانه با پدر آسمانی مطرح نماییم، و حس خود آگاهی را به مرور کنار گزارده تا با اتکا به خداوند در دعاها ایمان چه به صورت فردی و یا در جمع ایمانداران پیشرفت نماییم.

۳. فکر تحت نظم در خواهد آمد.

اگر بخواهیم در مورد فکر انسانی سخن گفته باشیم، باید بگوییم یکی از شگفت انگیزترین ابزارها به شمار می رود. به هر نوع تعلیمی جواب داده، و هر تمرینی که انجام می دهد قدرت و ظرفیتش افزونتر می گردد. بنابراین بررسی دقیق قسمتهایی از کتاب مقدس، قدرت عملکرد ما را افزایش داده و باعث می شود که از انجام آن لذت برده باشیم. لذتی بالاتر از خوشی های طبیعی که در ارتباط با فعالیتهای فکری باشند وجود ندارد، و سودی که در این نوع مطالعه و یادگیری حاصل می شود را نمی توان تخمین زد.

داشتن نظم و برنامه، دقیق بودن، قدرت بالای تشخیص و درک، حافظه و داوری، و خلاصه هر نوع استعداد بهره خاص خود را خواهد داد. و به جای اینکه احساس مبهم و بی ثمر بودن به شخص دست دهد و فکر کند که مطالب او کم اهمیت و کوچک هستند و در نتیجه از بیان آنها خوداری نماید، در عوض به مرحله خوب آشنایی و اعتماد به نفس در شخصیت می رسد.

چقدر برنامه مطالعه کتاب مقدس تغییر خواهد کرد، و هر کس که وارد جمع آنان شود قبلاً از فصلی که در باره آن بحث خواهد شد مطلع خواهد بود، و می تواند مطالب را خوب تشخیص داده و برای دیگران نیز توضیح دهد. هر فردی می تواند در ارتباط با منافع عمومی به یک انسان کمک کننده تبدیل شود، و مطمئن هستیم که فرزندان محبوب خداوند از عهده این کار بر خواهند آمد، و با برکاتی که نصیبشان شده و به مرحله ایی از بیداری رسیده اند که دیگر نخواهند گذاشت خاموش گردد.

۴. همه زندگی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بیاید فرض کنیم جوان مسیحی که مشغول به کار است عادت دارد صبح ها تا آخرین دقیقه ها در خواب باشد، بنابراین چنین شخصی باید تمام چیزها را با عجله انجام داده تا سر موقع به کار خود برسد، و اوقات خود را در ترن ها و یا جاهای دیگر در گفتگوهای بی هدف و یا خواندن مقالات سئوال انگیز گذرانده، و عصرها دنبال نوعی روابط و تفریحات اجتماعی می باشد که به جز صدمه زدن به روح خود حاصل دیگری بیار نمی آورد، و دست آخر خسته و کوفته در اواخر شب به خانه باز می گردد. و این عمل را روزها یکی بعد از دیگری تکرار می کند. آیا اگر چنین شخصی پیشرفت نمود جای تعجب نخواهد داشت؟

فرض کنیم تصمیم گرفته که روزانه پانزده دقیقه کتاب مقدس را قراعت نماید، و این زمان را در صبح ها برای خود مقرر کرده است. او بلند شده و شروع به کار می کند. شاید اولین احساسش دلسردی و یاس باشد، و وسوسه خواهد شد تا همه چیز را کنار نهاده و زندگی راحت و روزمره را ادامه دهد اما از طرف دیگر وجدان او را به سوی خداوند هدایت کرده و با استقامت بکار ادامه می دهد.

هر چند یکبار خواب می ماند اما در آخر شاید در عرض دو هفته به برنامه عادت کرده و روزانه بطور مرتب نیم ساعت به مطالعه خود ادامه می دهد. و بدون اینکه با دیر بیدار شدن همه کارهای خود را با عجله به انجام برساند با آرامش و خوشحالی خود را آماده مطالعه نیم ساعته می نماید. ممکن است بعضی موضوعات جالب روزنامه گاهی توجه او را جلب نمایند اما با نگاهی گذرا به آنها دوباره به قراعت خود از کلام خدا ادامه خواهد داد.

در وقت نهار او مشتاق پایان دادن کاری خواهد بود که صبح آنرا شروع کرده است، و بیدار شدن او در صبح زود کمکی خواهد بود که شبها نیز به موقع به خانه بازگشت نماید. در حال حاضر از تأثیر کلام خدا بر وجدان و قلبش سخن نمی گوئیم، اما در این زمان کوتاه اثرات نیروبخش آنرا بر روی رفتار و عادات او قابل ملاحظه خواهد بود. در مدت یک سال بدون شک چنان تغییرات گسترده خواهد بود که همه می توانند آنرا مشاهده نمایند.

۵. دانش ما از کلام خدا بتدریج منظم تر و وسیعتر خواهد بود.

۶. محبت ما به کلام خدا عمیق تر خواهد گشت.

۷. حرمت و باور ما به کلام بر مبنای ایمانی راسخ و داشتن عقیده ای اساسی به آن است.

ما معلمین برتر کلاس یکشنبه ها خواهیم شد، و در هر نوع خدمت عمومی که شرکت داشته باشیم موفقیت بدست خواهیم آورد. دعا امری قطعی وسیع و دائمی می شود، نیازها به ما می آموزند که پیوسته شکرگزار باشیم. در مدتی کوتاه متقاعد شده که تمام زندگی خود را تحت قدرت امور الهی قرار دهیم.

خطرات نیز در همه جا وجود دارند. غرور پشت سر هر خدمتی کمین کرده است، روح از خود خشنود بودن همیشه همراه با افزایش علم و دانش بوده است، شاید بتوانیم با انکار خواسته ها و مفید بودن و اعتراف به گناهان به نبرد با نفس خود به پردازیم اما این اصل ماجرا نیست.

پولس رسول که در رساله های خود از بیشترین و کامل ترین برکات در مسیح برای ما خبر می دهد، با اعلان خطر توصیه می نماید که همیشه زره روحانی خدا را بر تن کنیم، چون جنگ ما با شیطان و نیروهای شریر غیرقابل اجتناب است، خطرات فقط آدمهای سست و تنبل را می ترساند. بیائید ما از این نوع انسانها نباشیم.

بخش چهارم، مسیح مرکز و موضوع اصلی کتاب مقدس

در این بخش می خواهیم زمان بیشتری را بر آن چیزی که بطور مستمر در کتاب کوچک مان به آن رجوع کرده ایم وقف نمایم، مانند کلام که در هر جای دیگر نه می شود آنرا زیاد تکرار نمود و نه بر آن تأکید کرد. کلام خدا واحد بوده، و فقط یک نویسنده دارد و آن هم روح القدس است، و اگر چه در زمانی طولانی و دوره های متعدد ابزار گوناگونی را بکار گرفته است. کتاب فقط یک موضوع دارد، ولی با این وجود، از هر نقطه نظر ممکن مورد بررسی قرار گرفته است، از منظر تاریخی و شرعی، بیوگرافی و شعر، مثل ها و حکایت ها، پیشگویی و محکومیت گناه و وعده برکات که همه در عهد عتیق موجود می باشند. و در عهد جدید، حکایت زندگی، تعلیم و جفاها، مرگ و قیام خداوند عیسی مسیح آمده است. سپس جریان نزول روح القدس و مرحله تشکیل کلیسا، و اعلام جهانی خبر خوش نجات را، در اعمال رسولان مشاهده می کنیم. بعد از آن رساله ها را داریم که حقایق و مسئولیتهای مسیحیت را بصورت فردی و یا دسته جمعی آشکار می نمایند.

پس از آن کتاب پیشگویی ها پایان همه این مراحل است که پنجره های خود را به اورشلیم آسمانی می گشاید، جایکه شخص در خانه ایی در شهر بابل نیست، بلکه بعنوان یک زندانی در جزیره پطموس به جلالی که خواهد آمد می نگرد. در میان همه اینها، مسیح در مرکز قرار گرفته، چون او مقصود و موضوع نهایی است. او آلفا از اول پیدایش، و امگا است، نور و جلالی است که بر شهر آسمانی می تابد. بله، مسیح همه چیز است.

مسیح موضوع اصلی عهد عتیق است. و او را در فصل اول در پیدایش می بینیم، جایکه حضور او در تثلیث الهی بعنوان کلمه و "خدا" که بصورت جمعی معرفی شده، در حالیکه کلمه "آفرید" و بقیه افعال به شکل مفرد بکار رفته، که نشان می دهد در جمع سه شخص اما یک خدا وجود دارد. در فصل دوم می بینیم که مسیح باید می آمد اما به شکل و نمونه آدم همراه با معاون و یا عروس خود در فردوس یا "باغ خوشی ها و لذت ها" همان بهشت خدا که در آن گناه و ابلیس هرگز اجازه سکونت نخواهند یافت.

در فصل سوم او بعنوان اولاد زن معرفی می شود، و حقیقت اینکه خدا پایین آمده و وارد باغ شد. که نشان می دهد خدا همراه ما است یعنی "آمانوئل خدا با ما" شده، و در حالیکه او با قربانی شدنش به ما یاد آوری می کند که هرکس به او ایمان بیاورد جامه کامل رستگاری و شبیه شخصیت خدا را می پوشد مانند پوشش پوستین که بر آمده از مرگ قربانیها بود. قربانی هاییل بدون شک از کسی سخن می گوید که چیزهای بسیار بهتری آورده است. شیت فرزند آدم "بذر منصوب شده" دوباره از مسیح قیام کرده سخن می گوید، و قدرت تقدس در زندگی خنوخ نشان می دهد که او در ایمان زیست می کرد و با خدا راه می رفت.

نوح، همراه با کشتی نجات، یکی دیگر از نمونه های مسیح است که بعنوان پناهگاه، خانواده خویش را در خود جای می دهد، پناهگاهی که برکت سلطنت هزار ساله برای زمین را به ارمغان می آورد. مسیح کلید زندگی ابراهیم است، مذبح او از کفاره و شراکت با خدا صحبت می نماید، ملاقات او با ملک صدیق از کهنات ابدی و اقتدار شاهانه خداوند می گوید.

اسحاق، فرزند وعده، نمونه پسر خدا که از قربانی شدن او در کوه موریاء توسط خدای متعال جلوگیری به عمل آمد، اما خدا تنها پسر خود را برای نجات جهان قربانی نمود. ازدواج اسحاق با ربکا شباهت اتحاد مسیح و کلیسا را دارد، سارا (اسرائیل) برای مدتی کنار گذاشته شده است.

عیسو و یعقوب دو نمونه کاملاً متضاد از بذر جسم و روح می باشند، یعقوب بعنوان فرزند خدا در مسیری قرار می گیرد تا از آن طریق مسیح آینده شکل بگیرد. یوسف نمونه بارز خداوند متبارک ما بعنوان پسر خدا، که مورد نفرت قرار گرفت و از سوی برادرانش طرد شد، جهان او را ندیده انگاشت، و در آخر در تخت سلطنتی بیش از همه سرفراز گردید. بدین ترتیب در سرتاسر پیدایش مسیح، موضوع اصلی بوده، و کلیدی است که برای هر قسمت مورد نیاز می باشد.

در خروج نیز وضع به همین منوال است. اول موسی طرد می شود، و بعد از آن به رهبری قوم منصوب می گردد. در آن زمان که از طرف قوم خود مورد پذیرش قرار نگرفته بود، او ازدواج کرد با صفوره، "پرستو هاییکه" (بی ارزش محسوب می شوند اما پیش خدا گرانقدر می باشند) نمونه خوب کلیسا که در مقابل چشم انسان چیزی بی ارزش بوده، اما در چشم خدا عروس منتخب مسیح است.

خون بره فصح نیاز به یادآوری ندارد، و خروج شکوهمندانه از مصر که بوسیله موسی رهبری می شد، و ستون ابر همگی صحبت از مسیح رهبر پر جلال ما کرده که با مرگ و قیام خود قوم را هدایت می کند، و تحت راهنمایی های روح القدس ما را سوار بر بالهای عقاب گونه خودش به پیشگاه خدا می برد. و همچنین راهنمای پرستشی ما است، و تحت نظر اوست که از بیابان گذر می کنیم، جاییکه من و صخره آب و بالاتر از همه خیمه عبادت مسیح را جلو روی ما با شخصیتهای متفاوت قرار می دهد.

حتی کوه سینا، با ضخامت و رعد و برقش و تندبادش از شخصیت شاهانه شخص او سخن می گوید: "شریعت من در قلب من است" تمام اعمال واجب شریعت که از انسان مورد انتظار است، مانند یک مدیر مدرسه سخت

گیر که همه را گناهکار و خاطی می شمارد، اشاره به شخصی دارند که فقط او به تنهایی می تواند لعنت شریعت را برداشته و خود آنرا بردوش کشیده تا ما را آزاد نماید. و از سنگینی اعمال قانون نجات داده و تحت لوای فیض در بیاورد.

اعمال مذهبی مجلل در خیمه عبادت، زیبایی های نفیس بخشهای مختلف آن، همه آنها هر کدام به طریقی از شخصیتی سخن میگویند که کلمه ابدی، و حضور حقیقی خدا، و نور درخشنده جلال اوست.

لاویان، با جزئیاتی که استادانه در باره کهنات و قربانی های مختلف نوشته شده، همان موضوع متبارک را ادامه می دهد: مسیح کاهن اعظم ما، و جامه کهنات زیبا و پر جلالی که بر تن هارون است از شخصیت عظیم و بی همتای خداوند متبارک سخن می گوید، که همه جلال و اقتدار شاهانه فقط از آن اوست.

قربانی برای خداوند تنها به یک نوع محدود نمی شود بلکه همانطور که قبلاً ذکر کرده ایم قربانی های متعددی تا مرز کامل شدن نیاز خواهد بود. قربانی سوختنی، مرگ نجات دهنده ما را نشان می دهد که به خاطر آن ایماندارى بصورت کامل مورد پذیرش قرار گرفته است، هدیه آردی شخصیت او را برای ما بازگو می نماید، قربانی سلامتی از آشتی و شراکت ما با خدا که او آنرا میسر ساخته می گوید، قربانی گناه عمیق ترین احتیاجات ما را بر آورده کرده است، و قربانی جبران خطا همه قرضهای ما را به خدا پرداخت می کند.

در بقیه بخشهای کتاب همان داستان تکرار می شود. در کتاب اعداد هم همین مسئله ادامه می یابد. گناهان قوم در بیابان فرصتی برای خدا پیش می آورد که محبت خدای پسر و کمالی را که در او وجود دارد به نمایش گذارده، و برکاتی که از طریق او برای اسرائیل و بقیه ملل جهان خواهد رسید نشان دهد. تشبیه کلام پیشگویی را تأیید کرده و دوباره آنرا مرور می نماید، مانند آنکه تأکید کند که مسیح باید همه چیز ما، و حتی در نگاه به آینده حد اعلی آنچه که داریم شود.

برکت زمانی به اسرائیل سرازیر خواهد شد که تسلیم مسیح شود. بسیار مهم است که در اولین گروه از کتابهای عهد عتیق ملاحظه می نماییم که مسیح موضوع اصلی همه آنهاست. و او به ما می گوید به انسانی که فقط از سوراخ بینی نفس می کشد تکیه نکنیم، بلکه انسان دوم را پیدا کنیم که بتنهایی همه نیازهای ما را بر آورده و جلال خدا را محفوظ می دارد.

کتاب های تاریخی عهد عتیق حقیقت را در افکار و راه های مردم آشکار می کنند، در این جا ضرورت بیان خطایای آنان بیشتر از اهداف خدا دیده می شود. چون گوش های ما نمی شنوند و افکار ما درک نمی کنند چند بار خدا باید خواست و نظر خود را به ما یاد آوری نماید! کتاب یوشع خداوند قیام کرده را تداعی میکند که ما را به سرزمین وعده و پری برکات آن هدایت نموده است، خداوندی که از طریق او همیشه پیروز بوده، و بر تمام دشمنان روحانی در جاهای آسمانی غالب می شویم و سر زمین مقدس را تصاحب می نماییم.

در داوران، خدا در مقایسه با ما صحبت می نماید. و نشان می دهد که هر نوع سختی که فرزندان خدا با آن مواجه می شوند از طریق گناه بوجود آمده است، و آنها را از مسیح دور کرده، و هر نوع رستگاری که به وسیله رهبران نصیب آنها می شود، یادآور غیر قابل انکار مسیح، نجات دهنده بزرگ که به تنهایی مردم خود را آزاد نمود.

لحظه ای تأمل در کتاب روت ما را به صحنه آرام بت لحم می برد، و راه قابل پیش بینی را نشان داده تا دیگر سوء تعبیر نشود، که چگونه بچه ای، یعنی عوبد حقیقی خادم راستین خدا از نسل انسان تولد یافته و بدین ترتیب نهر رحمت و فیض در مسیر اهداف خدا جاری شده، تا از آن طریق بذر داود کاشته شده باشد.

کتاب های سموئیل در وحله اول شکست کهنات و جایگزینی آن بوسیله نبوت را به ما می آموزد. و دیگر هیچ کاهن واقعی تا آمدن مسیح نخواهد بود. مردم خواهان پادشاه می شوند، اما آنکه مورد نظر آنان است، فردی است ضعیف و پر از اشتیاق انسانی که خدا را اطاعت نمی نماید، و باید شخص دیگری یعنی داود که خدا او را قلب خود معرفی کرده جایگزین او شود. داود وجه تمایز برجسته ای که نسبت به شائول دارد این است که تحت حاکمیت مسیح و جلال خدا است و زندگی او کاملاً با اراده خداوند همخوانی دارد. و اما خاندان داود چنان نیستند که خدا آنان را بکار گیرد پس او چشم به وعده می دوزد "حقیقتی که همه چیز در او یافت شود" زمانیکه "پادشاه عادل" بیاید. این است همه نجات و میل او، مسیح رویای او را به انجام می رساند. درخشش شکوه سلیمان بسیار بطول نمی انجامد و با حماقت خودش بزودی خاموش می شود، ولی قبلاً بیادمان آورده است که "کسی بزرگ تر از سلیمان" در فکر و هدف خدا قرار دارد. پادشاهانی که بعد از آن آمدند یا داود و سلیمان ضعیفتری شده و یائینکه شائول بینواتری از آب درآمدند.

مابیهوده دنبال پادشاه واقعی می گردیم، آسا، یهوشافات، هزکیا، یوشیا، همه این مردان عادل فقط سایه ای از مسیح بودند. در زمان اسارت قوم خدا، استر شخصی را بنام مردخای به صحنه می آورد که خدا قوم مظلوم خود

را آزاد می نماید، زمانیکه عذرا و ناحوم هر کدام در زمانهای خود افقی را نمایان می سازند که در آن خداوند بعنوان منجی و شفا دهنده قلب های قوم خود خواهد بود.

در مزامیر مسیح موضوع اصلی کتاب است. چنانکه معروف است ما مزامیر مخصوصی در مورد مسیح داریم، مانند مزمور ۲، که می گوید پسر خدا پادشاه صهیون و حاکم ملل جهان است. در مزمور ۸ انسان دوم را می بینیم که بر تمام عالم تسلط دارد. در ۱۶ او رهبر و کامل کننده ایمان است، در ۱۸ او بر همه مخالفین پیروز می باشد، در ۱۰ و ۲۱ او راه سخت جفا را طی نموده تا به جلال خود برسد. ۲۲ بزرگترین مزمور کفار، کسی که طرد شده و از تاریکی عمیق ندا در می دهد، در ۲۴ پادشاه جلال با شکوه و عظمت خویش به سوی قوم می آید.

همه اینها مستقیماً در باره مسیح سخن می گویند. مزمور ۴۰ نشان می دهد که مسیح خواست خدای پدر را برای قربانی کردن خویش به انجام رسانید، در مزمور ۴۵ مشاهده می کنیم ظلم کنندگان خود پرست و گناهکاران محکوم، با شمشیر او بر زمین افتاده اند، و انتقام فروتنان گرفته شده است، در حالیکه ملکه اسرائیل که ملل مطیع جهان او را همراهی می نمایند وارد سلطنت مسیح شده اند.

در مزمور ۶۹ او کسی است که گناهان ما را بر دوش خود گرفته، و در مزمور ۷۲ جلال سلطنتش توضیح داده شده است. ۹۱ از انسان دوم می گوید که همه چیزها در زیر پای او قرار دارد. در باره سلطنت پر جلال و آمدن خداوند در مزمور ۹۲ تا ۱۰۰ ذکر شده است. مزمور ۱۰۲ ما را دوباره به جفا دیدن او می برد، در اینجا مانند پرستویی تنها بر بالای بام خانه با جسمی تحلیل رفته به وسط ایام زندگی خویش رسیده، اما در عین حال او یهوه جاودانی و آفریننده تمام خلقت است.

مزمور ۱۰۹ خداوند ما را در دست انسانها نشان می دهد که آزار می بیند، در حالیکه مزمور ۱۱۰ او را تا تخت خدای پدر سرفراز کرده تا همه دشمنانش فرش زیر انداز او شوند. مزمور ۱۱۶ تجربه های او را دوباره می شمارد، و او را پیشوای پرستش ما نشان می دهد، در حالیکه مزمور ۱۳۲ او را کشتی نجات حقیقی، و کانون ستایش قوم خویش، در بالاترین حد ستایش کرده است.

آنچه مرور شد فهرستی مختصر از مزامیر مربوط به مسیح بودند، اما اگر برای لحظه ایی به مزمور اول برگشته، و بقیه را دنبال نماییم، "روح مسیح" را در طول اینها پیدا خواهیم کرد، اگر چه او با همراهی کمتری از مردم آزرده و پرهیزگار خود دیده شود. بنابراین مزمور ۱ فقط می تواند در مورد کامل بودن مسیح حقیقت

داشته باشد، و جفاهاییکه از انسان ها دید و در تمام مزامیر آمده است، که او باید از سوی قوم خود طرد شده و به خاطر ما اذیت و آزار شود.

اعتراف به گناهان و قصور و عدم موفقیت ها که در باقیمانده مزامیر به چشم می خورد در ارتباط مستقیم با خداوند ما نیستند، حتی با این وجود با آگاهی کامل از گناهان مردم خویش، و بدون اینکه مرتکب گناهی شده باشد رنج و آزردهی قوم خود را نیز متحمل گشت. قبل از اینکه وارد مقوله هایی شویم که از دانش ما فراتر باشد، در زبان شعر این را می توانیم بگوییم: "گناهان و خطاهای ما را در محبت الهی خود اعتراف کردی و تحمّل نمودی."

هنگامیکه که اورشلیم "شهر پادشاه بزرگ" معنی واقعی خود "بنیان صلح و آرامش" را درک نماید، آن هنگام که از کوهستانها و تپه ها پرهیزگاری جاری شود، و همه درختان در باغ ها با شادی دست بزنند، با آن هلولویاهای پایانی، موضوع اصلی مزامیر که حمد و ستایش است همچون صدایی شیرین، قدرتمند، و واضح انکارناپذیر خواهد بود. رهبر پرستش کسی است که عمق های غم و غصه را هموار نموده، و به اوج لذت و شادی رسیده است. کسی که تلخی حمله های دشمن را می داند، و از خطایا و گناهان قوم خود نیز آگاهی دارد، و خود نیز گناه و خطا را نشناخته، بلکه قلب او آکنده از محبت و اشتیاقی عمیق و حقیقی است. و کوچکترین آثار غم و ناتوانی در او دیده نمی شود، حقیقتاً که مسیح موضوع اصلی کتاب مزامیر است.

در امثال سلیمان، فوراً اشاره به خداوند پسر داود را می بینیم، و روح فرزند خواندگی در ابتدای عبارت تکراری "پسر من" نیز قید شده است، و همچنین به مسیح بعنوان معلم حقیقی ترس از خدا اشاره شده است. در بخش اول کتاب، مسیح با حکمت حقیقی در مقابل دنیای مستمند با تمام دامها و وسوسه هایش مشاهده می گردد. گفتار کتاب در فصل ۱۸ بطور غیر قابل انکاری در مورد خداوند سخن می گوید، و ما را به صحنه های مقدس ابتدا می برد، جاییکه با ارتباط شاد الهی و مهربانی جاودانی، از این مشارکت با خدای پدر و روح القدس لذت برده، و در عین حال با قلبی مهربان و لطیف در فکر منافع فرزندان زمینی خود نیز هست.

بخش اصلی کتاب با شیوه ایی شروع شده که امکان دارد برای خواننده سطحی، امثال از هم جدا شده تلقی گردند، کلمات حکمت بدون نظم و ترتیب بیان شده اند، اما با نظری اجمالی در اینجا هم به این واقعیت ها بر می خوریم: "دوستی که در تمام مدت محبت می کند"، "برادری که برای زمان سختی متولد شده" و یا "پادشاهی که قدرت به او سپرده شده". حتی زمانی که موضوع در مورد گناه خاصی است که نتایج آن تشریح شده، وقتی در جهت مخالف آن مثال آورده می شود باز هم سخن فقط از مسیح به میان می آورد.

تمرین بسیار خوبی خواهد بود که مروری بر کتاب امثال داشته باشیم، در آنجا متوجه خواهیم شد که نقطه مقابل هر کار بد کاری نیکو آورده است که مرجع باز مسیح می باشد. و بدین ترتیب، هر عمل شرارت آمیز هم بر خلاف مسیح خواهد بود که آمده تا کسی را محکوم ننماید بلکه نجات داده و به پیش خود خواند تا به آنان فیض ببخشد. آدم سست و تنبل نقطه مقابل مسیح است که بطور دائم کار پدر آسمانی را به پیش می برد، و آماده است تا برای هر انسانی خدمت نماید، آرامش خود را کنار نهاده و به جان مستمند و فقیر برکت دهد، و با رغبت از خواب برخاسته و طوفان را آرام نماید، و دعای آرام خود را به پیشگاه خدای پدر در طول شب ادامه داده و در هر جایی که بدبختی و رنج ما را احاطه کند حضور داشته باشد.

جامعه هم مانند هر نوشتاری در کتاب مقدس، به مسیح زنده نزدیک می شود، و بیشتر در زمان خلاف گویی متوجه کمبود او می شویم و از این طریق ما را به سوی او روانه کرده تا شادی کاملی در غزل غزل ها که پادشاه با جلوه خاص خود رود روی ما قرار گرفته، و روغن معطر ارزشمندی با خوشحالی و شادمانی بر او پاشیده شده است.

مسیح امید پر جلالی است که همه پیامبران اشاراتی به او کرده اند. گناهان مردم، محکومیتی که باید انجام شود، کار عجیب خدا، خشم و کینه امتهای، که با دست توانای الهی می باید فرونشاند می شد، خواست صریح خدا از انسان برای بازگشت از شرارت های خویش، همه اینها پشت صحنه تاریکی است که از میان آنها مسیح با عظمت و زیبایی و شکوه می درخشد.

اشعیا از مسیح پر جلالی که در معبد بزرگ دیده خبر می دهد (اشعیا. ۶). او از ریشه جسمی و هفت مرتبه از روح پر شده، او مسیح است، شمعدان حقیقی، منبع نور قوم خدا، از باکره متولد شده و آمانوئل، "خدا با ما" است. و پادشاهی است که با عدالت سلطنت می کند و شادی و وجد در بیابان و سرزمین بایر بوجود می آورد، و در صحرا گل می رویاند، او سنگ زاویه، بنیادی محکم، برگزیده و گرانقدر، شبان بزرگی که گله خود را رهبری می نماید، بره های خود را جمع کرده و در آغوش می کشد.

او کسی است که آسمان ها را می گستراند و آب ها را در دست های خود جمع می کند، تپه ها مانند خاک، و اقوام جهان مثل ملخ در پیش روی او هستند، و با این وجود به او "بی حرمتی شده و مطرود گردید، و درد کشیده و با سختی آشنا گشت". عظمت سلطنتش، جمع شدن قوم در اطرافش، انهدام کوهستانها در حضور

او، و به خاک افتادن دشمنان در زیر پایش، همه از جلال مسیح سخن می گویند، زمانیکه دوباره باز گشت نماید، دیگر جفایی بر اثر گناه نخواهد کشید، بلکه برای نجات قوم خویش و گمراهی دشمنانش خواهد آمد.

ارمیا، در میان اشکها و ناله هایش، و محکومیت غم انگیز قوم خود، از عهدی تغییر ناپذیر خبر می دهد، از هدایا و خواندگی خدا که بدون توبه و فقط بوسیله کسی انجام خواهد شد که او "خداوند پرهیزگاری ماست" و نام خود را بر قوم خود خواهد نهاد، که آنان مشخص و جدا شده باشند.

حزقیال هنوز با مردمی در حال اسارت و بدور از اورشلیم سرو کار دارد، و انهدام شهر را نیز پیشگویی می کند، اما اگر جلال خدا آنجا را ترک نماید، دوباره برگشته و در معبدی که در فصلهای بعدی توضیح داده شده ساکن خواهد شد. احتیاجی به تصور کردن نیست که خداوند را ببینیم در تخت خود جلوس کرده، و با کروبیان همراهی می شود، گناهان قوم خود را پاک نموده، اما در آخر دوباره بازمی گردد تا ملکوت خود را بر قرار نماید، و جلال سایه گسترش را همه عالم فرا بگیرد.

دانیال بطور قطع از شخصی صحبت می نماید که "مسیح و شاهزاده" است (دانیال. ۹: ۲۵). و تمام حقایق و شاخصهای تاریخی در باره او با هم آمیخته تا به شناخت دقیق مسیح کمک نمایند.

هوشع با وفاداری و لطافت خاصی، اسرائیل را نشان می دهد که بخاطر گناهایش از طرف خدا طرد شده است، و وضعیت یهودیه هم به همین منوال می باشد، اما زمانی خواهد آمد که جزریل، "بذر خدا" مانند سوسن سفید رشد کرده و ریشه دواند. در حقیقت نگرش خدا به قوم خود فقط در ارتباط با پسر محبوب اوست، و همانطور که می گوید: "اسرائیل را از زمان بچگی دوست داشتم، و پسرم را از مصر فرا خواندم" (هوشع ۱۱: ۱ و متی ۲: ۱۵).

یوئیل همراه با سایر پیامبران موظف است که گناه قوم را اعلام کرده و محکومیتی را که در پی آن خواهد بود بازگو نماید. اما با این وجود او خبر از روزی می دهد که خداوند صدمات حاصل از قحطی را که در نتیجه کارهای نابخردانه خودشان بوجود آمده جبران نماید، و آنان باید او را بعنوان خداوند بشناسند. سپس از ریخته شدن با شکوه روح القدس می گوید که در روز پنطیکاست بطور کامل به انجام رسید.

و این کار بسیار بیشتر از آنچه یوئیل پیشگویی کرده بود اتفاق افتاد. "روح القدس بر همه بدنهای ریخته خواهد شد، و در کوه صهیون و اورشلیم نجات خواهد آمد." در مورد عاموس نیز مسئله به همین صورت است، او که اسرائیل را سرزنش می نماید به زمانی اشاره دارد که خدا خیمه فرو پاشیده عبادت داود را دوباره

بر پا خواهد ساخت. و قوم خود را از اسارت آزاد کرده و به سرزمین خود باز خواهد گرداند. و همه اینها از طریق مسیح به انجام خواهند رسید.

حتی عوبدیا در تنها فصل از کتابش و با محکومیت فر اوان ادوم به خاطر گناهان و غرور آن، در پایان از نجاتی که به صهیون خواهد آمد، و سلطنتی که از آن خداوند خواهد بود صحبت به میان آورده است. تمام متن کتاب یونس روایتی است که خداوند آن را به مرگ و قیام خود ارتباط داده، و نوشتار پیامبر در تکمیل کار مسیح خلاصه می گردد.

میکا با ستایش در کتاب خود به ما می گوید (میکا ۵: ۲) از بت لحم کسی خواهد آمد که از ازل بوده، و بر اسرائیل سلطنت خواهد نمود، پیشگویی که حتی یهودیان غیرایماندار هم باور می کنند که منظور مسیح است. محکومیتی که در ناحوم برای نینوا پیش گویی شده است نشان می دهد چگونه خداوند انتقام قوم محبوب خود اسرائیل را گرفته و آنان را در زیر پای خود له می نماید.

نباید این جنبه از او را فراموش کنیم که یک روز شمشیر را از رو بسته و برای داوری پیش خواهد رفت. حقوق در برج دیده بانی خود با چشمانی منتظر ایستاده است، تا نجاتی را که در راه است مشاهده نماید، و کلامی را به ما می دهد که سه بار بوسیله پولس رسول تکرار شده است. که رستگاری فقط بوسیله ایمان امکان پذیر خواهد بود (حقوق. ۲: ۱ - ۴).

صفتها از محکومیتی که برای اقوام مختلف و نجاتی که قوم فقیر و رنج دیده خود که فقط به نام خدا ایمان خواهند داشت خبر می دهد. در حالی که دختر صهیون سرود می خواند، و نجات دهنده قادر و توانا در میان مردم خویش که خوشحال و شادمان هستند به سر می برد. ما هیچ شکی نداریم که همه اشارات در اینجا از مسیح می باشند.

حجای، پیامبر اعاده و بازسازی است، از ظاهر سازی قوم و غرور آنها که مانند پدران خود هستند گله می نماید. او از خانه خدا برای آنها می گوید که همانطور ویران و متروک به حال خود رها شده، ولی آنان خانه های مجلل برای خود بنا نموده اند، اما نبی از طریق روح القدس به عظمت خانه آینده می نگرد به زمانیکه خداوند صلح و آرامش خواهد آورد. و هنوز آن جلال در انتظار مکشوف شدن است آن زمان که "آرزوی همه ملل برآورده شد" او خواهد آمد، و خداوند در معبد خود ظاهر خواهد شد. آسمان و زمین، دریا و خشکی همه خواهند لرزید، ولی او می آید تا سلطنتی بر پا کند که هرگز تکان نخورد.

کتاب زکریا در باره آنچه که به مسیح ارتباط پیدا می کند چه از لحاظ شخص و چه از نظر کار او بسیار پر محتوا است. ابتدا او را بعنوان شبان می بینیم، انسانی که همراه با یهوه علیه آنانی که باید داوری شوند شمشیر می کشد، تا بعنوان پادشاه نجات دهنده باز گشت نموده و قوم را بر اساس "تقدس برای خدا" برکت دهد (زکریا. ۱۳ و ۱۴). تصویری زیبا از کنار گذاشتن گناهان و بر پایی حکومتی بر مبنای صخره الهی (مسیح) در فصول ۳ و ۴ دیده می شود.

کتاب ملاکی عهد عتیق را با تصویری تاریک از ظاهر سازی و ریاکاری به پایان می رساند، و همچنین تعداد اندکی باقی مانده از آنان که "خدا ترس هستند"، و اکثراً از شخصی صحبت می کنند که روزی مانند جواهر نمایان خواهد شد. چنین وضعیتی قبل از آمدن خداوند بر روی زمین حاکم بوده است، و بدون شک یکبار دیگر در روز ربوده شدن کلیسا تکرار خواهد شد. در چنین شرایط و صحنه هایی، و برای کسانی که حرمت نام او را حفظ می نمایند، "آفتاب پرهیزگاری" طلوع خواهد کرد، و "صبحی بدون ابر" پدید خواهد آمد، و مسیح ظاهر شده و ملکوت او برقرار می گردد.

نگاهی سریع به کتابهای عهد جدید، و با اطلاعاتی که مورد اعتماد ما می باشند، پرداختن به موضوع اصلی ساده خواهد بود، و برای اینکه اشاره ایی به آن داشته باشیم و با استفاده از زمینه هایی که از عهد عتیق بدست آورده ایم به شرح موضوع ادامه می دهیم. مسیح تنها مقصودی است که در برابر روح القدس قرار گرفته است، مرکزی است که همه امور به سمت او متمایل شده و به او ختم می شوند که تمام کننده اهداف خدا می باشند، و برکت جاودانی را برای نسل انسانها هدیه کرده است.

وقتی به عهد جدید می رسیم، دیگر نیازی نخواهد بود بر مطلبی که آشکار است تأخیر داشته باشیم. مطمئناً در این جا خدا که در زمانهای متفاوت و به طریقه های گوناگون بوسیله انبیای خود با پدران ما تکلم نمود، در این روزهای آخر توسط فرزند خویش با ما سخن گفته است. همانطور که از قول انبیا در عهد عتیق گفته شده، عهد جدید با باقی مانده تعدادی از یهودیان که در انتظار نجات هستند آغاز می شود.

آنان از یک طرف در اسارت اقوام ظالم دنیا دست و پنجه نرم می کردند و از طرف دیگر در بند مراسم و سنتهای مرگبار که مانند کابوسی همه مردم را در چنگال خود گرفته بود به سر می بردند. و با آمدن "آن روز بهار از آسمان" دیدند کسی آمده که آنها را از دست دشمنان آزاد کرده و می توانند بدون ترس خدای خود را در قداست و پرهیزگاری تمام عمر پرستش نمایند.

بدین ترتیب خداوند ما در میان جمعی فقیر و مسخره کننده قرار گرفته است. مردمی که گناهکار هستند و بعضی ها مأمور اخذ مالیات و اینک بار سنگین غم و غصه آنان را به سوی مسیح سوق داده است. بعضی ها از امراض مختلف جسمانی و روحانی شفا داده شده، و از بندگی شیطان و ارواح شریر آزاد گشته اند. فریسیان را می بینیم که بعنوان معلمان شریعت موسی در گوشه خیابانها ایستاده و با خواندن دعاها و طولانی می خواهند بوسیله مردم مورد احترام قرار بگیرند.

افسوس که به قبرهایی شباهت دارند که از بیرون سفید و زیبا ولی از داخل متعفن و پوسیده هستند. و توده مردم را مشاهده می کنیم که زمانی با گوش شنوا به کلام ایستاده اند و زمانی در رکاب رهبران خود با آن فریادی مهیب و مفتضح می گویند: "از او دور شوید! مصلوبش کنید!" در این جا با شخصیت‌های بارزی نیز آشنا می شویم، مردان و زنان خدا مانند زکریا و الیزابت، سیمون و آنا، کسانی که عمیقاً پارسا و خدا ترس بوده و به همین دلیل مسیح نیز با شکیبایی خاصی به کار عظیم برای قوم خود ادامه می دهد.

بالتر از همه این شخصیت‌های نامی، یوحنا تعمید دهنده قرار دارد که پیامش برای محکومیت گناهان عمیق تر از اشعیا و ارمیا و عاموس، قلبهای مشتاق را شکافت، و نیز مفتخر به این جمله بسیار معروف است که می گوید: "این است بره خدا که گناهان جهان را بر داشت." در حقیقت این مأموریت یوحنا تعمید دهنده بود تا به کسی اشاره کند که با روح القدس تعمید یافته و برای کار عظیم صلیب مسح شده بود.

همچنین از یوحنا در عهد عتیق بعنوان کسی که راه را آماده خواهد کرد پیش گویی شده بود. همانطور که به مسیح نگاه می کنیم، آنکه آسمانها برایش گشوده شدند، و خدای پدر و روح القدس بر او مهر زدند، حقیقتی عظیم برای ما آشکار می شود که مسیح مرکز ثقل و کانون آسمان و زمین است. و بدین ترتیب برای توضیح در مورد کتاب های عهد جدید تنها یک کلمه کافی خواهد بود.

در متی مسیح بعنوان پادشاه اسرائیل و آورنده برکات برای قوم برگزیده، موضوع اصلی به شمار می رود، کسیکه به تدریج ملکوت آسمان را بر پا داشته و اقتدار آن را بر زمین مسقر خواهد نمود. کتاب مرقس او را پیامبری وفادار نشان می دهد، که خود را فروتن ساخته تا نیازهای انسان را بر آورده سازد.

در لوقا به نظر می رسد بعنوان انسان به مردم نزدیکتر شده، و وارد غم ها و غصه های آنان گشته، تا هر نیازی را بر طرف کرده و هر گناهی را به بخشاید. در یوحنا به بلندترین آسمانها صعود می کنیم، و در جلال الهی

که در برابر ما قرار می گیرد محو می شویم، تازه متوجه میشویم آنکه از شکوه ابدی آمده، با انسان زیست می کند، خبر خوشی که در وقت معین می شود گفت: "خیمه عبادت خدا با انسان" است.

در اعمال رسولان در مرحله اول اعلام خبر خوش به یهودیان است، و بعد از آن دایره این عمل گسترده تر شده و به سامره، سوریه، مقدونیه و یونان، و رم و به "هر مخلوقی در هر نقطه از جهان" مسیح همیشه موضوع اول بوده است.

رومیان اعلام میکنند که خطاکاران فقط با خونی که در زیر صلیب ریخته شده بخشوده می شوند. مسیح تخت رحمتی است که خدا با گناهکاران دور آن با هم ملاقات می نمایند. اگر پسر خدا را از این پایه عظیم حذف نماییم، پرهیزگاران کاری دیگر ندارند که انجام دهند.

متأسفانه در اول قرن‌تین کلیسا مسائل درد آوری را از نظر انجام وظایف و هم چنین در نادیده گرفتن اصول می گذراند، مشکلی که همیشه دامن گیر کلیسا خواهد بود اگر مسیح بعنوان مقصود واقعی منظور نگردد. قیامش ثابت می نماید که شخص او صخره ایی است که کلیسا بر روی آن ساخته شده، و دروازه های جهنم و مرگ هرگز نمی توانند بر او پیروز شوند.

دوم قرن‌تین ما را از خدمات و انگیزهای پولس رسول آگاه می گرداند، که در این جا نیز مسیح محور اصلی آن به شمار می رود. قول خدا چنین است "آری و آمین در او" که ما را به خدمت پرهیزگاری خوانده است، و با نگرستن به مسیح، صورت دیدنی خدای نادیده، ما نیز تبدیل شده و حیات ابدی او در جسم فانی ما ظاهر می شود.

غلاطیان از ایمانداران سرگردان می خواهد که از اصول قانون پرستی برگشت کنند، کارهایی را که دنیا در مقدمات رسالت مسیح برای او کرد بیان کرده و یادآوری می کند که او چگونه جان خود را در راه آنان فدا نمود.

افسیان ما را به عبادگاه مقدس در آسمان هدایت می کند، آنجا "در مسیح" در خوشی و شادمانی به شعاع های وسیعتری می نگریم که نقشه های الهی را برای ما آشکار می نماید، و در می یابیم که همه امور به مسیح ختم می شوند.

تنها موضوع فلیپیان به هر طریقی که می شود او را به حساب آورد فقط در مسیح می شود. حتی پولس رسول معترف است هنوز چیزی نمی داند، و تمام برکتی را که به او تعلق دارد بدست نیاورده است، "جایزه ای که از آسمان خواهد بود" همان مسیحی که بر روی زمین نیز به امید او دل بسته بود.

کولسیان جلال و شخصیت و ارزش کار خداوند را بطور واضح بیان می نماید، و آنرا بعنوان پادزهری بر علیه وسوسه ها و اصول شریعت و سایر مراسم مذهبی که ایمانداران را مورد تهاجم قرار داده بکار می گیرد، و همچنین نسبت به فریب دادن آنان با اصول شریعت و سایر مراسم مذهبی هشدار می دهد.

در اول تسالونیکیان باز گشت دوباره خداوند تنها هدف پیش روی ایمانداران می باشد، و در دوم تسالونیکیان با در نظر گرفتن ارتداد موجود، و با آمدن خداوند فرزندان به پیروزی رسیده و شیطان در زیر پای آنان خورد خواهد گشت.

اول تیموتائوس در باره نظم کلیسا که مورد نظر خداوند است گفتگو می کند، مسئولیتها و فعالیتهای مختلف را مورد ارزیابی قرار داده، و توضیح می دهد که شخص در جمع ایمانداران چگونه باید رفتار نماید، او باید فردی توبه کار و زندگی او نیز نشان دهنده (مسیح) سر عظیم پرهیزگاری باشد، "او که در جسم نشان داده شد، در روح رستگار شده، فرشتگان او را دیده، به امت ها موعظه نمود، در دنیا به او ایمان آوردند، و تا جلال خدا بالا برده شد".

در دوم تیموتائوس با مقایسه ایی اساسی همه چیز در حال خراب شدن می باشد: به نظر می رسد "ستون اصلی و زمینه حقیقت" از بین رفته است، اما با این وجود "عیسی مسیح، فرزند داود، که از مردگان قیام کرده" مانند دماغه ایی بلند که از دریای متلاطم سر بیرون آورده و همه امواج به بدنه آن خورده اما محکم و استوار در جای خود ایستاده است، و هر کس که نام او را می خواند باید از شرارت دست برداشته و مسیح را در مرکز زندگی خود قرار دهد.

تیطس تقریباً به شباهت اول تیموتائوس است که در ارتباط با نظم کلیسا صحبت می نماید. بسیار جالب خواهد بود که در حین انجام دادن خدمات ساده مزده کلام خدا را نیز اعلام کنیم. که "فیض خدا نجات را به ارمغان آورده است" زمانیکه زندگی خدا پسندانه را تعلیم می دهد، در عین حال قلب ها را نیز به سمت امید نیکو هدایت می نماید، یعنی "آمدن پر جلال خداوند عظیم عیسی مسیح نجات دهنده است".

در رساله فلیمون رایحه خوش مسیح را می بینیم، که فیض الهی و رحمت خداوند ما عیسی مسیح برده ایی خطاکار را از محکومیت به دامان خانواده باز می گرداند، که دیگر خدمتکار نبوده، بلکه برادری محبوب در خداوند به شمار می رود! عبرانیان ما را بیاد زره سینه کاهن اعظم می اندازد، که جواهرات بکار رفته در آن هر کدام جلوه خاص خود را دارند، و از مسیح صحبت می نمایند. او به تنهایی جای هر چیزی و هر کسی را می گیرد.

البته همه اینها فقط سایه بودند. اصل خود عیسی مسیح است. آنان به خدمت خود ادامه می دادند، همانطور که ایمانداران در حال حاضر جایگاه متبارک خویش را دارا می باشند، اما هرگز نمی شود موضوعی جایگزین مسیح شود چون همه چیزها فقط در باره او سخن گفته و اشاره می نمایند. هارون کاهن برای کاهن اعظم حقیقی راه می گشاید. موسی، پیامبر بزرگ شریعت، کسی که همواره یاد او با مار برنجی در رسوم قوم یهود در خاطره ها زنده است بعنوان خادمی وفادار دیده می شود.

اما با مسیح هرگز پریشانی و در ماندگی وجود نخواهد داشت چون همه چیز را او ساخته، و همه را خلق نموده و او خدای آنان است. یوشع رهبر قوم خدا برای ورود به سرزمین اسرائیل بود ولی هرگز آسایش وعده داده شده را به کسی نداد. داود پادشاه بزرگ هنوز برای آمدن پادشاهی بزرگتر با اشتیاق و آرزو همراه با مقدسین به آینده چشم دوخته اند تا برای آنان آرامش آورد.

حتی ملک صدیق اسرار آمیز که در باره او روایات عهد عتیق را اشتباه گرفته و چنین توصیف شده که مسیح است در حالیکه او فقط مثالی بیش نبود، و دیگر چنین موقعیتی به او تعلق ندارد. اینک پسر خدا به تنهایی آمده است. عهد عتیق کنار گذاشته شده، چون کسی که آمده عهدی جدید با خود آورده و از طریق خون خود آنرا تا ابد تضمین کرده است.

خیمه عبادت نیز به شباهت شخصی بود که در میان ما خیمه زده بود، و بوسیله کار خود ما را به عبادتی که شایسته او است ملزم می دارد. قربانی کردن گاو ها و بزها توسط قربانی عظیم تری کنار نهاده شده، چون او خود بدون کوچکترین لکه و عیب از طریق روح ابدی، خود را فدا نموده است. این ها "سایه های چیزهای نیکویی بودند که مقرر بود بیایند" مسیح، این کاهن بزرگ جوهر آن چیزهای خوب و آورنده همه آنهاست.

فصل ۱۱ قهرمانان ایمان را از هابیل به بعد پیش روی ما قرار می دهد، اما زمانیکه آیه ها را می خوانیم ما هم مانند یاری رساننده مان روح خدا هدف دیگری را در جلو روی خود مشاهده می کنیم. ابر عظیم توجه و نگاه ما را به جلو جلب کرده، و از ما می خواهد که هر باری را کنار زده، و به "مسیح بوجود آورنده و تمام کننده ایمان" چشم بدوزیم. راه سختی در پیش داریم. وسوسه ها در همه جا وجود دارند. زانوها لرزش خواهند کرد، و زمین زیر پای ما تکان می خورد، تنها آنچه لرزه بر آن نخواهد افتاد صخره دوران ها است، مسیح که ما را نجات داده است.

در رساله به عبرانیان بطور بسیار واضحی اعلان خطر کرده و از ما خواسته که فقط به او اتکا داشته باشیم، "و سرزنش او را تحمل نماییم". یعقوب توسط کسانی تعلیم یافته که با آموزه های الهی ناسازگار بوده اند. اما از چگونگی افکار یعقوب اطلاع چندانی نداشته اند. او سهم خود را در حقیقت با شهادت دادن به آن ثروت عظیم و غیر قابل دیدن یعنی مسیح "و در آن "نام زیبا" که با آن خوانده شده ایم، ایفا می نماید تا به همه قلبهای خالی که "ایمان به عیسی مسیح، خداوند جلال" ندارند بشارت دهد.

رساله اول پطرس (مانند رساله به عبرانیان از نگاهی دیگر) برای یهودیانی که در سرزمینهای مختلف پراکنده بودند نوشته شده است. آنان امید خود را بعنوان یک ملت از دست داده بودند، و نویسنده می خواهد یادآوری نماید، اگر چه میراث زمینی از بین رفته است، اما آنان میراثی ماندگار و پر از حرمت دارند که از بین رفتنی نیست، و بدین سبب آنان در این دنیا زیارت کنندگان و غریبه هایی بیش نیستند، اما از نظر خداوند آنها مقدسین و کاهنان می باشند، و به هر طریقی برکاتشان را بیاد می آورد، او که "یکبار برای گناهان زجر کشید، عادلانه که برای خطاکاران محکوم شد تا آنان را به حضور خدا ببرد".

دوم پطرس هم مانند رساله اول، در مورد ارتداد و ریاکاری که در میان قوم رسوخ یافته بود سخن می گوید. به آنان یادآوری می نماید که روایات و واقعتهایی را که شنیده اند باور نمی کنند. خود رسول شاهد زنده ای بود که عیسی مسیح را در کوه مقدس با جلال کامل و تغییر هیبت دیده بود، و به ایمانداران توصیه می نماید تا در فیض و دانش عیسی مسیح که تنها نجات دهنده و خداوند است، پیشرفت نمایند.

رساله یوحنا مانند انجیل او مطلبی بسیار پر برکت و عظیم را روشن می سازد، یعنی زندگی جاویدی که همراه پدر بود برای ما آشکار شده است. مسیح نمونه همه چیزهایی است که شناخت خدا را اعتراف می کنند، و او از طریق کارش و دارا بودن چنین شخصیتی قدرت به ایمانداران می بخشد. در حقیقت او خدای واقعی و

زندگی جاودانه است. همانطور که در رساله دوم بیان شده، ضعیف ترین زنان هم می توانند در اصول مسیح ایستادگی نمایند.

همانطور که در رساله سوم هم آمده قویترین مردان نیز باید بیاد آورند، در اطاعت مسیح بودن چیزی است که او را خوشحال می کند. رساله یهودا نیز در بسیاری موارد به نامه دوم پطرس شباهت دارد. زمانیکه "نجات اولیه" مربوط به قلب می شود، او مجبور بود که گذشته تاریک و رنج آور ارتداد را بازگو نماید، چون در مسیحیت آن زمان شیطان پرستی بعنوان مشکلی اساسی خودش را نشان داده بود.

اما به هر حال شریر موضوع اصلی رساله نیست، بلکه موضوع عمده آن "مقدس ترین ایمان" که ما باید بر آن مبنا خودمان را بسازیم، و "در روح القدس دعا کرده"، و رحمت عیسی خداوند را تا زندگی ابدی طلب نماییم. در آخرین کتاب عهد جدید پیش گویی عظیم را مشاهده می کنیم، کلیساها مانند شمعدانهای طلایی در دنیای تاریک می درخشند، اما در میان آنها کسی است که جلال او هرگز کم نور نشده، چشمانش مانند شعله های آتش می درخشند، و در مقابل او هر بیننده ای مانند مرده بر زمین نقش می بندد. مسیح آشکارا کانون شهادت کلیسا و تاریخ است. سپس از زمین به آسمان رفته و در آنجا همان موجود متبارک را می بینیم که مانند بره بر تخت نشسته و نیروهای آسمانی در دور او قرار گرفته اند، و تصویر پر جلال آن روز که هر مخلوقی در آسمان و در زمین و در زیر زمین با هم هم صدا شده و او را پرستش کرده، و می خوانند: "برکت و حرمت، جلال و قدرت، برای او که بر تخت نشسته، و بر آن بره تا ابدل آباد باد" آمین.

سپس داوری آغاز شده، همه جا جستجو می شود و بی وقفه هر لحظه نزدیک و نزدیکتر می گردد، زمین جارو کرده می شود، ملتها بر خود لرزیده و هر آنچه که بر ضد خدای متعال است خود را آشکار می کند.

میدان وسیعی برای شریر داده شده تا برای مدتی کوتاه به یاغیگری خود پردازد، و همچنین زمانی در اختیار آن فاحشه یا کلیسای دروغین، گذاشته شده تا با جلالی که از پسر خدا ربوده خود را تزئین نماید. همه باید در سراسر داوری نهایی قرار بگیرند، و زمین نیز از هر ناپاکی جارو کرده شود تا سلطنت پرهیزگاران در آن میسر گشته، و مسیح بعنوان شاهدی وفادار و پادشاهی عادل نمایان شود.

آسمان فقط برای نشان دادن آن لشگرهای عظیم گشوده نمی شود، بلکه برای نمایاندن آن پادشاه پر جلال که تاج های زیادی بر سر دارد و در نام او الوهیت و انسانیت کامل وجود داشته، نامی که اسرار بلند عمیق آنرا هیچ

مخلوقی قادر به درک کردن نیست و بلاخره نامی که خود و خدا را برای ما مکشوف می نماید چون "کلام خدا" و مالک تمام کهکشان است، و او بر جامه خود نوشته "شاه شاهان و خداوند خداوندان."

در آن لحظه آخر شخصی بر تخت سفید سلطنت نشسته که آسمان و زمین از حضور او گریزانند و داوری نهایی را به انجام خواهد رساند. متبارک باد خدای متعال که این شخص کسی نیست به جز پسر ابدی خدا، کسیکه تمام گناهان ما را بر صلیب به دوش خود گرفته، و همیشه ما را دوست داشته و هنوز هم دارد، و گناهان ما را با خون خود شسته، و در ردیف کاهنان و پادشاهان در پیشگاه خدای پدر قرار داده است.

بنابراین ما وارد جلال ابدی می شویم و در آنجا کسی را می یابیم که به خاطر فیضش بسیار معروف است، هنوز در مرکز آسمان، و هدف جاودانی پرستش می باشد، و همانطور هم کانون تمام راه های خدا از اول تا آخر است.

بدین ترتیب اگر مسیح کانون اصلی تمام نوشته های کتاب مقدس است، پس برای شاگرد او بسیار اهمیت دارد که این مطلب را در تمام طول تحصیل در مد نظر داشته و از خود به پرسد در این فصل مسیح کجا قرار گرفته است؟ در حقیقت همین کلیدی خواهد بود تا شناختی صحیح داشته باشد. اگر ما آیه ای و یا رساله ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم بسیار خوب خواهد بود که بیاد داشته باشیم که مسیح راه حل و کانون آن است.

بدین ترتیب مشکلات زیادی حل خواهند شد که اگر این تشخیص را در فکر خود نگاه داریم. همچنین معنی پیشگویی ها این طور نیست که ما فقط از جزئیات تاریخ با خبر شویم، بلکه آنها برای نشان دادن همه آن چیزهایی که در ارتباط با مسیح و هدف او اهمیت داشته نقل شده اند. بنابراین امور مربوط به اقوام و ملل مختلف که در قرن های متمادی در تاریخ به وقوع پیوسته، و شرح حال فاتحین و مغلوبین همه در چند کلام مختصر نقل شده است، در حالیکه همان قومی فقیر و پراکنده و غارت شده، به دقت دنبال شده و دوباره در سرزمین اصلی با برکات و کامیابی های فراوان مستقر شده و بر همه اقوام پیرامون خود مسلط می شود.

چون از آن قوم پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان مسیح اهل اسرائیل و فرزند داود خواهد آمد. بیایید برای همیشه به خاطر داشته باشیم که او کلید است، "کلید داود" و مقدس و واقعی که همه چیزها را باز نمود، حتی آیات مقدس را هم او گشود، که دیگر هیچ احدی نتواند آنها را بر ایمانی ببندد که مسیح را موضوع اصلی همه آنچه هست می داند.

بخش پنجم ، کتب مفید به جهت مطالعه کلام

موضوع مورد بحث ما " چگونه باید کتاب مقدس را مطالعه کرد " می باشد، که خیلی جدی آنرا دنبال می کنیم، و تلاش کرده ایم که خود را به جای ایمانداران جوان فرض کرده که تازه شروع به این کار عظیم زندگی نموده اند. باید برای خوانندگان خود یا آور شویم که این یک دوره آموزشی نیست که بعد از مدتی فارغ التحصیل شوند. ولی مدرسه ایست که کسالت آور نبوده، و باعث خوشبختی است که حداقل در اینجا نشان می دهد.

همیشه شاگرد بودن یک کار بی ارزشی نیست، در حقیقت، ما هم با آنهایی که تازه کار هستند شروع خواهیم کرد، و از این دروس همانقدر لذت می بریم که آنان خواهند برد. به همین دلیل، از هیچ کتابی به جز کتاب مقدس استفاده نکرده ایم، که خوانندگان ما تشویق شده و بتوانند با اطمینان از هر صفحه ای از این کتاب آسمانی بیشتر از تمام کتب الهیاتی و تفسیری و آموزشی لذت برده و یاد بگیرند.

زمانیکه این موضوع در فکر ما جا می افتد، و خواننده و یا شاگرد خود بعنوان یک بررسی کننده شروع به کار می نماید، و یاد می گیرد که تمام قدرت درک و تشخیص خود را از روح القدس دریافت کرده و با دعا به مطالعه کتاب مقدس ادامه دهد، سودمند بودن آن از خواندن تمام کتابهای الهیاتی و تفسیری بیشتر خواهد بود. ما همیشه باید این موضوع را به یاد آوریم که برای دانستن و درک کردن حقیقت نیاز خواهیم داشت که آنرا مستقیماً از خدا دریافت نماییم .

بدون اینکه بدانیم او از چه ابزاری بخاطر آشکار شدن این حقیقت استفاده خواهد کرد. بطور مثال عقاید ما در مورد اصول مسیحی می توانند بسیار مفید واقع شوند، در صورتیکه آنها را مبنای حقیقت مطلق قرار ندهیم بلکه فقط بعنوان تجربه ای تاریخی برای تقویت ایمان اطرافیان خود به کار ببریم. آنها با ارزش و کمک کننده می باشند، اما عقیده ای که از یک شاگرد خوب و با اطلاع کتاب مقدس ابراز می شود باید دست اول باشد، و هر کدام از ما نیز باید به این طریق عمل نموده و برای خودمان یافته هایی داشته باشیم.

در کل، دانش انسان به همین طریق به پیش رفته است. به هر حال انسان سرور نیست بلکه یک خادم است. و می تواند اشارات و نقطه نظرهایی به ما بدهد، اما هیچ مبنایی و کتابی از او موجود نیست، به هر حال اگر خیلی در امور تعلیم و تدریس پیشرفت داشته باشد خواهد گفت: " خداوند چنین می گوید. "

نیاز بود که قدری بیشتر در باره این مقدمه به آن پرداخته شود از این بابت ما را ببخشید. خیلی از مسیحیان واقعی بطور عموم کتاب مقدس را بصورت سرسری و باری به هرجهت می خوانند و رد می شوند، و بعد از آن سراغ کتاب های تفسیری را گرفته که بدین وسیله اطلاعات خود را تکمیل و تعمیق نمایند. اینک به اصل مطلب می رسیم. کلام خدا بسیار مهمتر از کلام کسی است که در باره آن چیزی می گوید و یا می نویسد، و کتاب مقدس به تنهایی منظور خود را بی نهایت ساده و حکیمانه بیان می دارد.

هیچ نویسنده و دانشمندی قادر نخواهد بود که حکمت خدا را داشته باشد. فقط کتاب مقدس است که افکار خدا را به روشی که خود انتخاب کرده برای انسان بازگو کرده و تعلیم می دهد، و دارای ظرفیتی است گسترده، کامل، و قابل فهم برای همه زمانها که هرگز زایل نخواهد شد، و بوسیله آن، همه منفعت خواهند برد.

بنابراین زمانی می توانیم در مورد کتابهای خوب چیزی بگوییم که ما را تحریک کنند. آن کتابی که ما را قانع و راضی کرده و باعث نمی شود که توجه مان را به سمت کلام خدا معطوف بداریم کتاب سودمندی نمی باشد. بهترین کتاب های دنیا در حال حاضر باید دارای علائمی باشند که نشان دهند همه دانش و آگاهی در پیشگاه خدا در آن نهفته است.

کتابهای مرتبط با متن

سخنی درباره خود کتاب مقدس .

همانطور که موضوع کتاب ها را بررسی می کنیم، نظر خود را به کتاب مقدس می دوزیم که گفتیم بهترین کتابی است که می توانیم داشته باشیم. در زمانی زندگی می کنیم که بیشترین تعداد کتاب مقدس در تاریخ خود انتشار می یابد، سازمانها و بنگاهای متعددی مشغول چاپ و تکثیر انواع بسیار جالب و جذاب کتاب مقدس هستند. و آنها را در هر حجم و اندازه می توان در اختیار داشت.

همانطور که گفته شده، پیشنهاد ما کتابی بزرگ برای مطالعه بر روی میز، و دارای حاشیه نسبتاً وسیع برای یاد داشت های ضروری که بشود آنها را در دراز مدت حفظ کرد. اگر کسی مایل باشد که دست نوشته های زیاد بر روی کتاب خود انجام دهد، چنین شخصی باید کتابی ارزان خریداری نماید، کتابی با این ویژه گی ها احتمالاً دارای ضمایم زیاد نبوده و نیز قطور و پر حجم نیز نخواهد بود. شاید دفترچه یاد داشت هم برای دست نوشته های بیشتر ضروری باشد.

بدین ترتیب موضوعات مختلف و مهم دنبال شده و حفظ می گردند. علاوه بر این کتاب مقدس اندازه جیبی آن هم برای سفرهای کوتاه شهری مورد نیاز خواهد بود. فرصت های بیشتری برای استفاده از کتاب جیبی پیش خواهد آمد، و احتمالاً مقدار زیادی از مطالعه و حفظ کردن آیه ها با این کتاب انجام خواهد پذیرفت. کتاب مقدس های جلد بزرگ برای مطالعه روی میز و نوع جیبی آن و همچنین ارزان بودن آنها بهترین انتخاب خواهد بود.

اگر کسی می خواهد حدود سه دلار خرج یک کتاب نماید، یک مقداری مشکل خواهد داشت، اما اگر بین پنج تا نه دلار خرج نماید کتاب خوبی بدست خواهد آورد. کتاب های با قیمت متوسط معمولاً زیاد دوام نمی آورند، اما هر کتابی بدون توجه به قیمت آن باید با روش خوبی از آن استفاده کرد. صفحات را با دقت باز نموده و مواظب باشیم که چسب زیر جلد از هم باز نشود.

۲. نسخه های دیگر

به محض اینکه شخص به نسخه های مجاز آشنایی پیدا می کند، منطقی است که نمونه های دیگر را نیز مطالعه نماید. نسخه اصلی یونانی و یا عبرانی را هم می شود به روش های مختلفی بکار برد، و در عین حال از ترجمه اصلی نیز استفاده کرد. همین تنوع در ترجمه های مختلف است که دانش ما را از کتاب مقدس افزایش می دهد. در بعضی موارد روش های مختلف ترجمه و بکار بردن کلمات متفاوت، باعث کمک بیشتری از استفاده درک ما از متون کتاب مقدس می گردد. بعد از این موضوع متن خود کتاب پیش می آید، و به خصوص عهد جدید که کم و بیش با اکتشافات و آثار به جا مانده از نسخ اصلی نوع مجاز آن تهیه و تدوین گردیده است.

همانطور که قبلاً هم اشاره شده متن این نمونه به هیچ وجه و در هیچ کجا دست خوردگی نداشته است. اگر بیاد داشته باشیم که کتاب مقدس ما در طی سالیان دراز با دست نسخه برداری شده، و ممکن است در این حین بعضی از کلمات نادرست نوشته شده باشند. اما با داشتن صدها نسخه اصلی در حال حاضر اصول اصلی کتاب مقدس تغییر ناپذیر باقی مانده، و حقیقت الهی آن دست نخورده است. بخش بزرگی از این اشتباهات چنان واضح و آشکار می باشند که اگر آنها را در کتاب اصلاح نماییم مشکلی پیش نخواهند آورد.

بدین ترتیب معنی واقعی تعدادی از فصول بعثت همین اصلاحات نا مشخص و نادرست بجا مانده است. در مواقعی شخص کپی بردار کلمه و یا جمله ای را به اشتباه نوشته است، و یا گاهی نویسنده فکر کرده اگر با

تغییر چند جمله و یا چند کلمه معنی و مفهوم درستی به آن خواهد داد. به نظر می رسد که فصل (اول یوحنا ۵: ۷-۸) هزار سال بعد از عیسی مسیح توسط راهبان به رشته تحریر در آمده باشد، و در نمونه ها و نسخه های اصلی موجود نباشد. آیاتی معدود مانند این ها در کتاب مقدس موجود می باشند، اما چند آیه هم هست که ممکن است معنی متن را تغییر دهند که دانشمندان و بزرگان این رشته با بررسی عمیق و پیدا کردن دست نوشته های کهنه و انتخاب کلمات مناسب این مشکل را رفع نموده اند.

بنابراین هر زمان که مطمئن شدیم نیازی به تجدید نسخه کتاب مقدس وجود دارد، باید اقدام نماییم. نسخه جدید که در سال ۱۸۸۱ همراه با کمک و پیشنهاد های نویسندگان امریکایی انتشار یافت نمونه خوبی را به استفاده کنندگان آن ارائه داد. البته شاگردان باید دقت نمایند که تغییرات به وجود آمده بوسیله انتشار دهندگان را کورکورانه نپذیرند، چون هیچ کدام از کتاب های تجدید شده اهمیت و اعتبار نسخه های مجاز را نخواهند داشت.

یک نسخه دیگر عهد جدید را در اینجا برایتان معرفی می کنیم، که خیلی با دقت و با اصلاحات متعدد و محافظه کارانه تهیه شده است. این کتاب دارای مقدمه ای با ارزش است که خواننده را از اهمیت متن و تجدید آن آگاه می نماید، و فهرستی از نوشته های اساسی کتاب مقدس را شرح می دهد. نقطه قوت این کتاب در زیر نویس های آن است که نویسنده سعی کرده ریشه و اساس آیات مختلف و نقاط قوت آنها را توضیح دهد که این خود باعث دگرگونی در متن و شکل گرفتن قضاوت خواننده خواهد شد. این قسمت از کار نویسنده کتاب را بسیار با ارزش ساخته و ما آنرا به همه شاگردان کتاب مقدس بعنوان یک وسیله خوب کمکی در کلاس همراه با نسخه تجدید شده اصلی پیشنهاد می کنیم.

{ ترجمه نوین عهد جدید بوسیله ج. ن. داربی }

همراه با این متن و اعداد در کتاب مقدس را که اطلاعات خوبی در مورد فصول درخواستی می دهد، و همچنین از ترجمه با کیفیت بسیار بالایی برخوردار است را هم توصیه می کنیم.

{ *آرزو مندیم یک نسخه از این چاپ جدید با ارزش بدون همراه داشتن یادداشت ها نیز به چاپ رسد. }

بدین ترتیب تا کنون ما بررسی را در باره خود متن ادامه دادیم. برای آنانیکه مایل می باشند که موضوع را عمیق تر کاوش نمایند، ما آنها را به کتاب های فوق العاده خوب نقد و بررسی عهد جدید راهنمایی خواهیم کرد. از میان این ها چند جلد مختلف را نام می بریم. " کلام عهد جدید، " گرد آوری شده بوسیله ملیگان و رابرتس، و نظر کسانی را که خواهان اندازه بزرگ هستند به " کتاب، عهد جدید با بررسی و نقد " از اسکریونر جلب می نماییم.

تمام آنچه که در باره متن و نوشته سخن گفته، در باره عهد جدید است. عهد عتیق به همین ترتیب که هست باقی می ماند، متن یهودی آن، و نوشته هایی مانند عهد جدید که چندان قدیمی نمی باشند، چندان با هم متفاوت نیستند که نیاز باشد در کتاب دیگر به چاپ رسند. ترجمه عبرانی به یونانی و دیگر نمونه ها این قدر نا مطمئن هستند که به خودمان اجازه نمی دهیم که آنها را پیشنهاد کنیم تا مبادا از ارزش نسخه های کنونی کاسته شود.

عهد عتیق چاپ جدید و بویژه کتاب آقای داری، هر دو مفید می باشند. و همان بخش از کتاب مقدس عدد دار که در این رابطه منتشر شده آن هم موارد استفاده زیاد دارد. به هر ترتیب تا این جا بحث ما بطور کلی در باره متن و نوشته جات متمرکز بوده است. زمانی که به ترجمه می رسیم، همانطور که تا کنون با آن مواجه بوده ایم، متوجه می شویم که هر کدام از نمونه ها ارزش خاص خود را دارا می باشند.

هر نسخه خوب به زبان ما و یا دیگران در واقع ترجمه از متن اصلی با مقداری نقطه نظرهای متفاوت می باشد. ما از آنها یک تازه شروع نموده اند درخواست نمی کنیم که به ترجمه های دیگری غیر از اینکه اعلام کردیم مراجعه نمایند. اما به شاگردان قدیمی و پیشرفته خواهیم گفت که هر ترجمه اصیل و جدید می تواند برای پیشرفت آنان موثر و مفید باشد. بدین جهت " ترجمه منتقدانه عهد جدید " از آقای روتمن و ترجمه معروف و آموزنده آقای آلفرد و هر قسم ترجمه راستین و قابل اعتماد که اصالت متن قدیم را حفظ کرده باشد را پیشنهاد می کنیم.

البته ما صحبت از آن ترجمه های ضعیف و تعبیرهای مسخره آمیز و حرمت شکن که بجز بی احترامی به کلام خداوند چیز دیگری به همراه ندارند را نمی کنیم. به این گونه نسخه ها حتی اگر با نیت درستی هم تهیه شده باشند نباید دست زد. بیان کردن کلام خدا به زبان روزنامه های معمولی بطور حتم ثمری نداشته بلکه لطمه بزرگی بیار خواهد آورد. اگر شخصی با زبان دیگری تکلم می نماید کاری کنید که بتواند یک نسخه از کلام خدا را به زبان خود داشته باشد. تمام این موارد هر کدام می توانند به سهم خود مفید واقع شوند.

شاگرد پیش رفته حتی می تواند یک یا دو جلد عهد عتیق به زبان عبری مطالعه نماید. این کار در ابعاد مختلف اشاراتی خواهد داشت، و از آن جمله نشان می دهد که چگونه شهادت برای کار عظیم عیسی مسیح نا گفته مانده است. حقیقتاً، آنان صدای پیامبران را نشنیده اند، که هر سبت از درون این کلام مقدس اعلام گشته است.

۳. متن اصلی. در اینجا شاید بتوان چیزی در مورد متون اصلی بیان نمود. تعداد اندکی از شاگردان کلام خدا قادر خواهند بود متن اصلی آن یعنی عبرانی و یونانی را قراعت کنند، و ما هم آنچه را که برای شاگردان انگلیسی زبان توضیح می دهیم برای سایرین نمی توانیم بیان کنیم. و کار نادرستی هم نیست، چون کسی که تازه از کالج فارغ التحصیل شده، و زبان یونانی را زیاد نمی داند، بیشتر مطالب را به اشتباه خواهد فهمید.

نمی گویم که یک محقق مستقل باید این کار را انجام دهد، ولی کسیکه بخواهد یک کار معمولی را پیش برد باید از دانش زبان یونانی متوسطی بهره مند باشد. با وجودی که جزئیات بیشماری می توانند یک ترجمه را خراب کنند، می شود به سادگی توسط یک شاگرد متوسط آنها را از میان برداشت. مثلاً موضوع ساده کلمات مترادف را در نظر بگیرید و یاد مورد حروف اضافه نیز شرایط به همین طریق است. نباید چیزی از معنی کلمات و زمان آنها در سایه ابهام قرار بگیرد و این یک فرصت مناسب است برای تحصیل یک شاگرد عادی که مهیا کرده ایم.

آخرین آیه از رومیان. ۱۲ نشان می دهد که چگونه بوسیله بکار بردن حروف اضافه معنی آیه در سایه ابهام قرار گرفته است. "مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز". در اینجا به "بدی و یا شریر" بعنوان یک قدرت از بیرون نظر انداخته شده و می تواند براحتی بر ما چیره شود. ولی در سمت دیگر، "خوب" فضایی است که ما باید در آن زندگی کرده، و ساکن شویم، و در قدرت این سکونت بر شریر غالب شویم.

اغلب شما با فصل ۲۱ انجیل یوحنا آشنایی دارید، و دیده اید که نویسنده در این باره و اینکه بعد از آن انکار تأسف بار پطرس چگونه دوباره او را اعاده کرده و ارتقاء می دهد. در این جا خداوند از کلمه پر قدرت و الهی "محبت، آگاپه" صحبت می نماید، در حالیکه پطرس در جواب از محبت انسانی سخن می گوید. از این جواب پطرس که کلمه دوست داشتن انسانی را به کار می برد، متوجه می شویم که اعتماد به نفس بیهوده

پطرس به بی اعتمادی تبدیل شده بود، و بی اعتمادی را هم نباید اجازه داد که زیاد از حد شود، چون در غیر اینصورت به فروتنی کاذب تبدیل خواهد یافت.

بنا بر این آنکه به زبان یونانی آشنایی دارد باید از آن استفاده کرده، و سپاسگزار باشد. چون یکی از راه های خوب و لذت بخش برای مطالعه است، و نتایج سودمندی ببار خواهد آورد. و اما از طرف دیگر برای یک شاگرد متوسط کتاب مقدس که و قتش محدود است به چند دقیقه مطالعه در روز ما هیچ وقت خواندن عهد جدید به زبان یونانی و پیچیده کردن کار برای او را پیشنهاد نخواهیم کرد، اما برای تشویق آنان که وقت کافی داشته و تا اندازه ایی زبان یونانی را در مدرسه خوانده اند و مایل هستند عهد جدید را به آن زبان مطالعه نمایند، می گوئیم ارزش دارد که روزی چند ساعتی وقت خود را به این کار اختصاص دهند.

ما کتاب مفید آقای دکتر گرین به نام "گرامر عهد جدید" و کتاب "راهنمای عهد جدید یونانی" به قلم آقایان ویندرز و هارپر را معرفی می نمایم. ما هم به سهم خود هشدار می دهیم که در این امر کار کشته نیستند می دهیم. سعی نکنید متعصب باشید، از مثال زدن به زبان یونانی برای آنهایی که آن را نمی دانند بپرهیزید، تجربه های کم اهمیت و نا چیز خود را مبنای اصلی کلاس یکشنبه ها و سایر جلسات نکنید. معمولاً آنان که دانش کافی و اصیل دارند دیرتر از آنان که معلومات سطحی دارند آنرا عرضه می کنند.

ما باید دستور پولس رسول را همیشه بیاد آوریم که گفته است، "فکری فروتن بر تن کنید." هر آنچه در باره عهد جدید سخن گفته ایم، عهد عتیق را نیز شامل می شود. عبرانی زبانی به مراتب سهل است، و مانند زبان یونانی مشکل نمی باشد. و در عین حال برای الهام عهد عتیق و رساندن پیام الهی انتخاب شده است. این یک زبان تجسمی، و نمونه بوده که برای نگاشتن و رد یابی زمانها بسیار مناسب است. زبانی زیبا و ساده، و انعطاف پذیر که می شود با آن بسادگی احساسات عمیق را بیان کرد.

ولی به هر حال ندرتاً بعلت ظرافت خاصی که دارد در بعضی موارد ابهام آمیز می شود، برای مثال انجیل یوحنا و یا رسالات پولس گاهی از این موارد در آنها دیده می شود. اما زبان یونانی یکی از بهترین ابزار موجود برای بیان حقیقت مطلق و صریح می باشد، اما در ایام عهد عتیق، که هنوز زمان ابراز حقیقت صریح مناسب نبوده، استفاده از زبان عبرانی با دار بودن کیفیتی ساده در اولویت قرار گرفته است.

ریشه یابی لغات در زبان عبرانی جالب است، و همانطور که می دانیم اسامی در این زبان اهمیت خاصی دارند و باعث شده اند که توجه زیادی به نوشته جات و آیات کتاب مقدس معطوف شود و بعضی نکات فراموش شده یادآوری گردند.

خوب است یک اشاره مختصری هم در مورد این زبان شده باشد، همانطور که معروف است در زبان یهودی بیشتر از دو زمان گذشته و آینده چیز دیگری وجود ندارد. زمان حال حاضر یک نقطه تغییر است بین این دو، که اشاره به حقیقتی عمیق می کند. علاوه بر این، مکالمه در زمانهای مختلف است که باید اشاراتی نیز به آن بشود. برای مثال در پیدایش ۱: ۱ در این آیه ساده آمده است: "در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید." این یک زمان ساده ماضی می باشد. که ما را به ابتدا می برد.

اما اتفاق بعدی در گذشته ذکر نشده است، بلکه در آینده بوقع پیوسته، ولی ترجمه ساده آن در زمان گذشته بوده است. در واقع ترجمه کلمه به کلمه آن چنین خواهد بود: "و خدا خواهد گفت، نور واقع شود." عملاً ما را همراه خدا در ابتدا برده تا کاری را که در شرف انجام آن است ملاحظه کنیم، و مانند این است که بپرسیم کار بعدی چگونه خواهد بود؟ و جواب قبلاً داده شده باشد، و خدا خواهد گفت، نور واقع شود، و خدا خواهد دید که نور نیکوست."

به کلامی دیگر این زبان بطور بسیار وسیع مهیج است. به جای نقل روایت، تمام صحنه را پیش روی ما قرار می دهد. کسی که به این زبان آشنایی داشته باشد اشارات و اطلاعات سودمندی نصیب خود خواهد کرد، و پیشنهاد ما برای آنان که این زبان را قدری می دانند این است که با مطالعه اندک روزانه، خود را همیشه با نشاط و سرزنده نگه دارند. اگر فقط روزانه پنج دقیقه به زبان های یونانی و عبرانی وقت صرف کنیم، همه آن چیزی را که یاد گرفته ایم حفظ خواهد شد.

آنهاییکه مایل هستند که با زبان عبرانی بیشتر آشنایی پیدا کنند، کتاب های زیر را معرفی می کنیم: "گرامر ابتدایی عبرانی از دکتر دلیو. اچ. گرین، و منتخبات عبرانی از همین نویسنده کتاب های مفیدی خواهند بود.

۲. آیه یاب (کشف الآیات)

ما اول از فهرست و موضوعات کتاب برای شاگردانی صحبت می کنیم که پیشرفت آنها حتمی است. تعداد اینها زیاد است، ما هم سعی خواهیم کرد که بهترین ها را پیشنهاد کنیم. در انتخاب کتاب راهنمای مطالب شخص باید بداند که خواست او چیست، اما این هم غیر ممکن است که همه مطالب در یک کتاب جمع شده باشند. اولین چیز مهم برای شاگرد کتاب مقدس داشتن فهرستی است که بصورت الف و یا بوده، و دارای لغات و کلمات کافی برای مراجعه و یافتن معانی مناسب باشد.

نمونه خوب از این فهرست مطالب می توان به کتاب آقای کرودن اشاره کرد، که با تجدید چاپ های متعدد و داشتن خصیصه های عالی هنوز هم بهترین نمونه از این گونه کتابها می باشد، و ما آنرا به همه شاگردان پیشنهاد خواهیم کرد. البته این کتاب بطور عمده از روی حروف الف و یا نیست اما کلمات مشابه را در گروهی واحد جمع کرده و در مورد آنها توضیح داده است. یکی دیگر از فهرست راهنمای مطالب کتاب آقای والکرز است که ما آنرا نیز پیشنهاد می نمایم.

"فهرست جیبی اکسفورد" هم یک کتاب کوچک و قابل حمل در همه جا است، اما بدلیل مختصر بودن برای استفاده دائمی پیشنهاد نمی شود. بهترین فهرست گویایی که با آن آشنا هستیم "فهرست جامع کتاب مقدس" است که تمام کلمات انگلیسی بکار رفته در کتاب مقدس را در خود دارد، و علاوه بر آن اسامی استفاده شده هم به ترتیب حروف الف و یا ذکر شده است. بعضی از حروف تعریف و ضمائر حذف گشته، و همه را در ضمیمه ای جداگانه در آخر کتاب آورده است. با همه کار کلان نویسنده و با احترام به سعی و کوشش وی، نیازی به داشتن آن نمی بینیم.

با همراه داشتن فهرست، خواننده انگلیسی زبان می تواند به هر نوع لغتی به جز آنهایی که یاد آوری کردیم، مراجعه کرده و آنرا بیابد، او دیگر با تقسیم بندی ها و گروه های مختلف و فهرست های گوناگون سردرگم نخواهد شد. علاوه بر این هر کلمه دارای شماره است، و در عین حال گونه های مختلف نشان می دهند که آیا این کلمه عبرانی و یا یونانی بوده. و این شماره ها به ترتیب خود، در دو قسمت معین جا سازی شده اند، که در آنجا اصل یونانی و یا عبرانی آن داده شده است، و هم چنین به زبان انگلیسی هجی و معنی شده اند. و به این ترتیب ارتباط ما با زبانهای اصلی حفظ گشته است. این از بهترین فهرست هایی است برای آنهایی که می خواهند فقط یک جلد از این کتاب داشته باشند. ولی با وجود بزرگی و حجم زیاد آن خیلی ها از داشتن آن منصرف می شوند.

فهرست الف و بای آقای یانگ در مواردی با کتاب آقای استرانگ تفاوت دارد. در اینجا کلمات انگلیسی به ترتیب الف و با نوشته شده اند، و در زیر هر کلمه انگلیسی، کلمات متعدد اصلی آنرا ترجمه کرده اند. در اینجا فهرست مرجعی وجود ندارد، بلکه کلمات مختلف اصلی که به انگلیسی ترجمه شده اند، در لیست جداگانه به ترتیب و با عنوان انگلیسی قرار داده شده اند. کتاب آقای یانگ از دقت و صحت خوبی برخوردار می باشد، چون کلمات اصلی به زبان انگلیسی ترجمه شده اند.

در اینجا تنها موردی که قصور نموده، همه کلمات اصلی را نیاورده بلکه بخشی از آنها را نوشته است. در واقع او این نسخه را به زبان انگلیسی تهیه کرده، درحالیکه زبان اصلی کنار مانده است. کتاب های بعدی: "فهرست انگلیسی عبرانی و کلدانی" و "فهرست انگلیسی یونانی" نوشته آقای جی. وی. ویگرام است، که به نظر ما از بهترین در نوع خود می باشند. این کتاب ها بر اساس زبان اصلی تهیه گردیده و ترتیب حروف هم به زبان انگلیسی نگاشته شده است.

در زیر هر کلمه اصلی به زبان انگلیسی توضیحات لازم داده شده است، کلمات انگلیسی که در این ترجمه ها بکار رفته اند به صورت حروف کج نوشته شده اند، که باعث شک و تردیدی نشوند. بدین ترتیب برای یک خواننده معمولی بر پایه زبان انگلیسی فهرستی تهیه شده که زبان های اصلی آن حفظ گردیده اند. یعنی در حالیکه متن به زبان انگلیسی هجی شده، یونانی و عبرانی مشخصه های خود را حفظ نموده اند.

بنابراین، ما کتاب آقای ویگرام و به خصوص آنکه به زبان یونانی نوشته شده را به همه ترجیح می دهیم، و فکر می کنیم برای ادامه تحصیل بهترین کتاب ها است. به هر حال همانطور که قبلاً گفته ایم، فهرست آقای استرانگ زمانی که می خواهیم فقط یک کتاب داشته باشیم، بهترین خواهد بود. و در اینجا ما کتابهای آقایان استرانگ و ویگرام را پیشنهاد می کنیم.

ما خیلی کم از کارهای دیگران صحبت به میان می آوریم، اما در میان این کارها: "تجزیه و تحلیل کتاب مقدس" از آقای هیچکاک، فهرست آقای بولینگر و هودسن، و کتاب جیبی برای دانش پژوهان نوشته آقای اشمیتز، را از همه بهتر دانسته و آنها را پیشنهاد می کنیم.

علاوه بر این فهرست های نمونه، ما کتابهای زیر را نیز پیشنهاد می کنیم: "کتاب اصلی با عنوان جدید" با مقدمه ای از دکتر توری، که در آن فصل های مختلف کتاب مقدس در یکجا جمع آوری شده اند تا یک عنوان بخصوصی را توضیح دهند، این کتاب کوچک برای مطالعه عنوانهای کتاب مقدس بسیار مفید خواهد

بود. کتابی از آقای ترگلر با عنوان "لغت نامه عبری پیدایش" و همچنین دیکشنری عهد جدید به زبان یونانی آقای دکتر رابینسون را معرفی می کنیم.

۳. دایره المعارف کتاب مقدس (قاموس)

در استفاده وسیع از کلام خدا، دیکشنری کتاب مقدس نوشته آقای فاست، در نوع خود از بهترین ها بوده، و پر است از مطالب تحقیقی و حقایق روحانی که برای درک بیشتر حقیقت مفید خواهد بود. یکی دیگر از دیکشنری های خوب، مربوط است به آقای موریش که آن هم از مزایای زیادی برخوردار است.

دیکشنری آقای اسمیت، که هکتس آنرا در چهار جلد منتشر نموده است. کتابی است که برای کارهای تحقیقی مفید خواهد بود، و از صحت و درستی کاملی برخوردار می باشد. از دیکشنری های دیگر که برایتان پیشنهاد می کنیم، یکی مربوط است به آقای هاستینگس و دیگری از آن آقای دراپور می باشد. اگر چه انتقاد در باره این دو جلد زیاد بوده، اما در نوع خود کتاب های مفیدی هستند.

از دیگر کتاب های مفید و کمک کننده می توان از دیکشنری آقای دیتو و کتاب اصول جامع الهیات از آقایان مک کلینتاک و استرانگ نام برد که ده یا دوازده جلد می باشند. دیکشنری آقای شاف هرزاق که انگلیسی و آلمانی بوده و برای خوانندگان معمولی پیشنهاد می شود. و جلد کوچک دیگری هم از دکتر شاف موجود است. و دو جلد کتاب جیبی عهد جدید و عهد عتیق که خیلی هم مفید هستند از آقای واتر اسکات معرفی می شوند.

بعضی از این ها را می توان در کتابخانه بعنوان دست دوم نیز خریداری کرد. اما برای کسی که مایل است فقط یک جلد خریداری نماید ما کتاب آقای فاست را معرفی می کنیم.

۴. خلاصه کتاب مقدس

یک بخشی را به کتاب هایی اختصاص خواهیم داد که بین کتاب های تفسیری و دیکشنری می باشند. و این ها را رئوس مطالب کتاب مقدس نام گذاری می کنیم. آنها کل کتاب مقدس را بطور اختصار در دسترس ما قرار می دهند، موضوعات را خلاصه کرده، و در مواردی جزئیات را بطور عمیق موشکافی نموده، و زیر ساخت های آیات را بطور کامل بیان می کنند.

۱. "کتابهای موجود کتاب مقدس" نوشته جی.ان.داربی، یک کتاب جیبی کوچک قابل حمل در همه جا، و تقریباً در کمتر از یک ساعت می شود همه آن را مطالعه کرد. کتاب بصورت اختصار بوده اما اطلاعات خوبی از کلیه کتابهای موجود در تورات و انجیل فراهم می آورد.

۲. "طرح کلی کتاب مقدس" یک کتاب خوب و جامع از والتر اسکات که خلاصه کتابهای موجود در عهد عتیق و عهد جدید را در خود دارد و یک دانش خوب از شناخت کامل کتاب مقدس را به ما می دهد.

۳. "زیر ساخت شماره های کتاب مقدس" کتابی است از اف. دبلیو. گرانت که طرحی است کلی از همه کتاب های موجود، که نه تنها متن همه آنها را بررسی می کند بلکه موقعیت تک تک آنها را از نظر ردیف بودن در عهد عتیق و عهد جدید بازگو می نماید. کتابی بسیار مفید، و شاید بشود گفت آغاز فصل جدید برای مطالعه کتاب مقدس باشد.

۴. "از پیدایش تا مکاشفه" از اس. ریداوت. این کتاب به منظور تکمیل بررسی های آقای گرانت و با شرح مختصری از هر جلد از کتاب های موجود کتاب مقدس است، و به روش اختصار نوشته شده است، کتابی مفید و به زبانی محاوره ای، قابل فهم و دارای نتایجی با ارزش می باشد.

۵. "خلاصه کتابهای موجود در کتاب مقدس" نوشته جی.ان.داربی. شاید تا کنون هیچ کتاب غیر الهام شده ای مانند این پنج جلد نتوانسته این گونه کلام خدا را با در نظر گرفتن همه چیزها و با فروتنی نوشته باشد. دو جلد به عهد عتیق اختصاص یافته، و سه جلد به عهد جدید پرداخته است. در اصل به زبان فرانسوی نوشته شده بودند، اما بعد مطالبی چند توسط نویسندگان اضافه شدند، آنها بوسیله این نویسندگان متعهد و دانشمندی که خادم با وفای مسیح بوده نوشته شدند، و هدف اصلی این کتابها هم برای تعلیم و تهذیب فرزندان خدا بوده است. نویسندگان این پرثمر که نزدیک به چهل جلد کتاب نوشته است، شاید به درستی بشود ادعا کرد که حتی یکی از آنها هم بدون هدف مشخص نوشته نشده است. آثار و شواهد موجود همه گویای این امر هستند که تمام کتابها برای تهذیب و تعلیم مقدسین برشته تحریر در آمده اند.

او دانشی بیش از حد معمول داشت، ولی بدون تظاهر و فضل فروشی بود، فکرش برتر از هر کسی در زمان خود بوده، و آمیخته با سادگی یک بچه وفادار و مشتاق، ما نمی توانیم به این آسانی از نوشته های این خادم با وفای خداوند ایراد بگیریم. کتاب های اختصاری او همیشه برای کسی که کلام خدا را مطالعه می کند، منبعی از

دانش باقی خواهند ماند. آقای داری دارای عطایای مافوق طبیعی بوده، و تمام نوشته های او در مسیری روشن و همگام با روح القدس می باشند.

او می توانست یک کتاب را در چند پاراگراف خلاصه کند. و با استفاده از چند کلمه کتاب را تقسیم بندی می کرد. کار او در ارتباط برای خواندن ساده کلام خدا با ارزش می باشد. اگر چند دقیقه ایی برای مطالعه فصل خاصی وقت بگذاریم، موضوع کاملاً روشن خواهد شد. و در حالیکه همه این کار مربوط است به سرتاسر کتاب مقدس خلاصه شده، در مورد سه جلد از عهد جدید ویژگی خاصی دارد، و در مواردی در رساله ها هم نمایان است، جاییکه حقیقت مسیحیت که برای مدت مدیدی گرفتار ابهامات بوده، به نور راستی آورده شده است. برای آنانکه به کتاب مقدس اختصاری آشنایی دارند نیازی به گفتن نیست، ولی برای آنهایی که مایل هستند درکی واضح و روشن از کلام خدا حاصل نمایند، کتابهای داری را پیشنهاد خواهیم کرد.

۶. علاوه بر اینها، کتاب مقدس نوشته اف. دبلیو. گرانت که عهد جدید و بخشی از عهد عتیق را هم در بر می گیرد به علاقمندان پیشنهاد می کنیم. این کتاب هم مانند کتاب مقدس اختصاری کاری بی نظیر و محصول سالها تلاش و بردباری است. درج عقیده راسخ او در متن این کتاب در باره الهام و کامل بودن کلام خدا آنرا نوشته ایی پر ارزش کرده است.

۵. عنوان بندی و موضوعات خاص

برای اینکه شاگردان کتابهای مفیدی در دسترس داشته باشند رئوس کلی چندین کتاب را به آنها پیشنهاد می کنیم. در ابتدا از کتابهای ساده شروع خواهیم کرد. خیلی از اینها در حدود جزوه و رساله به چاپ رسیده اند، اما به هر حال چیزهای با ارزش برای تحصیل و مطالعه می باشند.

۱. "خداوند می آید،" از سی. استانلی

این اولین کتاب چاپ شده در مورد نبوت ها می باشد، که در حد زیادی تکثیر یافته است. دارای ساده ترین نمودارها است، که بدون خطا و ایرادی حقایق کلام را جستجو می نماید. گفته شده است که آقای استانلی اول دیاگرام را بر روی درب طویله با گچ کشیده است، تا حقایق عظیم خدا را به هموطنانش نشان دهد. ما فقط می توانیم بگوییم این کتاب برای همه واعظین و معلمین که حقیقت کلام خدا را دنبال می کنند بسیار مفید خواهد بود.

"خدا در باره بازگشت دوباره مسیح چه گفت" "و در باره سلطنت ۱۰۰۰ ساله" نوشته شده توسط همان نویسنده. "ربوده شده با داماد و خدمت در حضور پادشاه" "تبدیل در یک لحظه" "او با ابرها می آید" نامه هایی برای آمدن خداوند" بوسیله سی.اچ.ام "راز پادشاهی آسمان"

کتابهای بزرگ:

"هشت مطلب برای نبوت" نویسنده آقای تروتر، "نامه های ساده برای نبوت" از همین نویسنده. کتاب اول ساده و با ارزش برای آنهایی که تازه شروع کرده اند، دومی در باره موضوع خیلی ریشه دار بررسی نموده و یک خلاصه ای مفید تهیه نموده است. شاید بهترین کار در باره نبوت باشد. ما این کتاب را از صمیم قلب پیشنهاد می کنیم.

"اسرائیل و کلیسا، خداوند دارد می آید" از تی.بی.بینس، "یک کار خوب و سادگی و واضح بودن از مشخصه های خوب این کتاب می باشد. کتاب های خوب دیگری در یک لیست مختصر ارائه خواهد شد.

این کتاب را هم به لیست اضافه می کنیم "درسهایی از دوران ها،" نویسنده اف.دبلیو گرانت، کتابی ساده و واضح، کمک کننده برای باز گویی و تشریح آیات، مطالعه این کتاب ۱۲۵ صفحه ای را به همه پیشنهاد می کنیم.

قبل از اینکه موضوع را به پایان برسانیم، متوجه شدیم که یک کتاب خوب "جدول زمانی،" از ای.بوت، با یاد داشتنی به نام "یک کلید" بدون معرفی باقی مانده است. در این کتاب نشان می دهد که چگونه هر روز نمونه ایی از سرآغاز تحولات عظیم خلقت است.

اولین روز که خدا نور را آفرید نشان می دهد که چگونه نور وعده خدا بر دریای متلاطم بشریت از آدم تا نوح تاییده است.

در روز دوم، آسمان که در بالای زمین قرار گرفت، حاکمیت آن بر زمین برای اولین بار نمودار گشت.

روز سوم، ظهور و پیدایش سرزمین خشک، سالهای تاریخ اسرائیل از ابراهیم تا مسیح، جائیکه در دریای اقوام جهان، اسرائیل بعنوان مرکز آن برگزیده می شود تا خدا شریعت خود را به انسان نشان دهد.

چهارمین روز کلیسا را نشان می دهد، عصری که در آن زندگی میکنیم، جاییکه که پسر خدا، نوری که بالاتر از خورشید از آسمان بر ما می تابد.

پنجمین روز سرآغاز فصل برکت و باروری است، این برکت هم در آبها و هم در زمین قرار می گیرد.

ششمین روز، دوره سلطنت هزار ساله، جاییکه به مرد و زن بعنوان سمبل مسیح و کلیسا،

برای حکومت بر روی زمین اقتدار داده شده است.

هفتمین روز سبت است، آرامش ابدی خدا جاییکه گناه هر گز نمی تواند داخل شده و خلقت تازه او را

زایل نماید.

۶ . تفاسیر

ممکن است بعضی از خوانندگان ما به این کلمه تعجب کند، بخصوص بعد از اینکه این همه توضیح در مورد نسخه اصلی داده شده است. ما فقط می توانیم بگوییم دو نوع کتاب تفسیری وجود دارند و ما نباید از کلامی ترس داشته باشیم که بد بکار برده شده است. آیا کتاب کوچک ما چیزی نیست به جز تلاشی برای تاباندن نور کلام خدا؟ این همه نوشته که ما پیشنهاد کردیم، همه به نوعی تفسیر تلقی می گردند و همه برای رساندن و پخش کلام خدا مفید هستند. اینها در واقع کتابهای تفسیری، به نام های دیگر هستند و نباید آنها را کوچک و کم اهمیت بشماریم.

در حقیقت هر آن چیزی را که یک شاگرد از نسخه های اصلی جمع آوری می نماید، به طریقی کمک کننده و مفید خواهد بود. بنابراین ما مایل هستیم که در این رابطه لیستی سخت به شما ندهیم - یک چیز غیرممکن، و نه می خواهیم هر تفسیر خوب را هم از قلم بیاندازیم، که این یک امر محال خواهد بود، و حتی مایل نیستیم که چیزهای تکراری را دوباره بازگویی کنیم، فقط می خواهیم به سادگی پاسخ سئوالاتی را داده باشیم که به ذهن شاگردان کتاب مقدس خطور می نمایند.

۱ . همانطور که در مورد همه تفسیرهای کتاب مقدس، قبلاً یاد آوری کردیم، "کتاب مقدس" نوشته شده

بوسیله اف. دبلیو. گرانت را قدری بررسی می نماییم. اگر چه این کتاب فقط بخشی از عهد عتیق و تمام عهد

جدید را شامل می شود، و قبلاً هم در باره اش صحبت کرده ایم و می دانیم کتابی است که بسیار با دقت تهیه شده است. ما در اینجا بحث مان را محدود می کنیم به تفسیر و تحلیل نوشته های کتاب مقدس، و بدرستی می گوئیم بعقیده ما یک چنین کتاب با ارزشی همتا ندارد.

در یک کتاب تفسیری نمی شود همه موارد را تفسیر و معنی نمود. یعنی ممکن نیست هر آیه را از نظر دستوری بصورت عملی ارزیابی و تشریح کرد. بلکه فکری است که از هر متن در پس خود با وسعت و محتوای هر کتاب بوجود می آورد، و آن فکر در مسیر و خواست روح القدس هم در شکل و هم در محتوا قرار می گیرد. اهمیت مسائل روحانی همیشه یک معیار مخصوصی را می طلبند، و هر زمان این موارد بصورت واضح مشخص می شوند، یک راه حلی برای درک واقعی آیات کتاب مقدس فراهم می کنند. آقای گرانر بطور مخصوصی در روشن ساختن بخش های مختلف عهد عتیق کمک کننده هستند، برای نمونه تفسیر خیمه عبادت در خروج، قربانی ها در لاویان، مراسم و تشریفات آئینی در اعداد و تثنیه، همه موارد با ارزش، و قابل ذکر کردن می باشند. در حقیقت، مزیت ویژه این کتاب است که به ما سمت و سو داده تا مطالعه بیشتری انجام دهیم. این کتاب یک وسیله کمک کننده ایی است که ما را قادر می سازد تا تحقیقات خود را با آزادی و اعتماد ادامه دهیم.

در آخر این خدا است که قلب و وجدان و فهم را برای درک دانش الهی آماده می نماید، در غیر این صورت فقط داشتن اطلاعات از نوشته جات کتاب مقدس خطر آفرین خواهد بود. در این راستا دو جلد از اول پیدایش تا دوم سموئیل منبع و ذخیره "چیزهای جدید و قدیم" می باشند. جلد مجزای کتاب مزامیر یک کار فوق العاده است. ما می دانیم که هیچ نوشته ایی قابل مقایسه با تفسیر مزامیر در ارتباط با زیر ساخت ها، طرز بیان، و ارزش مسیح شناسی وجود ندارد.

همچنین خوشحال هستیم که بگوئیم تمام عهد جدید کامل شده است، و در این جا در انجیل ها، اعمال رسولان و رساله ها، و نیز مکاشفه، تفسیر کامل و مفید برای نوشته های مسیحی وجود دارد، و نیز کیفیتی دارد که می شود به آسانی برای توضیح و روشن ساختن موضوعات مبهم به آن مراجعه نمود. و این مورد برای شاگردان زیادی ثابت شده است. نه اینکه فقط متن واقعی را بیان می کند، بلکه نشان می دهد که طبیعت یک مرجع مناسب چگونه باید باشد و چقدر از خود کلام خدا مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. با قدری احتیاط ما "کتاب تفسیری جمیسون، فاست، و براون" را پیشنهاد می کنیم، که کاری است با ارزش که برای هر قسمت از کتاب مقدس در مسیر واقعی مسیحیت تفسیر و توضیح داده شده، اما از نقطه نظر

پخش حقیقت کلام که اهمیت خارق العاده ایی دارد دارای نقاط ضعف می باشد. برای آنانی که اهمیت پخش و باز گویی حقیقت را می دانند، همانقدر که دادن اطلاعات باستانی و تاریخی مهم است به همان مقدار هم روشن نمودن اصول و ماهیت کلام خدا ارزش دارد.

۳. یکی دیگر از تفسیرهای مشابه ولی تحقیقی، کتابی است بنام "تفسیر سخنگو" که بوسیله روحانیون کلیسای انگلستان نوشته شده است. ما این کتاب را هم به خاطر نوشتار اصیل و نوای حقیقی و همراه با احترام آن توصیه می کنیم.

۴. "تفسیر الیکات" هم از کتاب های با ارزش است، در حالیکه تفسیرهای اسکات و ماتیو هنری بیش از حد حجیم و دارای مطالب زیادی است که برای خواننده متوسط مورد استفاده چندانی نخواهند داشت.

۵. از کارهای خوب و فنی دیگری که ما می توانیم یادآوری نماییم تفسیر کیل و دلیتزچ از عهد عتیق می باشد، این کتاب تحقیقی و با ثمر بوده، اما بدون دانش پخش و اعلام حقیقت است. از عهد جدید هم به همین روش، اما با کاری متفاوت کتاب زیر را معرفی می نماییم:

"عهد جدید یونانی آلفرد" که در پنج جلد می باشد. نویسنده شخصی محقق و صاحب عطایا و دارای بصیرت در نبوت و حقیقت بوده، نوشته های او جالب و پر از اشارات است. و به خصوص متن کتاب او غنی و دارای مجموعه اطلاعات خواندنی متفاوت می باشد.

یک سری از کتابهای تفسیری اصولی، انتقادی، وابسته به تفسیر و فن موعظه، بسته به نویسنده ارزشهای متفاوتی دارند. در حالیکه بطور مشخص ناسالم و یا مضر و یا مظنون به کفر گویی هم نمی باشند. به ندرت یک نفر حاضر می شود که خواندن آنها را برای کسی پیشنهاد نماید. و کسی که می تواند آنها را خوب بفهمد باید هم چنین قادر باشد خطاها و ضررهای آنها را نیز تشخیص دهد. و با ارائه اینها فهرست کلی خود را به پایان می رسانیم و به معرفی چند کتاب مخصوص می پردازیم.

۱. سی. ا. چ. مکتاش "یاداشتهایی بر کتب پنجگانه عهد عتیق" ما قبلاً توضیح داده ایم و دوباره به گرمی این کتاب ها را معرفی می کنیم. و باید آنها جای خود را در قفسه هر شاگرد کتاب مقدس حفظ نمایند. همراه تعدادی دیگر آنها کلیدی شده اند که همه کتاب مقدس را باز کنند. نویسنده محبوب این کتاب ها شخصی پارسا و توانا و عطایی فوق العاده برای بیان مطالب داشت. به ندرت در زبان انگلیسی می شود به این

شیوایی و زیبایی مطلب نوشت. و این کاری است که می بایست در دستان کسی که تازه شروع می کند قرار بگیرد، و خیلی ها آرزو می کنند که نویسنده می توانست تمام کتاب مقدس را به این روش بنویسد. به هر صورت او اجازه نیافت که این کار را انجام دهد. بنابراین ما تا آنجاییکه می توانیم تعدادی کتاب تفسیری مشابه برای بقیه کتب مقدسه معرفی نماییم.

۲. "کتاب یوشع" از اچ. اف. ودربای، تا اندازه ایی با کار آقای مکتناش همخوانی دارد، و هم چنین دارای مقدمه ایی خوب و با اهمیت است. این کتاب تا کنون کمتر شناخته شده است. مطلب مهمی را باز کرده و تشریح می کند که ما آنرا "حقیقت افسسیان" می نامیم.

۳. "مطالبی در باره کتاب داوران" از اس. ریدآوت. محتویات این کتاب در چندین خطابه تشریح شده اند، شکست قوم اسرائیل در تصاحب همه سرزمین موعود و دور شدن آنان از خدا، و بکار گیری موضوعات و مسائل مطرح برای زندگی فردی زمان حال حاضر است.

۴. "خوشه چینی از کتاب روت" از همین نویسنده، همراه با سایر کتاب های کوچک شرح و بیانی جامع دارد.

همچنین "زمان برداشت محصول" از سی. ناپ" و نیز "روت، و یا برکت و آرامش" از سی. استانلی.

۵. "شائول پادشاه" مردی از پی جسم،" از اس. ریدآوت، یک تعداد یادداشت هایی از کتاب اول سموئیل بوده، و مانند روشی که در کتاب داوران دیده می شود، در اینجا شائول پادشاه شخصیت اول را دارا می باشد، و شرح کتاب هم مانند اول سموئیل از اول تا آخر آمده است. "زندگی و دوران داود پادشاه" از سی. اچ. مکتناش همان زمان را پوشش می دهد، "چوب دستی چوپانی و عصای سلطنتی" هم در این مورد نوشته شده است.

۶. "پادشاهان اسرائیل و یهودیه،" از سی. ناپ. این کتاب دوم سموئیل و تواریخ را شامل می شود که اطلاعات مفیدی در باره پادشاهان خوب و بد و آنانکه به تقسیم سرزمین اسرائیل و ارتداد آن کمک نموده، به همراه دارد. و بعد از اینها ویژه نامه های سی. اچ. مکتناش در باره یهوشافات، هزیکیا، ایلیا، و یوشیا هستند. "مفیوشات" "سنگهای قیمتی عظیم" "درها بسته شده اند و چراغها خاموش،" و همچنین رساله های جالب و با ارزش چارلز استانلی. "فکری در باره الیشا،" از جی. گی. بلت.

۷. کتاب های زمان اسارت، عذرا، نحμία و ایستر، که توسط ای. دنت و سی. استانلی و دیگران تفسیر شده اند. "اسرای یهودیه" از جی. گی. بلت کتاب با ارزشی می باشد. "دروازه های اورشلیم" از اچ. آ. آیرونساید، و نوشته همان نویسنده به نام "اشاراتی به ایستر" ما را به آخر کتاب های تاریخی می برد.

۸. کتاب "اشاراتی به ایوب" از دبلیو. کلی، ترجمه ایی جدید و خوب است که نوشته هایی هم در پایان هر فصل در بر دارد. آقای. مکتاش کتاب "ایوب و دوستانش" را نوشته است، و آقای استانلی "تبدیل ایوب" حتی بعد از نوشته آقای مکتاش باز هم جا هست که در باره این کتاب مطلب نوشته شود.

۹. کتاب آقای داربی بنام "بازتاب عملی بر روی مزامیر" و "کتاب ستایش" از سی. ایی. استوارت، "تفکر بر مزامیر، بطور عمدتاً از نظر خصوصیت نبوتی"، از جی. گی. بلت، "اشاره به مزامیر" از آرتور پرایدهم.

۱۰. "امثال سلیمان" از اچ. آ. آیرونساید، یک کتاب با ارزش و عملی که بر هر آیه ایی تفسیر دارد.

۱۱. از کتاب جامعه، ما این نوشته را "ناله های کهنه و ترانه های تازه" از اف. سی. جنینگ داریم، که در آن بزرگترین مسئله "آیا زندگی ارزش دارد؟" را در نور عهد جدید مورد بر رسی قرار داده، که به تنهایی می تواند جواب مثبت را بدهد.

۱۲. "تفکری بر غزل غزلها" از آ. میلر کتابی جالب و خواندنی، کار کوچک اچ. فرند نیز زیبا و مفید است.

۱۳. از کتاب اشعیا ما تفسیری با خصوصیات اینهایی که اکنون می خواهیم معرفی نماییم نداریم. "اشعای پیامبر" از دبلیو. کلی، کتابی قطور و تحقیقاتی بوده، و نیز از نقطه نظر اعلام حقیقت واضح و روشن است.

۱۴. "پیامبر گریان" از اچ. آ. آیرونساید، این نوشته خوب در باره کتاب ارمیا است که کاملاً آنرا شرح داده، و برای استفاده امروزی نیز کاربرد زیادی دارد.

۱۵. "یاداشتهایی بر کتاب حزقیال" از دبلیو. کلی، کتاب حزقیال را کاملاً مرور و با روشی سودمند مرور می نماید.

۱۶. "یاداشتهایی بر کتاب دانیال" از همین نویسنده، کاری است بسیار مفید و ساده از آقای آبرونساید که اخیراً انتشار یافته، شاید از هر نوشته ای در نوع خود مشهورتر باشد.

۱۷. "دوازده پیامبر کوچک"، از اچ.آ.آبرونساید، این کتاب نیز به طرزی روشن و عملی کتاب های این دوازده پیامبر را بررسی و تشریح می نماید.

فهرست کتابهای خود را که با نوشته های آقای مکتتاش همراهی خواهند کرد، از عهد جدید شروع می کنیم.

۱۸. در اینجا کتاب قابل تحسین آقای بلت "انجیلی ها"، که در آن نقطه نظرهای عمیق روحانی از شخصیت خداوند ما، بطور کامل تشریح شده است.

۱۹. "درسهایی از انجیل متی" کتابی فوق العاده از آقای. کلی، قدری بالاتر از سطح کتاب های دیگر، و الگوی خوبی برای خواندن اناجیل است.

۲۰. "اشاره هایی بر انجیل مرقس" از سی.ای. استوارت، و "پیامبر بزرگ خدمتگزار"، درسهایی از این انجیل، از دلیو. تی. تورپین کاری پر اهمیت و تعلیمی می باشد.

۲۱. یاداشتهایی بر انجیل لوقا، "از ظهور تا ظهور" از سی.ای. اسوارت، کتابی است که با زحمت های بسیار نویسنده تهیه گردیده، و دارای نقاط تعلیمی و کمک کننده زیادی هست.

۲۲. "یاداشتهایی بر انجیل یوحنا"، از آر. ایوانز، انسان را وارد روح این انجیل شگفت انگیز می نماید، که بلندیها و عمق آن ما را دعوت به دعا و تفکر و خواهد داشت. کاری است شبیه روش آقای مکتتاش که نظرهای بسیاری را به سوی خود جلب خواهد کرد.

۲۳. شاید بهترین نوشته ها در باره کتاب اعمال رسولان از آقای. داربی باشند، که در اصل به زبان ایتالیایی نوشته شده اند، آنها زیبا و پر محتوا هستند. آقای کلی هم در این باره نوشته هایی دارند.

۲۴. "یاداشتهایی بر رومیان" از جی.ان. داربی، و یکی دیگر از دبلیو. کلی بر همان رساله، می توانند برای بررسی و تشریح آن کار ساز و کمک کننده باشند. کارهای کوچکتر از سی. کرین و جی. فورت مطالب خوبی دارند که در دیگر تفسیرها کم پیدا نمی شود.

۲۵. برای قرنیتان، غلاطیان، افسسیان، فلیپیان، کولسیان، تسالونیکیان، آقای کلی جلد های متعددی به رشته تحریر درآورده که تاکنون مانند آنها کمتر دیده شده است. برای رساله های شبانی یعنی تیموتائوس و تیطس نیز همان سبک دنبال شده است.

۲۶. "نوشته هایی برای رساله به عبرانیان"، از اس. ریدآوت، مانند کتاب داوران نگاشته شده است، و جزئیات بیشتری تشریح شده اند، و به همین طریق سرتاسر رساله مورد بررسی قرار گرفته است. یکی دیگر از کارهای فوق العاده خوب تفسیر رساله از اف. دبلیو. گرانت می باشد.

۲۷. "بازتاب بر یعقوب"، از جی.ان. داربی شرحی مختصر از رساله یعقوب است.

۲۸. اول و دوم پطرس از دبلیو. کا، یهودا از اچ. آ. آیرونساید.

۲۹. رساله اول یوحنا، از جی.ان. داربی، و کار وسیع بوسیله دبلیو. کا. بر روی سه رساله باقی مانده.

۳۰. در مورد مکاشفه، تعداد قابل توجهی تفسیرهای خوب و روشنگرا موجود می باشند. "مکاشفه عیسی مسیح"، از تی.بی. باینز، ساده تر از کتاب مشابهی است که اف. دبلیو. گرانت نوشته، که کتابی عمیق و بطور کلی بهترین نوشته ایی که در این رابطه انتشار یافته است. روش آقای باینز بیشتر شبیه آقای. مکتاش می باشد.

بدین ترتیب ما سعی کرده ایم تا کتابخانه ای به منظور تشریح و توضیح تمام آیات کتاب مقدس برای خواننده ای با دانش متوسط پیشنهاد نماییم، که می شود آنرا تفسیر ابتدایی کتاب مقدس نامید، در حالیکه به هیچ وجه برای شاگرد پیشرفته مناسب به نظر نمی رسد.

بطور عمده این کتابها برای این نوشته شدند که "کلام حقیقت را به درستی پخش نمایند"، کارهای بسیار عالی موجود می باشند که اشاره ایی به آنها نرفته، بدون شک نویسندگان خوبی بودند که نامشان در اینجا ذکر نشده است. ما فقط بطور واضح و ساده از کتابهایی نام بردیم که خواندن آنها سودمند و امن بوده است. چند جلد هم در آخر به منظور استفاده در کتابخانه مسیحی به فهرست موجود اضافه می نمائیم.

۱. "حقایق و تئوریه‌های وضعیت آینده،" از اف.دبلیو.گرانٹ، این کتاب دارای موضوعی خوب و مهم و در واقع منبع حقیقت از نقطه و نظر مسئولیت انسان و داوری او در ابدیت به حساب می‌آید. در ارتباط با بازگشت دوباره خداوند، سلطنت هزار ساله، و سایر مطالب مشابه، ضرورت داشتن این کتاب را برای شاگردان کتاب مقدس و سایر مسیحیان محقق معرفی می‌نمائیم.

۲. "کفار" و "مسیح تاجدار،" دو تا کار از یک نویسنده در باره شخص و کار عیسی مسیح، از با ارزش ترین مقاله‌ها در مورد این موضوع می‌باشند.

۳. "پسر خدا،" از جی.گی.بلیت، "جلال معنوی عیسی خداوند،" از همان نویسنده، دو تا از کتابهای خوب و لذت بخش، و نشاط آور، که به ما حسی عمیق در باره ارزش والا و بدون قیاس خداوند می‌دهند. کتاب اول در مورد الوهیت او صحبت می‌کند، و کتاب دوم از انسانیت او سخن می‌گوید.

۴. "شخص و عملکرد روح القدس،" از اس.ریداوت، سعی و تلاشی است که این مطلب مهم را در جزئیات بیان می‌نماید، توجه خاصی شده به این ایده غیر کتاب مقدسی که می‌گوید تعمید با روح "برکت دوم" است، در حالیکه "پر شدن از روح" را کاملاً به رسمیت شناخته و اینکه هر کسی که ایمان آورده قبلاً از او پر شده است. کار روح القدس در ارتباط با کلیسا و خدمت، و پرستش، و همچنین عملکرد روح در پخش کلام حقیقت در گذشته و در حال و در آینده را شرح می‌دهد.

۵. "مکاشفات الهیاتی" از والتر اسکات، کتاب کوچک و جالب که عنوانهای متفاوتی از خدای پدر و عیسی خداوند را بازگو می‌نماید، این کتاب باید جایی در هر کتابخانه به خود اختصاص دهد.

۶. "تاریخ کلیسا مبتنی بر پیشگویی،" از اف.دبلیو.گرانٹ، "نوشته ای ساده برای کلیسای خدا،" از سی.ای.استوارت، و "مطالبی برای کلیسای خدا،" از دبلیو. کلی از کتابهای فوق العاده خوب می‌باشند. این‌ها و کتاب‌های مشابه باید در قفسه‌های هر کسی که می‌خواهد از تعلیم عظیم کتاب مقدس بهره‌برداری بگیرند.

۷. کتابخانه بدون کتاب شعر کامل نمی‌گردد. و این کتاب کوچک از خانم بیوان، بنام "آمدن،" و "اشعار تراستیجن و سوسو" را معرفی می‌نمائیم.

اینک لیستی کوتاه از کتابهایی که در باره موضوعی که پیش روی ما قرار دارد اضافه می نمایم، اکثر آنها چیزهایی را دارند که ما در مورد آن قبلاً صحبت کرده ایم. و برای مطالعه کتاب مقدس این باید زمینه خوبی باشد، چون مطالعه صرفاً نمی تواند وابسته به کتابهای جدید باشد.

۱. "چگونه کتاب مقدس را بخوانیم"، از دی.ال.مودی.

کتابی است کوچک، خوب و محرک، و در جهت همین موضوع راهنمایی های خوبی دارد. و ادعا هم نمی کند که وارد جزئیاتی شده که مورد نیاز شاگرد کتاب مقدس است.

۲. " چگونه از خواندن کتاب مقدس بیشترین استفاده را ببریم"، از آر.توری. دکتر توری همچنین مقدمه ای بسیار خوب بنام " موضوع تازه متن اصلی" که قبلاً در باره آن صحبت شده، به رشته تحریر در آورده است. اشارات او با ارزش می باشند. در این کتاب او بطور کلی در پی موضوع اصلی بر آمده است. نوشته هایش سازنده و از موضوع اصلی منحرف نشده و پیشنهادات او مفید بوده، و به خصوص تحلیلش از اول پطرس هیجان خاصی دارد.

۳. " چگونه کتاب مقدس را مطالعه نمایم"، از آی.ام.هالدمن.

این اولین کتابی است که موضوع اصلی آن با نام کتاب همخوانی دارد. ضمن اینکه کتاب از کیفیت بالایی برخوردار است، قطر و اندازه آن با قیمتش تناسب نداشته و خریدار باید انتظار این را داشته باشد. دکتر. هالدمن همچنین به شیوه های مختلفی هم اشاراتی دارد. بدون اینکه ادعایی در مورد این کتاب کوچک داشته باشیم، می توانیم این را اضافه نمایم که کتاب های بهتر از این ها را سراغ نداریم.

۷. نقاط برجسته در طول مطالعه

در خاتمه این کتاب کوچک، لازم است اشاراتی چند به مطالعه عمومی کتاب مقدس و ادبیات مخصوص و سودمند و مطالبی در ارتباط با آن داشته باشیم.

۱. با یک نگاه می توانیم بگوییم که در عصری زندگی می کنیم که خواندن و مطالعه کردن در حد بسیار بالایی قرار گرفته است. ادبیات انبوه این عصر از نوع بسیار سبک و توخالی آن همه جامعه را در بر گرفته است. در شهرهای بزرگ ما حتی کودکان روزنامه های رایج مملو از داستان های نفرت انگیز قتل و رسوایی را مطالعه می کنند. هفته نامه های مبتذل، و تعداد بیشماری از این قسم مجله و نشریه، که هر کدام تیتتر خاص و تأثیر گذار خود دارند، خوراک معنوی اکثریت عظیم جامعه را فراهم می نمایند.

علاوه بر اینها کتابهای داستانی فراوانی وارد بازار شده و بطور حریص وار بلعیده می شوند. در میان همه این ها ما چیز کمی برای گفتن داریم، و آن اینکه به آنان یاد آور شویم، سمتی که این جهان در حال پیمودن است از آن ما نمی باشد. ما این موضوع را بطور جدی در قلبهای خود مورد بررسی قرار می دهیم، که چنین مطالب و نشریات نه تنها در بسیاری از شرایط زخم زنده است، بلکه با بوجود آوردن احساسات خدانشناسی و رشد دادن افکار دنیوی، و ایجاد خوراک مضر معنوی و به ویژه منافع زندگی ابدی ما را مورد تهدید قرار می دهند.

بنابراین در اینجا دلیل اینکه چرا فردی مسیحی و جوان نباید با چنین ادبیات مسمومی آشنا شود مشخص می شود. هر چیزی که لذت کتاب مقدس را از بین می برد، و یا باعث می شود که کتابهای تفسیری برای درک مطالب آن بکار روند، مطمئناً برای پیشرفت معنوی ما مفید نمی باشد. و آنها نمی توانند از جانب خدا باشند، بلکه از سمت مخالف خواهند بود. ما نمی توانیم جملاتی مانند اینها را با آیات کتاب مقدس یکسان بدانیم: "هرکاری را که در کلام و در عمل انجام می دهید، همه در نام عیسی خداوند باشند، و خدای پدر را شکر گوید."

ما نمی خواهیم باریک بین و شرعی باشیم، اما این خطر مخصوص این زمان که ما در آن زندگی می کنیم نیست. اگر می خواهیم از مسیح دور نگردیم و از این دنیای گناه آلود رو به انهدام بدور باشیم، باید اجازه دهیم که ما را کوتاه فکر نیز بخوانند!

اگر چه نمی خواهیم سوء تفاهم پیش آید، جمله ای برای گفتن داریم: آنچه که ما گفته ایم اینطور نیست که با پی گیری اخبار و خواندن مجله و روزنامه، فرزندان خدا به اسارت در خواهند آمد. مسیحی می تواند خود را با آنچه در دنیا در حال انجام است آشنا نماید، بخصوص از اتفاقاتی که روزانه بوقوع می پیوندد. به هر حال نگاهی گذرا به روزنامه برای این موضوع کافی می باشد، فقط باید مواظب باشیم که بسیاری از انسانهای قوی به همین طریق توی تله افتاده اند.

کتابهای محدودی هستند که تاریخ کلیسادر آنها بصورت مشروح نوشته شده است، که در بعضی از آنها شخصیتهای افسانه ای هم وجود دارند. بعضی از اینها امکان دارد سودمند باشند و دیدی روشن از وقایع تاریخی به جوانان ارائه دهند. ولی بعضی از آنها را مطلقاً نمی شود پیشنهاد نمود. بدون بررسی کیفیت آنها نمی توانیم بگوییم تمام از شریر هستند، اما در جمع می گوئیم که اکثر کتاب های داستانی و افسانه ای از شریر بوده و باعث تضعیف روحیه می شوند.

اما از این مطلب ناخوش آیند که بگذریم، باید موضوع را به وجدان هر شخص بسپاریم و از او به پرسیم که در سال چند ساعت از این نوع ادبیات مطالعه می کند، و حدس بزنند که چند صفحه را شامل می شود، و بعد از آن همین سؤال را در مورد کتاب مقدس و سایر ادبیات مسیحی بپرسیم و این دو را با هم مقایسه کنیم. شاید تعجب آور باشد که اکثر دختران و پسران نوجوان سالی ۳۵ جلد کتاب داستان و رمان مطالعه می نمایند.

دو راه برای خواندن کتابهای مفید وجود دارد، هیچ کدام را نیز نمی شود پیشنهاد نمود، اما راه سومی هست که به نظر ما راهی خوب و آسان به شمار می رود. بعضی ها کتاب را کاملاً می بلعند، برای مثال یک جلد کتاب قطور سی. اچ. مکتاش را گرفته و در عرض دو روز آنرا خوانده و کنار می گذارند. برای انجام این کار، آنها شبها تا دیر هنگام به خواندن ادامه داده و مسئولیتهای خانوادگی و اداری خود را نادیده می گیرند، یا با اصرار خواندن کتاب مقدس را به تنهایی ادامه می دهند که این امر کاملاً مردود است. ما سر میز شام حاضر می شویم، و نمی توانیم در زمانی کوتاه هر آنچه که در آنجا نهاده شده را بخوریم، ظرفیت معنوی ما نیز مانند ظرفیت فیزیکی است که نمی تواند همه چیز را در آن واحد خورده و هضم نماید. و بدین ترتیب از نظر معنوی نیز نمی توانیم تمام مطالب را در زمانی کوتاه فهمیده و درک نماییم.

عده دیگری کار بر عکس می کنند خواندن کتاب را آنقدر طول می دهند تا زمانیکه به آخر آن رسیدند ابتدایش را فراموش می نمایند: هر چند روز یک و یا دو صفحه را می خوانند که هیچگونه نتیجه ای ببار نمی

آورد و پیشرفتی حاصل نمی شود. اما تعدادی دیگر که حد وسط این دو قرار گرفته اند بهترین می باشند. مثلاً اگر مشغول مطالعه تورات هستیم، می شود روزی به یک فصل اکتفا کرد، و عهد جدید را نیز با همین روش باید ادامه دهیم. این عمل چند استفاده برای ما خواهد داشت، در حله اول از خواندن کتاب مقدس لذت خواهیم برد، و دوم با داشتن زمان کافی درک خود را از کلام خدا بیشتر خواهیم نمود.

چنین دوره مطالعه منظم عهد عتیق بسیار سودمند خواهد بود. کتابهای دیگر کلام خدا را نیز می توانیم با استفاده از این طریق مطالعه نماییم، تا به تدریج تمام کتاب مقدس را با همین روش به پایان رسانیم. در اینجا می رسیم به نحوه صرف کردن وقت خواننده و اینکه چگونه باید زمان مطالعه را تنظیم نماید. همواره باید به آن اعتبار ببخشید، اگر امکان داشته باشد این کار را در صبح زود موقع اینکه سرحال هستید و مزاحمی نخواهید داشت به عمل آورید.

از خواندن در شب و بخصوص اواخر آن خوداری کنید. بعضی از کتابها را صرفاً برای رجوع کردن نوشته اند، برای مثال تفسیرها، دیکشنری ها، و حتی متن های زیادی که ما در باره آنها صحبت کرده ایم، در این جا فقط کتاب های اختصار استثناء می باشند که پیشنهاد می کنیم آنها حد اقل یکبار همراه با کتاب مقدس بطور متوالی قرائت شوند. اگر شخص کتاب های تفسیر در اختیار دارد، می شود از آنها در فصل های مخصوصی از کتاب مقدس استفاده نمود، اما خواندن متوالی آنها کمک چندانی نخواهد داشت، چون منظور اصلی از نوشتن اینگونه تفسیرها فقط جهت رجوع کردن می باشد.

از علامت گذاری کتابهایی که از آن خودتان می باشند نهراسید، و برای اینکه آنرا موقع پاک کردن لکه دار و کثیف نکنید بهتر است علامت ها را با خودکار بنویسید. کتابی که با هشیری علامت گذاری شده باشد مورد توجه دیگران قرار خواهد گرفت. به آنان نشان می دهد که یک نفر نیز راه آنها را قبلاً ادامه داده و فقط به ارزش های کتاب نیست که اهمیت می دهد. این علائم شاید با هم تفاوت داشته باشند، بعضی ها به فصل های خاصی اشاره می کنند، و یا سئوالی برای اصلاح چند عبارت و جمله، زیر نویس می کنند. کتابی از این نوع مانند دفترچه یادداشت است که هر نوع نوشته ایی در آن به چشم می خورد.

اما وقتی که آنرا به امانت گرفته ایم نباید هیچ یادداشتی حتی با مداد در آن بنویسیم. پیشنهاد ما اینست که هر کس سعی کند کتاب را خود تهیه کرده تا اینکه از دیگران آنرا را قرض نماید. کتابها، دوستان عمری انسان هستند، اگر کسی لیاقت خواندن آنرا داشته باشد پس می تواند آنرا تصاحب نیز بنماید. البته شاید نتوانیم آنها را به فوریت خریداری بکنیم. در حقیقت کتاب های خوب و اثر گذار ارزش و اهمیت خاص خود را دارند، و اگر به

مرور تهیه شوند قدر مسلم این است که تا آخر خوانده خواهند شد ولی اگر کلی و یکجا خریداری شوند امکان مطالعه همه آنها بسیار کم است.

کتابهای امانتی را باید هرچه زودتر به صاحبانشان برگردانده شوند. از نظر اخلاقی خوب نیست کتابی که با محبت و نیکی به ما سپرده شده آنرا به صاحب اصلی برنگردانیم. ما به آخر این موضوع بسیار مهم مطالعه کتاب مقدس رسیده ایم. و به خوبی آگاه هستیم که چیزی برجسته و یا اصلی گفته نشده است، اما اگر کتاب کوچک ما توانسته شاگردان جدید را تشویق نموده، و باعث تحریک آنانی باشد که قبلاً کتاب مقدس را خوانده اند، در آن صورت تلاش ما بیهوده نبوده است.

هدف کتاب، جلال دادن خداوند متبارک در درون قلبهای قوم خویش است، و او که کلام زنده است، و در صفحات آن کلام مکتوب جایکه تمام چیزها در باره او سخن می گویند. که او خود همان خدای زنده است در حقیقت تشابهی مشخص بین شخص خداوند عیسی مسیح و کلام مکتوب خدا وجود دارد. آنکه از خدا بوده اما جسم پوشیده است، خود را فروتن کرده تا او را ببینند و صدایش را بشنوند، شخصی با افکار، قالب، خواست، کامل انسانی، ما چنین خدای زنده ای را می بینیم، اما با وجود تمام این ها، جلال او بر غیر ایماندار پوشیده مانده است.

و اما نوشته های کلام خدا: ظاهراً آنها نوشته های دست انسانی می باشند، حاصل نویسندگان متفاوت، و با تمام مشخصات و زمانهای خود آنها را نوشته و بوجود آوردند. چیزی به زور و یا تنش خاصی نبوده است. پنج کتاب تورات را یک نابغه بزرگ نوشت، اشعار واقعی و از نوع بهترین را مزموور نویس ها و کتاب ایوب و پیامبران را بطور بسیار بدیهی به رشته تحریر آوردند. روایت های تاریخی را که درد آور و تبعیض آمیز بودند، تاریخ دانان آنها را به صورت آشکار نگاشتند، بیوگرافی نویسهای وفادار و دقیق اناجیل را به صورتی واضح و روشن ثبت نمودند، و یک نابغه بزرگ به نام پولس، رساله های خود را نوشت. اما در پس و ورای دانسته های انسانی، پادشاه یا روستایی، ماهی گیر یا شاعر، فکر نورانی الهی، و روح الهام بخش اوست که عظمت و کمال، خواست و راه ها، تقدس و جلال، و محبت خدا را در شخص پسر او عیسی مسیح متجلی می نمایند.

ما خدا را بوسیله کلامش می شناسیم، و نه صرفاً با عقل و یا هوش خودمان، بلکه بعنوان کسانی که بوسیله این کلام تولد یافته، پاک شده و تغذیه شده اند. بنابراین مسیح را نیز می شناسیم، و او را به طریقی مخصوص و واقعی، از کلام زنده خدا، که فکر او بشمار می رود. باشد تا آن میل و اشتیاقی که قلب پولس رسول را پر نمود ما را نیز لمس نماید. همانطور که برای ملاقات خداوند مان در آسمان به آنجا می رویم، در کلام نیز در پی او

باشیم، هر آنچه را که بدست آورده ایم پشت سر نهاده و چیزهایی را که در جلو روی خود داریم بیابیم، و به جایزه ای که برایمان مهیا شده و در آسمان در انتظار ماست و احترام ما را می طلبد.

پس با سخت کوشی و جستجوی مداوم در کلام گرانقدر خدا به پیش برویم. و به یاد داشته باشیم که در این سوی آسمان هر گز نمی توانیم بطور کامل ارضا شویم. در واقع کلام خدا اینقدر کامل است که درک مطلق آن در این جهان امکان پذیر نمی باشد، اما روزی خداوند را شناخته و قدرت قیامش را درک خواهیم نمود، آری، همچنان که در جفاهایش نیز مشارکت خواهیم داشت، و تا آن اندازه که کلام او فکر و قلب ما را پر ساخته و حاکم زندگی ما شده و کنترل آنرا در دست بگیرد. ای دوست گرامی مسیحی، در این کار شریف جدیت به خرج دهید، شاید گذراندن چندین دقیقه مطالعه صبحگاهی کاری ناچیز به نظر رسد، اما دانستن در مورد مسیح بیهوده نیست، بیائید سخت کوش، ساده، مطیع و امیدوار باشیم و این کار با ارزش را ادامه دهیم!

" شریعت تو را چقدر دوست می دارم؛ تمامی روز تفکر من است. اوامر تو مرا از دشمنانم حکیم تر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می باشد. از جمیع معلمان خود فهمیم تر شدیم زیرا که شهادت تو تفکر من است. از مشایخ خردمندتر شدم زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم. پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. از داوریهای تو رو برگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی. کلام تو به مذاق من چه شیرین است و به دهانم از عسل شیرین تر. از وصایای تو فطانت را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکروه می دارم (مزمور. ۱۱۹: ۹۷-۱۰۴)."